

communiqué of Allameh Helli's
second festival
jan 2010



ویژه نامه دومین
جشنواره علامه حلی (ره)
دی ۸۸



زندگی نامه علامه حلی (ره).
بازدید آیت الله مقتدائی از دبیرخانه.
با مسئولان. نمودارها و آمار
تحلیلی. منتخبین جشنواره دوم.
معرفی اداره امور پژوهشی
مدارس. بااساتید و پژوهشگران.



دبیرخانه جشنواره
علامه حلی



مرکز مدیریت حوزه های علمیه
معاونت پژوهش

زندگی نامه علامه حلی (ره) / ۲

گزارش بازدید مدیر محترم حوزه های علمیه آیت الله مقتدائی از دبیرخانه جشنواره علامه حلی (ره) / ۱۶

❖ مسؤلان ❖

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای عماد (معاون پژوهش حوزه های علمیه) / ۱۸

جناب آقای خالقی (معاون پژوهش حوزه های علمیه خواهران) / ۱۹

❖ مسؤلان جشنواره ❖

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی شبستری دبیر جشنواره / ۲۳

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر گودرزی مسؤل بخش علمی جشنواره / ۲۷

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای نیکبخت مسؤل بخش اجرائی جشنواره علامه حلی (ره) / ۲۹

❖ آمار تحلیلی جشنواره دوم و نمودارها ❖ / ۳۲

❖ منتخبین جشنواره دوم ❖ / ۴۴

❖ معرفی اداره امور پژوهشی مدارس ❖ / ۵۲

❖ اساتید و پژوهشگران ❖

آیت الله حاج شیخ عباس کعبی عضو شورای نگهبان / ۵۸

آیت الله حاج شیخ محمد حسین احمدی فقیه یزدی / ۶۱

آیت الله سید احمد مددی / ۶۳

مجتهد سرکار خانم صفاتی / ۶۶

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای علیدوست (برگزیده جشنواره فارابی سال ۸۸) / ۶۸

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی (برگزیده جشنواره فارابی سال ۸۸) / ۷۱

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر غلامرضا بهروز لک (مدیر پژوهشکده انتظار نور) / ۷۳

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای رضا اسلامی / ۷۵

جناب آقای دکتر مجد / ۷۸

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای خدامراد سلیمیان / ۸۱

❖ برخی از منتخبین جشنواره اول ❖ / ۸۴

صاحب امتیاز: معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه

مجری: غلامعلی رائیجی

سایر همکاران: آقایان عباس قاسمی، مهدی

دانشور، علی جواد دهقان، نوربخش، قاسم وثاقتی

فلاح و حمیدیان.

زندگی نامہ علامہ حلے (۵)

بسمہ تعالیٰ

برگ های زرین حیات علامه حلی با تعهد و صداقت مزین و با تار و پودی از اخلاص و محبت شیرازه گردیده است. عالم بیداری که فقه شیعہ و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در سایه سار ولایت پاسداری کرد و فقاہت را حیات دیگری بخشید. همواره انسان های نمونه دارای یک بعد و ارزش خاص نیستند، بلکه ارزش های گوناگون را در خود جمع کرده اند. علامه حلی از شخصیت هایی است که از هر نظر دارای ابعاد گوناگون و فضیلت های درخشان است. او در تمام دانش ها علامه بود و گوی سبقت را از دیگران ربود و ارزشهای ممتازی را که دیگران داشتند به تنهایی داشت. وی با اندیشه و فکر موج خویش علاوه بر تحولی که در فقه ایجاد کرد و در عصر خویش مسیر اندیشه فقهاء را متوجه مبانی فقه و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نمود در فنون و دانش های دیگر چون حدیث تحول بنیادین به وجود آورد و دریچه ای به روی محققان در طول تاریخ گشود که مشعل پر فروغ آن همیشه فرا راه آنان است. وی پرچم ولایت را بر افراشت و با تمام وجود از ولایت و رهبری صحیح دفاع کرد. عشق سرشار به خاندان طهارت علیهم السلام با گوشت، پوست

و استخوانش آمیخته بود و آن جا که در ارتباط با آنان قلم بر صفحه کاغذ می گذاشت با اخلاص برخاسته از اعماق جانش چنین می نوشت: «بزرگترین سرچشمه دوستی و محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اطاعت و پذیرش حکومت و ولایت آن هاست و قیام بر همان شیوه». زندگی این ستاره درخشان، سراسر، ایمان، دانش، تعهد، اخلاص و فضیلت های معنوی و تقواست. شخصیتی که ویژگی های اوبرای نسل دانش پژوه امروز می تواند الگو و چراغ پر فروغی در طریق علم باشد.

ولادت و خاندان :

در شب ۲۹ رمضان ۶۴۸ ق .

در شهر حله فرزندی از خاندانی پاک سرشت ولادت یافت که از مقربان درگاه باری تعالی قرار گرفت. نامش حسن و معروف به آیه الله علامه حلی است. وی ملقب به جمال الدین و معروف به آیه الله فی العالمین و منتهای فضایل اولین و آخرین و مؤسس ارباب حق و یقین است. مادرش بانویی نیکوکار و عقیف، دختر حسن بن یحیی بن حسن حلی خواهر محقق حلی است و پدرش شیخ یوسف سدیدالدین از دانشمندان و فقهای عصر خویش در شهر فقاہت حله است. علامه حلی از طرف پدر به «آل مطهر»

پیوند می خورد که خاندانی مقدس و بزرگ و همه اهل دانش و فضیلت و تقوا بودند. از آنها آثار و نوشته های گرانقدر به یادگار مانده که تا به امروز و در امتداد تاریخ مورد استفاده دانش پژوهان قرار گرفته است آل مطهر به قبیله بنی اسد که بزرگترین قبیله عرب در شهر حله است پیوند می خوردند که مدت زمانی حکومت و سیادت از آنها بود. وی از اوان کودکی به تحصیل علم و کسب کمال پرداخت. ادبیات عرب و علوم مقدماتی و متداول عصر را در حله نزد پدر دانشمندش و سایر علمای بزرگ آن منطقه، همچون دایی بزرگوارش محقق حلی و پسر عم مادرش شیخ نجیب الدین یحیی بن سعید و سید احمد بن طاوس و رضی الدین علی بن طاوس و حکیم مشهور ابن میثم بحرانی مؤلف شرح نهج البلاغه آموخت. هنوز سنین عمرش به حد بلوغ نرسیده بود که از تحصیل علوم مقدماتی فراغت یافت و به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و از همان روزها آوازه فضل و نبوغ و هوش سرشار او همه جا طنین افکند و آینده بسیار درخشانی را به او نوید داد. نقل شده است مولای متقیان علی علیه السلام در مسیر حرکت از کوفه به صفین بر تپه های بابل روی تل بزرگی ایستاد و اشاره به بیشه و نیزاری نمود و این سخن را فرمود:

« اینجا شهری است و چه شهری! اصبح بن نباته از یاران آن حضرت عرض کرد: یا امیرالمومنین! می بینم از وجود شهری در اینجا سخن می گویی، آیا در اینجا شهری بود و اکنون آثار آن از بین رفته است؟

فرمود: نه! ولی در اینجا شهری به وجود می آید که آن را «حله سیفیه» می گویند و مردی از تیره بنی اسد آن را بنا می کند و از این شهر مردمی پاک سرشت و مطهر پدید می آیند که در پیشگاه خداوند مقرب و مستجاب الدعوة می شوند.»

آغاز تحصیل:

منزل شیخ سدیدالدین که سرشار از کرامت و تقواست، کودکی را در خود جای داده که مایه افتخار آن است. حسن فرزند شیخ گرچه هنوز از عمرش چند سالی بیش نگذشته، با راهنمایی دلسوزانه پدرش برای فراگیری قرآن مجید به مکتب خانه رفت و با تلاش و پیگیری مداوم و هوش و استعداد خدادادی که داشت در زمانی کوتاه خواندن قرآن را به خوبی یاد گرفت. فرزند شیخ نوشتن را در مکتب خانه آموخت ولی به این مقدار راضی نشد. از این رو نزد معلم خصوصی خود رفت و در محضر شخصی به نام «محرّم» با تلاش و جدیت فراوان در اندک زمانی نوشتن را به خوبی فرا گرفت. حسن بن یوسف پس از آموختن کتاب وحی و خط، کم کم آمادگی فراگیری دانش ها را در خود تقویت نمود و در مراحل اولیه تحصیل مقدمات و مبادی علوم را در محضر پدر فاضل و فقیه خود آموخت و به سبب کسب این همه فضیلت ها و نیکی ها در سنین کودکی به لقب «جمال الدین» (زینت و زیبایی دین) در بین خانواده و دانشمندان مشهور گشت.

در محضر عالمان :

علامه حلی از دانشمندان بسیاری (عامه و خاصه) بهره گرفته و نیز گروه فراوانی از علمای عامه و خاصه، نزد وی دانش آموخته و از او استفاده کرده‌اند. وی در آغاز تحصیل، از محضر پر فیض پدرش، سدیدالدین یوسف و سپس از دائی خود، محقق حلی صاحب شرایع الاسلام، بهره گرفت. در عقلیات و ریاضیات و دیگر علوم، شاگرد محقق طوسی و کمال الدین میثم بن علی بحرانی و جمال الدین احمد بن طاوس حسنی و برادرش رضی الدین علی بن طاوس بوده و نیز در خدمت جمع دیگری از دانشمندان زمانش دانش آموخته است. پدر بزرگوارش که به تعلیم وی اشتیاق فراوان داشت، در همان ایام کودکی و طفولیتش معلمی برای وی تعیین نمود به نام محرّم و از او تعهد گرفت تا قرآن و نوشتن را به فرزندش بیاموزد. او قرآن را نزد استادش آموخت و کتابت را از او فراگرفت. وی همچنین در محضر فقها، متکلمان و فلاسفه والا مقام با کمال ادب زانو زد و از روح بلند و اخلاق و دانش آنان بهره کافی برد و خویشان را به دانش و تهذیب نفس آراست و به تمام فنون و علوم مسلح گردید و از دست آنان به دریافت اجازه نامه اجتهاد و نقل حدیث مفتخر گردید. وی تحصیل فقه، کلام، اصول، عربیت و سایر علوم شرعیّه از فقیه اهل البیت نجم الدین ابو القاسم

جعفر بن سعید حلی ملقب به محقق اول که دائی علامه است، و در نزد پدر بزرگوارش شیخ سدید الدین یوسف بن مطهر تلمذ نموده و مطالب حکمیّه را در خدمت استاد البشر خواجه نصیر الدین طوسی و علی بن عمر کاتبی قزوینی شافعی و محمد بن احمد که خواهرزاده ملا قطب علامه شیرازی است و نیز برخی از علمای خاصه و عامه فرا گرفت.

اساتید وی عبارتند از:

۱. شیخ یوسف سدیدالدین (پدر ارجمند او)
۲. محقق حلی (۶۰۲ - ۶۷۶ ق)
۳. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق.)
۴. سیدرضی الدین علی بن طاووس (۵۹۷-۶۶۴ ق.)
۵. سید احمد بن طاووس (متوفی به سال ۶۷۳ ق.)
۶. عیحیی بن سعید حلی (متوفی به سال ۶۹۰ ق.)
۷. مفیدالدین محمد بن جهّم حلی
۸. ابن میثم بحرانی (۶۲۶ - ۶۷۹ ق.)
۹. جمال الدین حسین بن ایاز نحوی (متوفی ۶۸۱ ق.)
۱۰. محمد بن محمد بن احمد کشی (۶۱۵-۶۹۵ ق)
۱۱. نجم الدین علی بن عمر کاتبی (متوفی به سال ۶۷۵ ق)
۱۲. برهان الدین نسفی
۱۳. شیخ فاروقی واسطی
۱۴. شیخ تقی الدین عبدالله بن جعفر کوفی

درخشش علمی:

جمال الدین حسن، ستاره پر فروغ «آل مطهر» و شهر فقاہت حله هنوز مدت زمانی از تحصیلش نگذشته بود که با ذوق سرشار خدادادی و علاقه وافر، به تمام دانش‌های بشری مانند فقه و حدیث، کلام و فلسفه، اصول فقه، منطق، ریاضیات و هندسه مسلح گردید و تجربه لازم را به دست آورد. آوازه فضل و دانش وی به سرعت در سزرمین حله و دیگر شهرها پیچید و در مجالس درس و محیط فرهنگی نام مقدسش را به نیکی و احترام یاد می کردند و «علامه» اش می خواندند. علامه حلی در شهر حله حوزه درس تشکیل داد و علاقه مندان و تشنه کمان معارف و علوم اهل بیت علیهم السلام از گوشه و کنار جذب آن شدند و از دریای بی کرائش سیراب گشتند. یکی از دانشمندان می گوید: علامه حلی نظیری ندارد نه پیش از زمان خودش و نه بعد از آن. کسی که در مجلس درس او پانصد مجتهد تربیت شد. از جمله فرزندان و ستارگانی که در محضرش زانو زدند و از انقباس پاک و مکتب پر بار فقهی، کلامی و روح بلندش بهره ها بردند و از دست مبارکش به دریافت اجازه نامه اجتهادی و نقل حدیث مفتخر شدند عبارتند از:

۱. فرزند نابغه اش محمد بن حسن بن یوسف حلی معروف به «فخر المحققین» (۶۲۸ - ۷۷۱ ق)
۲. سید عمیدالدین عبدالمطلب (خواهرزاده علامه حلی)
۳. سید ضیاء الدین عبدالله حسینی اعرجی حلی

(خواهرزاده علامه حلی)

۴. تاج الدین سید محمد بن قاسم حسنی معروف به «ابن معیه» (متوفی ۷۷۶ ق)
۵. رضی الدین ابوالحسن علی بن احمد حلی (متوفی ۷۵۷ ق)
۶. قطب الدین رازی (متوفی ۷۷۶ ق)
۷. سید نجم الدین مهنا بن سنان مدنی
۸. تاج الدین محمود بن مولا
۹. تقی الدین ابراهیم بن حسین املی
۱۰. محمد بن علی جرجانی

جایگاه علمی علامه حلی:

بعد از رحلت محقق حلی در سال ۶۷۶ ق زعامت و مرجعیت شیعیان به علامه حلی منتقل گردید و او در آن زمان ۲۸ ساله بود که این بار امانت الهی بر دوش با کفایت او گذاشته شد. بدین سبب به لقب مقدس و شریف «آیه الله» مشهور گردید، که در آن روزگار تنها او به این لقب خوانده می شد و هر کس آیه الله می گفت منظورش علامه حلی بود.

عصر علامه را باید زمان توسعه فقه و شیعه و حقانیت مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و در دوره پیشرفت تمدن و دانش در گوشه و کنار جهان اسلام نامید. چرا که علامه حلی تلاش و کوشش خستگی ناپذیری در نشر علوم و فقه اسلام بر طبق مذهب اهل بیت نمود و در فقه تحول و شیوه جدیدی ارائه کرد.

وی اولین فقیهی بود که ریاضیات را به عنوان دانشی در فقه وارد کرد و به فقه استدلالی تکامل بخشید. تاثیری که دیدگاه فقهی، کلامی و آثار علامه گذارده بود محور بحث و تکیه گاه دانشمندان شیعی بود. حضور چنین دانشمندانی در دستگاه مغولان، در پیشرفت علم و جلوگیری مغولان وحشی از تخریب و آتش سوزی مراکز فرهنگی و کتابخانه ها، نقش بسزایی ایفا کرد. دانشمندانی که در انجام این مهم از آبروی خویش سرمایه گذاشتند و همچون شمع سوختند.

آن را که فضل و دانش و تقوا مسلم است هر جا قدم نهد قدمش خیر مقدم است حضور فقیه یگانه عصر علامه حلی در ایران و مرکز حکومت مغولان بسیار پر برکت بود و با زمینه هایی که حاکم مغول برای وی به وجود آورده بود کمال بهره را برد و به دفاع از امامت و ولایت ائمه معصومین علیه السلام برخاست. از این رو بزرگ ترین جلسه مناظره با حضور اندیشمندان شیعی و علمای مذاهب مختلف برگزار شد. از علمای اهل سنت خواجه نظام الدین عبدالملک مراغه‌ای که از علمای شافعی و داناترین آنها بود برگزیده شد. علامه حلی با وی در بحث امامت مناظره کرد و خلافت بلا فصل مولا علی علیه السلام پس از رسالت پیامبر اسلام را ثابت نمود و با دلیلهای بسیار محکم برتری مذهب شیعه

امامیه را چنان روشن ساخت که جای هیچ گونه تردید و شبهه ای برای حاضران باقی نماند.

پس از جلسات بحث و مناظره و اثبات حقانیت مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام اولجایتو مذهب شیعه را انتخاب کرد و به لقب «سلطان محمد خدا بنده» معروف گشت. وی برادر «غازان» بود که در ابتدا بت پرست و سپس مسیحی و بعد بودایی شد و آنگاه از مسلمانان اهل سنت گردید و سپس به وسیله علمای شیعه مخصوصاً «علامه حلی» شیعه شد و با قدرت او مغولان اسلام را پذیرفتند.

پس از اعلان تشیع وی، در سراسر ایران مذهب اهل بیت منتشر شد و سلطان به نام دوازده امام خطبه خواند و دستور داد در تمام شهرها به نام مقدس ائمه معصومین علیه السلام سکه زنند و مساجد و اماکن مشرفه را به نام ائمه مزین کنند. یکی از دانشمندان می نویسد: اگر برای علامه حلی منقبت و فضیلتی غیر از شیعه شدن سلطان محمد به دست او نبود، همین برای برتری و افتخار علامه بر دانشمندان و فقها بس بود حال آن که مناقب و خوبی های وی شمارش یافتنی نیست و آثار ارزنده اش بی نهایت است.

سخنان علماء در باره علامه حلی:

محدث متتبع و دانشمند نامی، محدث نوری (ره) در کتاب مستدرک وسائل الشیعه در مورد او چنین

می آورد: علامه حلی شیخ بزرگوار و جلیل القدر، اقیانوس علوم، و غواص فضائل و حکمتها، حافظ ناموس هدایت و ارشاد و شکننده ناقوس ضلالت، پاسدار حریم دین، زائل کننده آثار فسادگران بود. او در جمع علماء و دانشمندان اسلام، همانند بدر (ماه شب چهارده) در میان ستارگان می درخشد و نسبت به دشمنان و بدخواهان سیاه دل، شدیدتر از عذاب زهرناک و برنده تر از شمشیر مسموم است. او دارنده مقامات فاخره و کرامات درخشان و سعادت های ظاهری است. او زبان گویای فقهاء و متکلمین، محدثین، مفسرین و ترجمان حکماء و عرفای سالکین متبحر است. او فردی است که لقب «آیه الله» تام و کامل، شایسته اوست. رحمت ها و عنایات خاص خدا شامل حال او باد!

رجالی معروف، صاحب ریاض العلماء نیز درباره او آورده است: «پیشوای وارسته، عالم عامل، فاضل کامل، شاعر ماهر، علامه علماء، فهامه فضلاء، استاد جهان، معروف در بین ما به «علامه علی الاطلاق» موصوف به نهایت علم، فهم، کمال. او فرزند خواهر محقق و «آیه الله» روی زمین می باشد. او حقوق بی شماری از نظر زبان، بیان و قلم بر عهده طائفه شیعه امامیه دارد. او جامع علوم مختلف و مصنف در رشته های گوناگون بود. او به تنهایی فقیه، حکیم، متکلم، محدث، اصولی، ادیب و شاعری ماهر بود. من برخی از اشعار او را در اردبیل دیدم که به کمال جودت طبع در نظم و شعر دلالت دارد.»

شیخ خبیر میرزا عبد الله افندی اصفهانی گوید: شیخ بزرگوار جمال الدین ابو منصور حسن بن سدید الدین، یوسف بن علی بن محمد بن مطهر حلی، رهبری بزرگ همت، دانشمندی عامل، فاضل، کامل، شاعری ماهر، علامه دانشمندان و فهامه فاضلان، استاد تمام دنیا که بین اصحاب به علامه علی الاطلاق معروف است. او به وصول به قله علم موصوف و در نهایت فهم و کمال در آفاق شهرت دارد. وی خواهرزاده محقق حلی و آیه الله بر اهل زمین بود و حقوق بزرگی بر طائفه بر حق امامیه و شیعه اثنی عشریه در بیان احکام و معارف شیعه و تدریس و تألیف دارد. آن بزرگوار، جامع رشته های مختلف علمی بود و در همه آن رشته ها کتابی تصنیف نمود. او حکیم در حکمت، متکلم در کلام، فقیه در فقه، محدث در حدیث، اصولی در فن اصول، ادیب در ادبیات عرب و شاعری ماهر و توانا بود. در شهر اردبیل، پاره ای از اشعار او را دیدم که بر طبع شاعرانه او در نظم دلالت داشت.

زمانی که از خواجه نصیر الدین طوسی پس از دیدارش از شهر حله و دانشمندان آنجا و مشاهداتش پرسش نمودند، در باره این دانشمند بزرگ همت گفت: در آنجا راهنمایی دانا و استادی زبردست دیدم که اگر کوشش کند، بر من برتری خواهد یافت.

شیخ حرّ عاملی گوید: او علامه علی الاطلاق است که شهرت شخصیت او جهان را فرا گرفته و

جز او کسی از دانشمندان شیعه، به این لقب [علامه مطلق] ملقب نگردید.

صاحب کتاب منهج المقال نیز چنین می گوید: حسن بن علی بن مطهر، ابو منصور علامه حلی، در شهر حله متولد گردید و در آنجا سکونت داشت. خصال برجسته و نیکوکاریهای او از حد شمارش برتر است و هرگز پنهان نخواهد ماند.

مولی نظام الدین قرشی در کتاب نظام الأقوال، آورده است: حسن بن یوسف بن علی مطهر حلی ملقب به جمال الدین و مکنی به ابو منصور - که خداوند روح وی را پاک سازد - بزرگ طایفه، علامه زمان و صاحب تحقیق و تدقیق است. او استاد متأخرین است چرا که دانشمندان پس از او همه از وی استفاده برده‌اند، به فضل و برتری مشهور و نیازی به توصیف ندارد.

تجلیل و توصیف از مقام علمی علامه حلی اختصاص به علماء شیعه ندارد، بلکه دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد توصیف و تجلیل قرار داده‌اند. مثلاً، ابن حجر عسقلانی در کتاب «لسان المیزان» درباره او می گوید:

«ابن یوسف بن المطهر الحلی، عالم شیعه و پیشوا و مؤلف آنان است. او آیت حق در ذکاوت بود.» «المختصر» ابن حاجب را شرح زیبایی نمود. او همان فردی است که شیخ تقی الدین بن تیمیه در

کتاب خود ردی بر او نوشته است و کتاب او معروف به «الرد علی الرافضی» است. ابن مطهر بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد بود. هنگامی که کتاب ردیه ابن تیمیه به دست او رسید، گفت: اگر او می فهمید که من چه می گویم، به او پاسخ می دادم.»

ابن حجر در کلامی دیگری گوید: حسن بن یوسف بن مطهر حلی، عالم شیعه، رهبر و مصنف آنان است، او در ذکاوت و زیرکی آیتی از آیات الهی بود. وی مختصر ابن حاجب را شرحی پسندیده نوشت و مطالبی در نهایت زیبایی نگاشت به صورتی که نوشته‌های او در حال حیاتش شهرت به‌سزایی یافت و نیز گوید: حسن بن یوسف بن علی مطهر حلی رافضی مشهور که ریاست شیعه امامیه، در زمان خودش در اختیار وی بود، به علوم عقلی، شناختی کامل داشت. او در شرح، توضیح و حل الفاظ مختصر ابن حاجب موصلی شرحی نیکو نوشت.

از این نوع کلمات و سخنان توصیفی، در مورد آن مجتهد والامقام به کثرت و فراوانی در میان علمای اسلام وجود دارد که به نقل چند نمونه بسنده گردید.

علامه در ایران :

آیه الله علامه حلی، فقیه برجسته شیعه، حدود یک دهه از عمر شریفش در ایران گذشت. او در این مدت خدمات بسیار ارزنده ای نمود و در نشر علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام کوشش فراوان و

شاگردان زیادی را تربیت کرد. علامه چه در شهر سلطانیه و چه در مسافرت‌ها به دیگر شهرهای ایران پیوسته ملازم با سلطان بود از این رو به پیشنهاد وی سلطان دستور داد مدرسه سیاری را از خیمه و چادر، دارای حجره و مدرس آماده کنند تا با کاروان حمل گردد و در هر منزلی که کاروان رحل اقامت کرد خیمه مدرسه در بالاترین و بهترین نقطه منزل بر پا شود. او علاوه بر تدریس و بحث و مناظره با دانشمندان اهل سنت و تربیت شاگردان، به نوشتن کتاب‌های فقهی، کلامی و اعتقادی مشغول بود، چنان که در پایان بعضی از کتاب‌های خود نگاشته است: این نوشته در مدرسه سیار سلطانیه در کرمانشاهان به اتمام رسید. وی کتاب ارزشمند «منهاج الکرامه» را که در موضوع امامت است برای سلطان نوشت و در همان زمان پخش گردید. علامه حلی پس از یک دهه تلاش و خدمات ارزنده فرهنگی و به اهتزاز در آوردن پرچم ولایت و عشق و محبت خاندان طهارت علمیه السلام در سراسر قلمرو مغولان در ایران، در سال ۷۱۶ ق. بعد از مرگ سلطان محمد خدابنده، به وطن خویش سرزمین حله برگشت و در آن جا به تدریس و تالیف مشغول گردید و تا آخر عمر منصب مرجعیت و فتوا و زعامت شیعیان را به عهده داشت. و خدمات شایانی از خود باقی گذاشت.

تالیفات علامه:

مشهور است علامه با این که همواره مشغول به تعلیم و تعلم بوده و بسیار سفر می کرد و با

ملوک و اعیان و اعظام مصاحبت و مراودت داشت و مناظرات و مباحثات متعدد داشت، کثیر التالیف نیز بود. که بعضی از آنها به تنهایی (مانند تذکره الفقهاء) کافی است که تلاش و نبوغ او را نشان دهد. شیخ فخر الدین طریحی در کتاب مجمع البحرین در ماده علم نوشته که پانصد کتاب به خط علامه دیده شده است. طریقه وی آن بود که هر چه به خاطرش مرتسم می شد همان را ثبت و درج می کرد بدون آن که مراجعه به افکار و اقوال قبلی خود نماید اگر چه مخالف با افکار متقدمه اش بود. سید مصطفی تفرشی، صاحب کتاب «نقد الرجال» می گوید: «علامه آن قدر فضیلت، شان و اعتبار دارد که بهتر است توصیف نشود، چون توصیف‌ها و تعریف‌های من چیزی بر شان او نمی افزاید. او بیش از ۷۰ جلد کتاب دارد که هر کدام نشانگر نوعی از فضیلت و نبوغ و علم و دانش اوست...» صاحب روضات بعد از نقل این سخن می افزاید: «او بیش از ۹۰ جلد تالیف دارد.» عالم منتبع و دانشمند نامی مرحوم مدرس صاحب کتاب ریحانه الادب در شرح حال او بیش از ۱۲۰ جلد کتاب را با نام و عنوان تحقیقی آنها نام می برد.

ابن کثیر گوید: ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی عراقی شیعی، شیخ و بزرگ رافضیان در عراق است، تصانیف و کتب زیادی از او بر جای مانده است. گفته شده که به ۱۲۰ مجلد می رسد، و تعداد پنجاه کتاب از این مجموعه در فقه، اصول، نحو،

فلسفه و رفض و غير آن از کوچک و بزرگ است که مشهورترین آنها بين طلاب، شرح ابن حاجب در اصول فقه است. و دو جلد از کتاب های وی را دیدم که در اصول فقه بود به شیوه کتابهای المحصول و الاحکام که مفید است، زیرا مشتمل بر نقل بسیار و توجیهی زیباست. «۳»

اما علامه، در شرح حال خود، در کتاب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال و در قسم اول آن نام کتاب های که به پایان رسانده و یا کتاب های که شروع به تألیف آنها نموده و تا تاریخ تألیف این کتاب که سال ۶۹۳ قمری است و بیش از ۶۴ کتاب می باشد، درج نموده است. او در رشته های گوناگون علوم، کتابهای زیادی دارد که اگر در مجموعه ای جمع آوری شود دایره المعارف و کتابخانه بسیار ارزشمندی خواهد شد.

آثار وی عباتند از:

الف) آثار فقهی: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، تلخیص المرام فی معرفه الاحکام، غایه الاحکام فی تصحیح تلخیص المرام، منتهی السؤال و الاصل، منهج در مناسک حاج، تذکره الفقهاء،
ب) آثار اصولی: النکة البديعة فی تحرير الذريعة، غایة الوصول و ایضاح السبل، مبادئ الوصول...
ج) آثار کلامی و اعتقادی: منهج اليقين، کشف المراد، انوار الملكوت فی شرح الياقوت، نظم البراهين،

اسرار الخفيه ...

د) آثار حدیثی: استقصاء الاعتبار فی تحقیق معانی الاخبار، مصابیح الانوار، الدرر و المرجان فی الاحادیث الصحاح و الحسان و ..

ه) آثار رجالی: خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، کشف المقال فی معرفه الرجال، ایضاح الاشتباه.

و) آثار تفسیری: نهج الايمان فی تفسیر القرآن، القول الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز و ایضاح مخالفه السنه.

ز) آثار فلسفی و منطقی: القواعد و المقاصد، الاسرار الخفيه، کاشف الاستار، الدرالمکنون، المقاومات، حل المشکلات و ...

ح) آثار ارزنده در زمینه دعا: الادعيه الفاخره المنقوله عن الائمة الطاهره و منهج الصلاح فی اختصار المصباح.

ط) آثار ادبی: کشف المکنون من کتاب القانون، بسط الکافیه، المقاصد الوافیه بفوائد القانون و الکافیه و... و همچنین آثار دیگری مانند: آداب البحث، جوابات المسائل المهنائیه الاولی، جوابات المسائل المهنائیه الثانیه، جواب السؤال عن حکمة النسخ، اجازه نقل حدیث به بنی زهره حلبی، اجازه نقل حدیث به قطب الدین رازی در ورامین، اجازه نقل حدیث به مولا تاج الدین رازی در سلطانیه، دو اجازه نقل حدیث به سید مهنا بن سنان مدنی در حله،

اجازات متعدد به شاگردان و دیگر فقها، وصیتنامه، الغریه، اما کتاب «کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام» اثر نفیس و ارزنده شخصیت بزرگ عالم تشیع، شیخ معظم جمال الدین، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی - نور الله ضریحه - می باشد که حقا در فن خود بی نظیر و از یک سو ستاره درخشانی است که از قرن ششم هجری به بعد، در پهنای آسمان علم و فضیلت هم چنان می تابد، و چشم دل باختگان مقام ولایت، به آن روشن است این کتاب حاوی بیش از پانصد فضیلت و منقبت، از فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام از مصادر اهل سنت است.

کرامات علامه:

در کتاب مجالس قاضی نور الله آمده است یکی از علمای اهل سنت که در بعضی از فنون علمی استاد علامه بود کتابی در رد مذهب شیعه امامیه نوشت و آن را برای مردم می خواند و به جهت حفظ از نقد و رد توسط علمای شیعه آن کتاب را مخفی می داشت. اما علامه در صدد بود که آن را بدست آورد تا ردیه ای بر آن بنویسد. از این رو وی از طریق ایجاد ارتباط و تمنای زیاد از صاحب کتاب توانست آن را فقط به مدت یک شب امانت بگیرد. زیرا صاحب کتاب گفته بود: سوگند یاد کرده ام که این کتاب را زیاده از یک شب پیش کسی نگذارم. از این رو علامه فرصت را غنیمت دانست کتاب را گرفت و به خانه برد که در آن شب به قدر امکان از کتاب استنساخ نماید

و چون به کتابت آن مشغول شد نیمی از شب گذشت، و خواب بر او غلبه کرد. ناگاه حضرت صاحب الامر علیه السلام ظاهر شد و به علامه فرمود کتاب را به من واگذار. پس از آن که علامه از خواب بیدار شد، بسیار افسوس خورد که چرا خوابید و کتابت را انجام نداد ولی مشاهده کرد که آن نسخه به کرامت آن حضرت (ع) تمام شده و در آخر نوشتار آمده است: کتبه م ح م د ابن الحسن العسکری علیه السلام صاحب الزمان.

کرامت دوم از مرحوم تنکابنی نقل شده است:

علامه در شب جمعه ای به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام رفت او تنها و بر دراز گوشی سوار و تازیانه نیز بر دست مبارکش بود. در بین راه شخصی عرب بدون مرکب همراه او شد و با هم به مکالمه و مباحثه علمی مشغول شدند. بر علامه معلوم شد که این شخص مردی فاضل و بسیار صاحب علم و فضیلت است. پس علامه مشکلات علمی خود را که در حل آن ها درمانده بود یک به یک از آن شخص سؤال می کرد و آن شخص تمام مشاغل و معاضل را حل می نمود تا این که بحث در یک مساله فقهی واقع شد و آن شخص فتوایی داد و علامه منکر آن شد و گفت که حدیثی بر طبق آن فتوی نداریم. آن مرد گفت: شیخ طوسی در تهذیب حدیثی در این باب در فلان صفحه و در فلان سطر ذکر کرده است. علامه در حیرت شد که این شخص کیست. سپس از آن مرد پرسید که آیا در این زمان که غیبت کبری است میتوان حضرت صاحب الامر (ع) را ملاقات

کرد یا خیر؟ که در این هنگام تازیانه از دست علامه افتاد پس آن حضرت خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و در دست علامه گذاشت و فرمود: چگونه صاحب الزمان را نمی‌توان دید و حال آن که دست او در میان دست تو است. پس علامه بی اختیار خود را در مقابل پای آن حضرت انداخت و بی هوش شد! و چون به هوش آمد کسی را ندید، و چون به خانه برگشت به کتاب تهذیب رجوع کرد و آن حدیث را در همان صفحه و همان سطر که آن حضرت گفته بود پیدا کرد و به خط خود در حاشیه آن نوشت: این حدیثی است که حضرت صاحب الامر (عج) به آن خبر داد و به آن راهنمایی کرد.

غروب ستاره حله

پایان زندگی هر کس به مرگ اوست جز مرد حق که مرگ وی آغاز دفتر است. محرم سال ۷۲۶ ق برای شیعیان و پیروان راستین اسلام فراموش نشدنی است. عجب تقارن و اتفاقی! پاسدار بزرگ اسلام و فقیه شیعه، علامه حلی، ولادتش در ماه پربرکت و با فضیلت رمضان واقع شد و زندگی اش با خیر و برکت فراوان گردید و بعد از گذشت ۷۸ سال عمر پر بار، پرواز روحش با عشق و محبتی که به اهل بیت نبوت و رابطه ناگسستنی با ولایت داشت، در ماه شهادت به وقوع پیوست و مهمان سالار شهیدان امام حسین علیه السلام شد.

در توضیح المقاصد شیخ بهاء الدین عاملی آمده است: روز بیست و یکم از ماه محرم سال ۷۲۶ علامه جلیل القدر، جمال الملة و الدین حسن بن مطهر حلی

دیده از دنیا بربست، روحش شاد و یادش گرمی باد. آری، در ۲۱ محرم سال ۷۲۶ ق مرجع تقلید شیعه، فقیه و عارف فرزانه، ستاره پرفروغ آسمان علم و فقاہت، آیه الله علامه حلی دار فانی را وداع گفت و روح ملکوتی اش به سوی خدا پرواز کرد و به رضوان و لقای معبودش شتافت. غم و اندوه بر چهره همه سایه افکند. بغض، گلوها را فشرد و چشمها را از فرط ریزش اشک داغ، همچون آتش گذاخته سوزاند. از حضور و ازدحام مردم مصیبت زده محشری بپا شد و در فضای آکنده از غم و آه، پیکر پاک ستاره تابناک شیعی بر دوش هزاران عاشق و شیفتگان راهش از حله به نجف تشییع گردید و در جوار بارگاه ملکوتی مولای متقیان علی علیه السلام در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از ایوان طلای امیرالمومنین علیه السلام دری به رواق علوی گشوده است. پس از ورود به سمت راست، حجره ای کوچک دارای پنجره فولادی، مخصوص قبر شریف علامه حلی است. زائرین بارگاه علوی در مقابل این حجره توقفی کرده، مرقد شریفش را زیارت می کنند و از روح بلندش مدد می جویند.

دستور العمل اخلاقی علامه به فرزند خود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

بدان ای فرزندم: که خداوند بر فرمانبرداری اش یاریت کند، و بر انجام نیکیها و ملازمت خوبیها توفیقت دهد. بر آنچه رضای او در آن است رهنمونت سازد. و به هر آنچه از خوبیها آرزو داری تو را برساند.

در دنیا و آخرت تو را با راحت دلی و چشم روشنی همراه سازد. عمرت را با سعادت و آسایش دراز دارد. و بدی ها را از تو، به دور کند.

من در این کتاب، (قواعد الاحکام) اساره فتاوی احکام را برایت خلاصه کردم، و قواعد شریعت را با عباراتی کوتاه و قلمی روان، روشن ساختم. و راه حق را بر تو واضح کردم. این در حالی است که پنج دهه از عمرم را پشت سر نهاده، وارد ششمین دهه عمرم می شوم ...

چون خدا وصیت را بر من واجب کرده، به ویژه به هنگام احساس مرگ، امر بدان کرده است تو را سفارش می کنم تقوا را از دست مده، زیرا، تقوا راه و روشی است که از پیامبر ((ص)) باقی مانده، و فریضه‌ای الهی است که مواظبت بر آن بر همه واجب است. تقوا زرهی است نگهدار انسان از بدی ها. و توشه‌ای است جاویدان، سودمندترین زاد است برای روزی که انسان بی کس و چشم‌ها نگران است.

دستورهای الهی را به جان بنوش، رضای او را ملازم باش، مکروهات را دوری گزین، و از محرّمات منجز باش، عمرت را در تحصیل کمالات سپری کن، و لحظه‌های زندگی ات را در گردآوری فضیلت های علمی، و عروج از پستی نقصان به قله کمال، و از جهل به اوج عرفان بکار گیر. نیکی ها را گسترش ده، و برادرانت را در رسیدن به کمالات یاری کن. بدی را از برادران مؤمنت به نیکی سزاده، نیکوکاران را با منت و اغوش باز بپذیر. با پست همتان رفاقت مکن، و از معاشرت نادانان دوری

کن؛ چه رفاقت آنان اخلاق تو را پست کرده، و سبب جایگزینی خصایص ناپسند در وجود تو می گردد. بر تو باد به ملازمت علماء و همنشینی با صاحبان فضیلت؛ چه این مصاحبت وجودت را آماده تحصیل کمالات کرده، و مهارت در استنباط مجهولات را به دنبال دارد. سعی کن امروز تو از دیروزت بهتر باشد، و در هر لحظه‌ای از کمالی نو بر خوردار گردی. بر تو باد به صبر و بردباری، و توکل بر خداوند، و خوشنودی بر آنچه از دنیا به تو می‌رسد. در هر شب و روز از خود حساب رسی کن. بسیار از پروردگات آمرزش خواه. (زیرا در هیچ لحظه‌ای سپاس او را چنانچه بایسته است نتوانی). از نفرین مظلوم به ویژه یتیمان و بیوه زنان بترس، چه خداوند نسبت به شکستن دل های شکسته، گذشت نمی‌کند. بر تو باد به نماز شب، که رسول خدا (ص) بر آن اصرار داشته، و خواسته او، بوده است و فرموده است: (من ختم له بقیام اللیل ثم مات فله الجنة) (کسیکه عمرش به شب زنده داری به پایان رسد، بهشت از آن او است).

بر تو باد به (صله رحم) این عمل عمر را افزون سازد. بر تو باد به (حسن خلق) و برخورد نیک که رسول خدا (ص) فرموده است: (انکم لن تسعوا الناس باموالکم، فسعوهم باخلاقکم) (شما توان آن ندارید که مردم را با اموال خود یاری کنید، پس با برخورد خوبتان آنان را خوشنود سازید). بر تو باد به نیکی با اولاد پیامبر و پیوند با آنان، خدا درباره آنان سفارش مؤ کد کرده، و دوستی آنان را مزد رسالت قرار داده است.

(قل لا اسئلكم اجرا الا المودة فى القربى) پیامبر در این زمینه فرموده است: (انى شافع يوم القيامة لاربعة اصناف، ولو جاوا بذنوب اهل الدنيا): (رجل) نصر ذريتي و (رجل) بذل ماله لذريتي عند المضيق (ورجل) احب ذريتي باللسان والقلب (ورجل) سعى فى حوائج ذريتي اذا طردوا او تشردوا) (چهار دسته را روز قیامت شفاعت کنم، هر چند با گناه اهل دنیا به صحرای محشر حاضر شوند: آنکه اولاد مرا یاری کند. آنکه از اموالش به اولاد تنگدست کمک کند. کسی که با زبان و قلب، آنان را دوست بدارد. آنکه در انجام حوائج و نیازهای اولاد تبعید شده و رانده شده من تلاش کند.) امام صادق (ع) فرمود: (هنگامی که قیامت فرا رسد، منادی فریاد زند: هان ای مردم، پیامبر با شما سخن می گوید. سکوت بر فضا حاکم می شود و همه دم فرو بندند، سپس پیامبر و آل او بلند شده، و پیامبر چنین فرماید: ای مردم! هر آنکه برای من کاری کرده یا خوبی نموده، و یا منی بر من دارد بلند شود تا من او را امروز کفایت کنم (و از هول قیامت نجاتش دهم) آنان عرض کنند: به فدای شما پدران و مادران ما، چه کسی برای شما کاری انجام داده یا خوبی کرده یا بر شما منی دارد، بلکه این خدا و رسول اند که بر همه انسانها منت دارند، و به آنها خوبی کرده اند. رسول خدا فرماید: هر آن کسانی که فردی از اهل بیت مرا پناه داده، یا به آنان خوبی کرده، یا برهنگان آنانرا پوشانیده و یا گرسنگان شان را سیر کرده است، برخیزند تا آنان را با (شفاعت) کفایت کنم

. گروهی از مردم بلند شوند، سپس از جانب پروردگار ندا رسد: ای محمد! من پاداش دادن آنان را به تو واگذاشتم، هر جای بهشت خواهند جایشان ده، پس از آن در (وسیله) آنان را جای دهند و آن مکانی است که حجابی بین آنان و چهارده معصوم نیست. بر تو باد به بزرگ داشتن فقهاء و احترام علماء در این باره رسول خدا فرمود:

(من اكرم فقيها مسلما لقي الله يوم القيامة و هو عنه راض و من اهان فقيها مسلما لقي الله يوم القيامة و هو عليه غضبان).

(آنکه فقیهان و دین شناسان ژرف نگر را گرامی دارد، خدا را در روز قیامت ملاقات کند در حالی که از او راضی و خرسند است؛ و آنکه فقیه مسلمانی را توهین کند، و قدرش را سبک دارد، خدا را در حالی که از او خشمگین است ملاقات کند). نگاه به چهره عالم و در خانه آن و نشست و برخاست با آن عبادت شمرده شده است. و بر تو باد به ژرف اندیشی و تفقه در دین، و تلاش در جهت افزودن علم، امیر مومنان (ع) به فرزندش فرمود: (تفقه فى الدين فان الفقهاء ورثة الانبياء وان طالب العلم يستغفر لهم من فى السموات و من فى الارض حتى الطير فى الهوا والحوث فى البحر وان الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضابه) (در دین ژرف بیندیش و فقیه شو! چون فقها جانشین پیامبرانند. برای طالب علم، هر آنچه در آسمان و زمین است استغفار می کنند؛ حتی مرغ ها در هوا و ماهی

ها در دریا! فرشتگان باخرسندی بالهای خود را برای طالب دانش پهن می کنند.) مبادا که دانش خویش را کتمان کنی، و بر روی نیازداران نگشایی، که خدای تعالی می فرماید:

(ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الہدی من بعد ما بینا للناس فی الکتاب اولئک یلعنہم اللہ و یلعنہم اللاعنون).

(آنان که پیام های وحی ما را که برای انسان ها تعیین کرده ایم، و در کتاب بروشنی بازگو نموده ایم می پوشانند؛ بر این گروه نفرین خدا و نفرین نفرین شدگان باد).

و رسول خدا فرمود: (اذا ظہرت البدع فی امتی فلیظہر العالم علمہ فمن لم یفعل فعلیہ لعنة اللہ تعالی) (هنگامی که بدعت (نوآوریهای بر خاسته از رسوبات ملی، قومی، توارثی، فرهنگی به دور از دین) پیدا شد، بر دانشمندان است که دانش خود را آشکار سازند، آنان که چنین نکنند، نفرین خدا بر آنها باد!) و نیز فرمود: (لا تمنحوا الجہال الحکمة فتظلموها، ولا تمنعوا اہلہا فتظلموہم).

(حکمت را به ناهلان ندهید که اگر دادید بر حکمت ستم کردید و از اهلش دریغ مدارید، که به اهل حکمت ستم روا داشته اید).

(والحمد للہ علی حسن التوفیق و ہدایة الطریق)

تألیف، دخل و تصرف: مجتبی گودرزی

مأخذ:

۱. «گلشن ابرار» خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل از ثقة الاسلام کلینی تا آیه الله خامنه‌ای / تدوین جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم / ناشر نورالسجاد-چ اول ۱۳۸۷ تحت نظر پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) / سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. آینه یقین، (ترجمه کشف الیقین علامه حلی) سید مجتبی علوی تراکمه‌ای

۳. دیدار با ابرار، عبدالرحیم اباذری، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ (تلخیص از محمد حسن امانی)

۴. الفین، علامه حلی، ترجمه وجدانی، ناشر سعدی، تهران، چاپ اول،

۵. روضات الجنات، محمد باقر خوانساری، ترجمه شیخ محمدباقر ساعدی، اسلامیه تهران

۶. ریاض العلماء، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، مترجم: ساعدی، محمد باقر، نشر ۱۳۶۶، چاپ اول

۷. ریحانة الادب، علی مدرس تبریزی، نشر شفق، تهران

۸. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، تحقیق عبد الفتاح ابي غدة، مطبوعات اسلامی، چ اول ۱۴۲۳ هـ

۹. فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، قم، پاییز، ۱۳۷۶، چاپ سوم

۱۰. قصص العلماء، محمد بن سلیمان تنکابنی، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم

۱۱. تشیع و تصوف، کامل الشیبی، ترجمه علیرضا ذکاوتی، چاپ اول، نشر امیر کبیر، ۱۳۵۹

۱۲. خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم

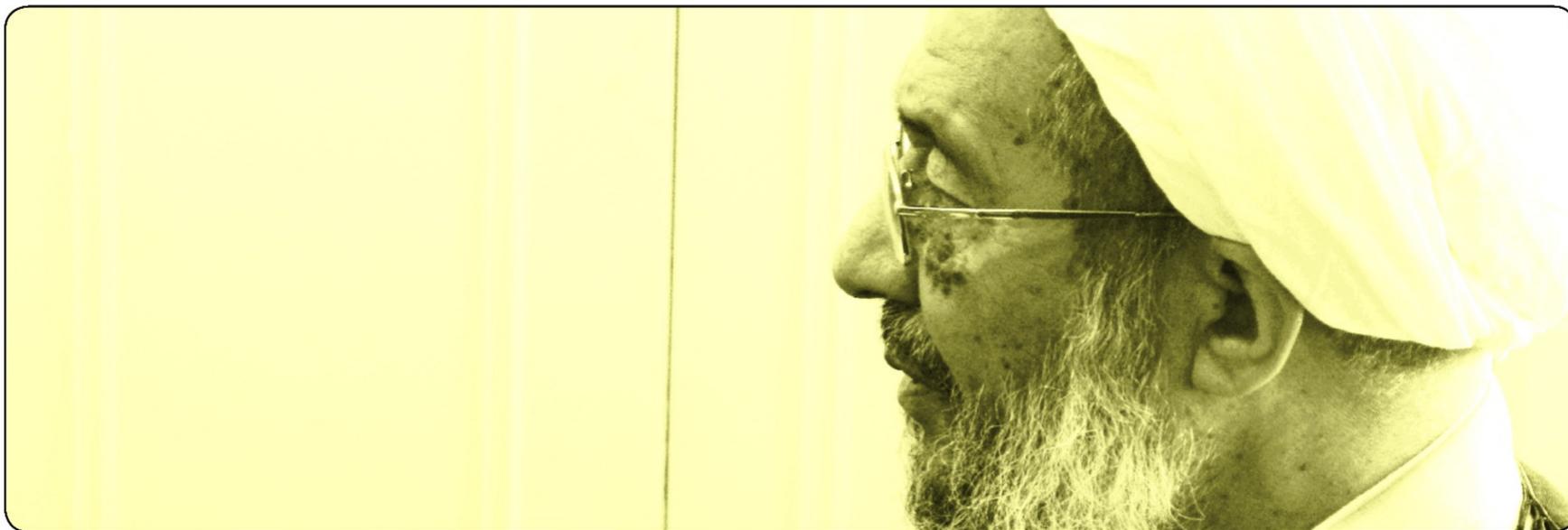


بازدید آیت الله مقتدائی

(مدیر محترم حوزه های علمیه)

از دبیرخانه جشنواره علامه حلی (ره)





طلبه ها را بیشتر ترغیب کنیم و سوق بدهیم به تحقیق و پژوهش در حوزه به طوری که یک فرهنگ شود در حوزه ان شاءالله.

برای ارتقاء این جایگاه چه تدابیری اندیشیده اید؟

تدابیر بالاخره از نظر علمی کارهای خوبی شده و دارد می شود فقط یک قدری امکانات مالی می خواهد که آن هم دنبال هستیم بتوانیم ان شاءالله امکانات مادی و مالی را برایش تامین کنیم. کار بسیار با ارزشی است ان شاءالله هر چه بیشتر در اینجا زحمت می کشید موجب تشویق طلاب می شود و سبب ارتقاء سطح علمی حوزه است اگر شما یک قدم در این راه بردارید ان شاءالله مورد رضایت امام زمان (عج) است قطعاً. از جناب آقای عماد هم تشکر می کنیم که زحمت می کشند.

جشنواره علامه حلی (ره) هم نسبت به رشد علمی طلبه ها خیلی موثر است و هم برکات عمومی دارد.

اگر شما یک قدم در این راه بردارید ان شاءالله مورد رضایت امام زمان (عج) است قطعاً.

باشیم، این اهتمام به سطح علمی حوزه است این اهتمام به سطح علمی طلاب در حوزه علمیه است، ما باید ان شاءالله سعی کنیم

با سلام ، جایگاه و کاربرد جشنواره علامه حلی (ره) را در حوزه و در میان طلاب جوان چگونه می بینید؟

به نظر می آید این جشنواره بحمدالله در بین طلاب، جای خودش را باز کرده و موجب تشویق طلاب است به تحقیق و پژوهش در زمینه های مختلف که هم نسبت به رشد علمی طلبه ها خیلی مؤثر است و هم برکات عمومی دارد که این تحقیقات و بررسی هائی که می کنند در سطح عموم از آنها استفاده می شود و منشاء تحقیقات بالاتر و رشد بالاتر در آینده می شود.

ما هر چه اهتمام به این جشنواره داشته

که یک ایرانی به تنهایی بیش از بیست ژاپنی، کار علمی پژوهشی انجام می‌دهد، در حالی که کارشان عملاً یک بیستم یک ژاپنی هم پیش نمی‌رود. علت این است که ما بیشتر با کارهای فردی و بی‌ارتباط با دیگران عادت کرده‌ایم و به پژوهش‌های جمعی و گروهی، خو نگرفته‌ایم.

بخش سوم پژوهش، سامان یافتگی آن به شکل ارائه است. ارزیابی‌هایی که پس از پژوهش انجام می‌شود، نشان می‌دهد که این پژوهش، چقدر برای مخاطب اقناع کننده و در حوزه علم، پاسخگو و کارآمد است. اینها شاخص‌های پژوهش استاندارد است.

هرچند در شرایط موجود، ممکن است کارهای موازی برای ما امری مطلوب نباشد، اما به‌طور ذاتی، موازی بودن دو تحقیق، کاری منفی نیست. به‌هر حال، اگر بخواهیم چنین مسئله‌ای اتفاق نیفتد، لازم است که عزم جدی، اطلاع‌رسانی خوب و مناسب و دستگاه راه‌برنده داشته باشیم.

یکی از نقش‌های معاونت پژوهش همین است که نیازسنجی کند و بعد با توزیع امکانات، بر اساس توانمندی افراد و دستگاه‌ها، متولیان کارها پیدا شوند.

در این روند، کارهای موازی هم حذف می‌شود و دست کم در پژوهش‌هایی که خطیر نیستند، چند تیم در یک حوزه عمل نمی‌کند.

در مسئله یابی، ممکن است مسئله‌نماها جای خود را با مسئله واقعی جابه‌جا کنند و توان پژوهش، در پیچ و خم این مسئله‌نماها هزینه شود. از این رو، گام نخست این است که در یک پژوهش استاندارد، به مسئله واقعی برسیم.

بنابراین، پژوهشی استاندارد است که در حوزه نیازسنجی، مبتنی بر یک روش علمی است. نیازسنجی هم در کنار خود، شاخصه امکان‌سنجی را دارد. ممکن است به مسئله‌ای برخورد کنیم که به لحاظ منابع، امکان پاسخ‌گویی آن برای ما وجود نداشته باشد. در این صورت، برای حل مسئله باید به سمت مقدمات برویم. مرحله بعد، روش‌مند بودن پژوهش است؛ یعنی چگونه با مسئله و فرایند حل آن روبه‌رو شویم و همچنین، منابع و موانع پژوهش و... را بشناسیم.

استاندارد بودن برخی پژوهش‌ها به گروهی بودن آنهاست. پژوهشی که از همه اطلاعات دیگران استفاده ببرد، قطعاً بی‌خطا تر و به پاسخ، نزدیک‌تر است.

در خاطر هست که یک ژاپنی، از آنجا که با فعالیت ما ایرانی‌ها آشنا بود، گفته بود



حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای عماد (معاون پژوهش حوزه‌های علمیه)

پژوهش استاندارد در حوزه مسئله یابی، فرایند یافتن پاسخ و ارائه پاسخ، با پژوهش غیراستاندارد متفاوت است. در مسئله یابی، ممکن است مسئله‌نماها جای خود را با مسئله واقعی جابه‌جا کنند و توان پژوهش، در پیچ و خم این مسئله‌نماها هزینه شود. از این رو، گام نخست این است که در یک پژوهش استاندارد، به مسئله واقعی برسیم. بحث دوم این است که ما تمام سؤال‌ها را با یک رویه پاسخ ندهیم، بلکه با اولویت‌یابی، به نیاز مخاطب، تقدم ذاتی مسئله، اهمیت مسئله و میزان طلب پرسش‌کنندگان، توجه کنیم.

نظام آموزشی باید در حوزه دانش، توانایی‌های علمی طلبه را تأمین کند و در حوزه تمرین و نظارت هم، به این نکته برسد که چگونه مسئله یافته می‌شود و باید از چه روشی استفاده کند تا از حوزه نظر، به عمل درآورد.

گاهی پژوهش، آماتور و گاهی تمرینی است. ما باید مشخص کنیم که طلبه از کجا باید فعالیت پژوهشی که به تولید علم منتهی می‌شود را شروع کند. پژوهش، معبر تولید دانش است. پژوهش، پاسخ جدیدی به یک مسئله یا تقریر و استدلال جدیدی برای مسئله است. بنابراین، نظام آموزشی باید در حوزه دانش، توانایی‌های علمی طلبه را تأمین کند و در حوزه تمرین و نظارت هم، به این نکته برسد که چگونه مسئله یافته می‌شود و باید از چه روشی استفاده کند تا از حوزه نظر، به عمل درآورد.

به نظر من، دوستانی که به عنوان معاون پژوهشی مدرسه هستند، باید روحیه‌های پژوهش‌گرا را بشناسند و از همان ابتدا آنها را کنترل و سپس از آنها حمایت کنند تا حجم مورد نیاز پژوهش‌گر در حوزه‌های پژوهشی، تأمین شود.



جناب آقای خالقی

(معاون پژوهش حوزه‌های علمیه خواهران)

مادر حوزه‌های علمیه خواهران روش‌های مختلف پژوهش در علوم انسانی را به طلاب آموزش می‌دهیم. اما اینکه در ساختار پژوهشی خود مایل به استفاده از کدام شیوه - نظام‌مند و سازمانی یا شخصی و سنتی - باشند، در اختیار خود آنهاست.

آموزش پژوهش به طلاب در حوزه‌های علمیه خواهران یا در قالب برنامه‌های آموزشی مصوب معمول مدارس و یا خارج از آن انجام می‌گیرد.

در مورد اول ۲ واحد درس روش تحقیق که در طول دوره عمومی باید گذرانده

شود، ۳ واحد تحقیقات پایانی که دارای ویژگی‌های پایان‌نامه با اندکی تسامح در رعایت خصوصیات پایان‌نامه است و ارائه مقاله در ارتباط با دو متن درسی مجزا در هر نیمسال تحصیلی، مواردی است که از طریق آنها در قالب برنامه رسمی پژوهش، به طلاب آموزش داده می‌شود.

اما در آموزش‌های خارج از این قالب می‌توان به برگزاری نشست‌های علمی و پژوهشی در مدارس، فراخوان مقالات در مرکز یا از سوی مجموعه‌های خارج از مرکز، تشویق شرکت طلاب در نشست‌ها و فراخوان‌های آموزشی و تشویق طلاب برای ارائه تحقیقات اشاره کرد.

اگر فرض کنیم که موضوع همه‌ی پژوهش‌ها یا علوم انسانی است یا غیر آن باید گفت، موازی‌کاری در پژوهش‌های حوزه علوم تجربی دارای معنا و مفهوم است و در آن پسندیده نیست. اما در علوم انسانی پژوهشگر به دنبال نوآوری و تولید علم، پاسخگویی به سئوالات بدون پاسخ و یا ارائه پاسخ نو به سئوالاتی است که قبلاً به آنها پاسخ داده شده است. به این معنا در تحقیقات علوم انسانی یا موازی‌کاری وجود ندارد و یا عیب نیست. چرا که قرار است در آن به یک نتیجه جدید برسیم.

نکته‌ای که در این میان وجود دارد این است که به دلیل وجود موضوعات فراوان در

علوم انسانی و امکانات محدود، میان نیازها اولویت‌بندی کنیم و به موضوعات مهم‌تر پردازیم.

بنابراین یکی از محاسن پژوهش‌های نظام‌مند آن است که کمک می‌کند تا به موضوعات مهم‌تر پرداخته شود. در این راستا باید یک بانک جامع اطلاعاتی از پژوهش‌ها توسط یک مجموعه که بیشترین مقبولیت را در میان مجموعه‌های پژوهشی دارد، تهیه شود تا در موضوعات، برنامه‌ها، اجرا، و امکانات موازی کاری صورت نگیرد.

اگر قرار باشد نظام آموزشی بر محور پژوهش فعالیت کند، باید به آموزش پژوهش اهمیت داد. البته این آموزش باید در سطوح مختلفی انجام پذیرد.

مطمئناً این ضرورت وجود دارد و ما به آن معتقد هستیم. اگر قرار باشد نظام آموزشی بر محور پژوهش فعالیت کند، باید به آموزش پژوهش اهمیت داد. البته این آموزش باید در سطوح مختلفی انجام پذیرد. سطح اول، سطح فراگیران است که در این راستا تمامی طلاب باید با اصول حداقلی پژوهش آشنا شوند و بعضی دیگر که استعداد بیشتری دارند، بیش از آن تحت آموزش قرار گیرند. از میان این عده آموزش حداکثری

به نخبگان طلاب صورت می‌گیرد. کادر مدارس، مخصوصاً معاون پژوهش که وظیفه مدیریت پژوهش را بر عهده دارد، نیز باید در سطحی بالاتر تحت آموزش قرار گیرند. سطح دیگر مربوط به اساتید مدرسان کتاب‌های روش تحقیق، اساتید دروس نیازمند نگارش مقاله و سایر اساتید نیز باید در آموزش‌ها شرکت داده شوند. ما برای هریک از این سطوح باید بسته‌های پژوهشی داشته باشیم و در اختیار افراد قرار دهیم.

بخشی از پیش‌برد پژوهش در مدارس علمیه باید در لابلای آموزش مدنظر قرار گیرد. ما نیز آموزش و پژوهش را با هم مورد توجه قرار داده‌ایم و برای اینکه طلاب با استعداد را در دوره عمومی شناسایی کنیم، یک پروژه تحقیقاتی را در دست انجام داریم. در حال حاضر طلاب با طی کردن دوره عمومی سطح دو، واجد یک نمره که از کارنامه آموزشی به دست می‌آید، می‌شوند، اما توانایی در تبلیغ، اجرای پژوهش و تدریس مغفول مانده است. به دلیل اینکه نمره هر فرد را در پژوهش، تبلیغ و... نمی‌دانیم، استعدادهای حوزوی هرز می‌رود. ما باید استعدادهای شناسایی کنیم و رشد دهیم و آنها را باور کنیم تا مورد حمایت و آموزش ویژه و مشاوره قرار دهیم و در فعالیتهای پژوهشی پس از فراغت از

تحصیل مورد استفاده قرار دهیم. به هر حال مهم‌ترین راهبرد خصوصاً در دوره عمومی سطح ۲، ایجاد و توسعه فرهنگ پژوهش است تا روحیه پژوهش طلاب را تقویت کنیم و طلاب را با اهمیت این موضوع آشنا کنیم. در این راستا در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مدیریت مناطق و مدارس تحت پوشش، پست معاونت پژوهش ایجاد شده است. در ورود به سطوح بالاتر تحصیلی نیز تصمیم داریم موضوع پژوهش را بیشتر دخالت دهیم تا تنها امر موثر در پذیرش در مقطع بالاتر، توانایی آموزشی نباشد. در اعطای مجوز تدریس اساتید نیز این موضوع را مدنظر قرار داده‌ایم تا در کنار معلومات و مهارت، انتقال مطالبات ملاک عمل قرار گیرد. در نیمسال جاری به صورت آزمایشی طرحی را اجرا می‌کنیم که بر اساس آن کارنامه پژوهشی برای طلاب صادر می‌شود و سهمی هم برای پژوهش در ارزیابی طلاب مدنظر قرار می‌گیرد. از جمله سایر کارها می‌توان به ایجاد کانون‌های پژوهشی برای مدارس سطح دو و سطح سه به منظور فعال کردن طلابی که انگیزه پژوهشی دارند و همچنین راه‌اندازی انجمن‌های علمی در مدارس سطح سه که به صورت تخصصی‌تر به موضوع پژوهش می‌پردازند، اشاره کرد.

سال گذشته در این جشنواره آثار خواهران طلبه به صورت مجزا از آثار برادران داوری شده است، از این رو امکان مقایسه کیفی این دو دسته آثار به وجود نیامد. البته تعداد آثار خواهران بیش از برادران بوده است. امسال در این جشنواره مشارکت فعال - تری داشته‌ایم و تصمیم بر این است که آثار خواهران و برادران در مجموعه‌ای واحد و با معیارهای یکسان مورد ارزیابی قرار گیرند تا اگر ضعفی در یک بخش وجود داشت به آن واقف شویم و در جهت جبران آن برنامه‌ریزی کنیم.

اما توصیه‌هایی نیز برای برگزارکنندگان این جشنواره دارم. نخست آنکه تعامل مناسب و بایسته‌ای میان نخبه‌ها و این جشنواره ایجاد شود. برای این کار ابتدا باید بررسی شود که چند درصد از نخبگان از چنین جشنواره‌هایی استقبال می‌کنند. عده‌ای که شرکت نمی‌کنند چه دلیلی برای این کار دارند آیا توانایی آن را ندارند و یا نگاه آنها نسبت به این جشنواره مثبت نیست؛ که اگر چنین باشد باید این نگاه اصلاح شود.

توصیه دوم من به آن است که جشنواره علامه حلی در سطح مناطق نیز اجرا شود. برگزاری جشنواره در سطح سراسری سبب می‌شود بعضی از طلاب انگیزه شرکت در آن نداشته باشند، اما با برگزاری

منطقه‌ای آن تعداد بیشتری در جشنواره شرکت می‌کنند.

نکته دیگر این است که نتایج بررسی آثار طلاب باید به آنها منتقل شود تا جایگاه خود را به صورت دقیق در جشنواره بیابند و از این حیث آموزش خوبی داشته باشند.

این جشنواره همچنین باید به سوی معیارهای جشنواره‌های بین‌المللی گام بردارد. می‌توان طلاب خارجی مقیم ایران را در این جشنواره شرکت داد و در گام‌های بعدی امکان شرکت دانشجویان رشته‌های علوم اسلامی و انسانی را نیز در این جشنواره فراهم کنیم.

آموزش پژوهش‌محور، آموزشی است که مبتنی بر فهم و بصیرت باشد. آموزش، مرحله طفولیت علم و آگاهی است و بر محور استاد، متن، برنامه و مدرسه اتکا دارد. اما پژوهش، دوران بلوغ آگاهی است و فرد با استفاده از آن باید خود بیندیشد و راه خود را بیابد.

ما در این راه باید به طلاب بیاموزیم که خود را در آموزش محصور نکنند و فراتر از آن فکر و برنامه‌ریزی داشته باشند. حتی معارف دینی ما هم دارای مبانی پژوهشی و فکری هستند. چنانکه پذیرش اصول دین باید بر مبنای استدلال باشد.

آموزش پژوهش‌محور، آموزشی است که مبتنی بر فهم و بصیرت باشد. آموزش، مرحله طفولیت علم و آگاهی است و بر محور استاد، متن، برنامه و مدرسه اتکا دارد. اما پژوهش، دوران بلوغ آگاهی است و فرد با استفاده از آن باید خود بیندیشد و راه خود را بیابد.

اگر سابقه حوزه‌های علمیه را در نظر بگیریم درمی‌یابیم که مراجع تقلید بهترین پژوهشگر بوده‌اند. باید نگاهی به سابقه روشن خود در این عرصه داشته باشیم و به سمت آموزش پژوهش‌محور بازگردیم.



گفتگو بامسئولان جشنواره





حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای موسوی شبستری (دبیر جشنواره)

جناب حجت الاسلام والمسلمین موسوی شبستری، به شما خسته نباشید می‌گوییم. از اینکه به عنوان دبیر جشنواره علامه‌حلی، کوشیدید که این گردهمایی برپا شود. برخی آموزش را جدا از پژوهش می‌بینند و معتقدند که ابتدا باید آموزش شکل بگیرد، بعد به پژوهش پرداخته شود. از نظر شما رابطه آموزش و پژوهش چگونه است؟

رابطه آموزش و پژوهش دو سویه است. به یقین پژوهش، برآیند آموزش است و بستر علمی پژوهش، چیزی جز

آموزش نیست. در مقابل، پژوهش تقویت کننده و مرحله عالی و رشد یافته آموزش است. البته در این ارتباط دو سویه، آموزش و پژوهش، هر کدام هدف خاص خود را دارند؛ چنان که هدف دوران آموزشی، تربیت نیرو است. اما هدف پژوهش، تولید علم است و به بیان دیگر، **محصول دوران آموزش نیروی انسانی است، ولی محصول دوران پژوهش، تولیدات پژوهشی است.** بنابراین، آموزش و پژوهش، هر دو در هم گره خورده‌اند و ابتدا و بعدی در آن مطرح نیست. اگر پژوهش، تقویت کننده آموزش است، برای رشدش، به نیروی آموزش دیده نیاز دارد. این ارتباط تنگاتنگ، حکم می‌کند که بر تولید نیرو (آموزش) فضای پژوهش حاکم باشد. آموزش می‌تواند پژوهش محور باشد؛ یعنی در هدف گذاری‌های آموزشی، در رسانه‌های آموزشی، در آموزش دادن و شیوه سنجش آموزش، پژوهش محوری نقش آفرینی کند.

استاد می‌تواند در کلاس درس، به جای آنکه مفاهیم و قواعد کلی را به حافظه طلبه بدهد او را به تحقیق و بررسی و اکتشاف هدایت کند. استاد می‌تواند به جای ارائه حفظیات، طلبه را به لمس قواعد و قوانین علمی در منابع تشویق کند.

حتی می‌توان در سنجش‌ها پژوهش محور بود. طلبه ای که توانسته است یک مقاله

پژوهشی تولید کند، توانسته است اثبات کند که در مبحثی توانمندی دارد. چه اشکالی دارد که استاد، به جای آزمون شفاهی یا کتبی، از او تولید یک مقاله را بخواهد. در این صورت است که می‌توان به طلبه اختیار داد که به جای آزمون کتبی یا شفاهی، یک مقاله علمی ارائه دهد. می‌توان از همان آغاز دوران آموزش، مهارت‌های پژوهشی را که قالب‌ها و روش‌ها هستند، اعم از قالب‌ها و روش‌های دانشگاهی و حوزوی، به گونه‌ای تلفیق کنیم و آموزش دهیم که طلبه، هم‌چنان که از پایه‌ای به پایه دیگر ارتقایی یابد، مهارت‌های پژوهشی را هم کسب کند و آثاری ارائه دهد که در مجامع علمی قابل عرضه و استفاده باشد. ارزیابی شما از آثار رسیده به جشنواره چیست؟

آموزش می‌تواند پژوهش محور باشد؛ یعنی در هدف گذاری‌های آموزشی، در رسانه‌های آموزشی، در آموزش دادن و شیوه سنجش آموزش پژوهش محوری نقش آفرینی کند.

آثار رسیده، چه در این دوره و چه در دوره قبل، نشان می‌دهد که در طلبه‌های پایه هشت به بالا بافت پژوهش‌گری به خوبی شکل گرفته است.

پژوهش آموزشی در دوره آموزش چگونه ممکن است؟

آنچه از طلبه انتظار داریم، این است که در دوران آموزش، پژوهش آموزشی کند. البته همسو با دروس آموزشی. مسلم است که در این میان، کسی از طلبه انتظار ارائه محصول پژوهشی ندارد.

چه ایرادی دارد که طلبه، از همان بدو ورود به مدرسه، با روش استفاده از منابع پژوهشی و نیز مهارت‌های نگارشی، آشنا شود؛ آثار گوناگون پژوهشی را ملاحظه کند و لایه‌های مورد نیازش را جستجو و بررسی کند و یا مطالعه پژوهش را تمرین کند. همه اینها در راستای پژوهش آموزشی است.

اساتید، طلبه‌ای را که به مطالعه آزاد علاقه‌مند است، به مطالعه پژوهشی سوق دهند. او را مدیریت کنند، ضعف و قوتشان را پیوسته گوشزد کنند. آنها را از مطالعه‌های بی‌هدف و جسته و گریخته بازدارند. به آنها در انتخاب موضوع کمک کنند.

استادان به طلبه‌ها بیاموزند که با حوصله و بدون خستگی، پنج شش ماه در فضای موضوعی که درباره آن کار می‌کنند، بمانند. طلبه‌های علاقه‌مند به مطالعه آزاد، باید به سمت موضوع محوری گام بردارند و از کتاب محوری پرهیزند.

همه اینها سبب می‌شود که آن طلبه علاقه‌مند، با مطالعه پژوهشی آشنا شود و دریابد که برای آفریدن یک اثر پژوهشی، باید پیشینه موضوع پژوهش را مطالعه کند و جهت‌گیری‌های مرتبط با موضوع را بررسد. جشنواره، در مهارت آموزشی طلاب، چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

جشنواره، نمایه‌ای از عملکرد گروهی فعالان علمی و پژوهشی است. جشنواره، هرچند به ظاهر فضایی برای رقابت به نظر می‌رسد، در حقیقت اهداف چند لایه‌ناپیدایی دارد که ایجاد رقابت بین طلاب، ظاهرترین لایه آن است. تغییر یا شفاف‌سازی نگاه مسئولان کلان مجموعه‌های علمی و تغییر سازوکارهای اجرایی برای مدیران آن مجموعه‌ها، ارائه آمارهای بالینی به برنامه‌ریزان آن مجموعه‌ها و هماهنگ‌تر شدن اساتید، از لایه‌های درونی جشنواره‌ها است. جشنواره با مجموعه‌های علمی در تأثیر و تأثر و پیام‌آوری و پیام‌گیری است، به گونه‌ای که حتی برای متخصصان و پژوهش‌گران ما پیام‌آور است. ارزیابان لایه‌ای از پژوهش‌گران هستند، پژوهش‌گرانی که می‌توانند برای آینده برنامه ریزی کنند.

البته جشنواره، پیام‌های بیرونی هم دارد. امروزه یکی از دغدغه‌های مدیران حوزه، جذب جوانان مستعد است. اما جوانان از حوزه، تصویر

ذهنی شفافی ندارند؛ زیرا برون‌داد و ویتیرینی از فعالیت‌های پژوهشی حوزه را ندیده‌اند. جوانان برگزیدگان جشنواره‌های دیگر، همچون خوارزمی را هر سال می‌بینند، اما حوزه تا به حال ویتیرینی از آثار پژوهشی نداشته است.

تغییر یا شفاف‌سازی نگاه مسئولان کلان مجموعه‌های علمی و تغییر سازوکارهای اجرایی برای مدیران آن مجموعه‌ها، ارائه آمارهای بالینی به برنامه‌ریزان آن مجموعه‌ها و هماهنگ‌تر شدن اساتید، از لایه‌های درونی جشنواره‌ها است. جشنواره با مجموعه‌های علمی در تأثیر و تأثر و پیام‌آوری و پیام‌گیری است، به گونه‌ای که حتی برای متخصصان و پژوهش‌گران ما پیام‌آور است. ارزیابان ما هستند، پژوهش‌گرانی که می‌توانند برای آینده برنامه ریزی کنند.

بنابراین، نخستین پیام این جشنواره، می‌تواند شفاف‌سازی محیط علمی و پژوهشی حوزه باشد. ضروری می‌نماید که جوانان، با فعالیت‌های پژوهشی حوزه آشنا باشند تا جذب حوزه شوند. این امر، از یک

سو سبب جذب نیروهای مستعد به حوزه می‌شود و از دیگر سو، جامعه با دید اعتماد بیشتری به حوزه می‌نگرد.

اگر امروز بعضی از مردم، حوزه را باور ندارند، از آن روست که با بافت علمی و پژوهشی آن بیگانه‌اند. در میان جشنواره‌هایی که یکی پس از دیگری در حوزه علوم تجربی، ریاضی و... برگزار می‌شود، جای خالی تحقیقات و پژوهش‌های حوزه، ملموس است. فضای بیرون حوزه، چون خروجی‌های حوزه را به چشم نمی‌بیند، حوزه را جدی نمی‌گیرد. اهداف اصلی جشنواره کدام است و

امروزه یکی از دغدغه‌های مدیران حوزه، جذب جوانان مستعد است. اما جوانان از حوزه، تصویر ذهنی شفاف‌تری ندارند؛ زیرا برون‌داد و ویتترینی از فعالیت‌های پژوهشی حوزه را ندیده‌اند.

تاکنون چه حد به آن دست یافته‌اید؟ در دوره اول، هدف شورافزایی بود. بر آن بودیم که طلبه‌ها به پژوهش و رقابت در پژوهش رو نمایند. گویی تاکنون جشنواره به میزان فوق‌العاده‌ای به این هدف نائل آمده است و نمود آن را می‌توان در استقبال بی‌نظیر طلاب از جشنواره دید. هدف جشنواره دوم، گسترش فرهنگ



پژوهش و تقدیر از پژوهش‌گران حوزه است. کارآمدترین عامل برای گسترش فرهنگ پژوهش، فضای رقابتی جشنواره‌های پژوهشی است.

دیگر از اهداف، پاسداشت پژوهش‌گران است که به حق، قشری مظلوم، زحمت‌کش و ناشناخته‌اند. باید از جوانان، طلبه‌ای که به پژوهش و فعالیت علمی رو می‌آورد، تقدیر شود. در این زمینه، موافقت مسئولان بنیاد ملی نخبگان را جلب کرده‌ایم و آنها هم اعلام کرده‌اند که برگزیدگان جشنواره علامه حلی را به عنوان نخبه ملی می‌پذیرند. بعضی پژوهش‌گران، از نبود زمان کافی

برای ارزیابی آثار گله‌مندند، پاسخ شما چیست؟

ما در جشنواره اول، با کمبود زمان مواجه بودیم، اما در جشنواره دوم، در ارزیابی آثار، زمان را به خوبی مدیریت کردیم. در این دوره، دو موضوع برای ما اهمیت داشت: حفظ کیفیت ارزیابی، سرعت ارزیابی. از این رو، در دبیرخانه سیاست عدم توقف اثر را پی گرفتیم. یعنی هر اثری که به دبیرخانه می‌رسید، گردش کارش شروع می‌شد و برای شروع، منتظر رسیدن همه آثار نمی‌ماندیم؛ به بیان دیگر: چرخه دریافت، جذب، ثبت و ارزیابی، پس از فراخوان فعال شد و هر اثری که می‌رسید، از آن عبور می‌کرد.

جشنواره علامه حلی در مقایسه با جشنواره‌های ملی، همچون شیخ طوسی، چه جایگاهی دارد؟

جمعیت هدف جشنواره ما عام‌تر و در میان طلاب جوان است؛ یعنی طلبه‌های پایه اول تا سال دوم درس خارج. نسبت این جشنواره به جشنواره‌های بزرگسالان، نسبت آموزش و پژوهش است. در واقع جشنواره علامه حلی، بخش جوان جشنواره‌های علوم اسلامی و انسانی است. در روند کار با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

از مشکلات اساسی ما، ساختار مدیریتی جشنواره است. به نظر می‌رسد، نظام مدیریتی جشنواره، در تعامل با مرکز مدیریت حوزه، جای

بازخوانی دارد. سیستم مدیریتی باید به گونه‌ای باشد که جشنواره، برای فعالیت‌های خود، دچار مشکلات دست و پا گیر نشود. ویژگی برجسته جشنواره‌ها زماندار بودن آنهاست و از این لحاظ، با برنامه‌های جاری و هر روزه مرکز مدیریت حوزه، تفاوت دارد. ضروری است که مدیریت کلان حوزه، زمان را به خوبی برای جشنواره لحاظ کند. ما نمی‌توانیم برنامه‌های جشنواره را همچون سایر برنامه‌های مرکز مدیریت، ترتیب دهیم.

مشکل اصلی ما این است که مدیران کلان، هنوز نتوانسته‌اند ویژگی زماندار بودن و محدودیت زمانی جشنواره را به خوبی درک کنند که به دلیل این ویژگی، جریان کار جشنواره، حتی با تأخیرهای چند روزه، دچار مشکل می‌شود که در این میان، آنچه بیشتر اهمیت دارد، لزوم همکاری مرکز مدیریت، در امور مالی است.

سیستم مدیریتی باید به گونه‌ای باشد که جشنواره، برای فعالیت‌های خود، دچار مشکلات دست و پا گیر نشود. ویژگی برجسته جشنواره‌ها زماندار بودن آنهاست و از این لحاظ، با برنامه‌های جاری و هر روزه مرکز مدیریت حوزه، تفاوت دارد.

بی‌گمان، مسئله مدیریت زمان در هر مجموعه‌ای با افزایش اعتماد فی ما بین

مسئولان و با آسان‌سازی و کوتاه‌سازی سیر اداری، رابطه تنگاتنگ دارد. البته چارت‌بندی اداری نیز بر همین دو اصل تأکید دارد.

دیگر از مشکلات ما، دیدگاه معاونت آموزشی حوزه، مدیران مدارس و اساتید است. هنوز برخی مدیران آموزشی، چه در سطح مرکز مدیریت و چه در سطح مدارس، جشنواره را مزاحم آموزش می‌بینند. این دسته از مدیران، باید به جشنواره، به چشم فرصتی برای پایداری آموزش بنگرند، نه تهدیدی برای آن.

چشم‌انداز آیند جشنواره و نقش آن در پیشرفت پژوهش در میان طلاب و تأثیر جشنواره بر نظام پژوهشی حوزه چگونه است؟ جشنواره، در حقیقت نوعی معاینه سالیانه توان علمی و پژوهشی طلاب است. این معاینه، می‌تواند چنان پیش برود که سطح علمی و کیفی پژوهش‌های طلاب را ارتقاء دهد. در جشنواره‌های سال‌های آینده، بی‌شک، رقابت سنگین‌تر خواهد بود. جشنواره، بازار تقاضای پژوهش آموزی را گرم نگه خواهد داشت و کیفیت پژوهش‌آموزی طلاب را بالا می‌برد. در آینده حتی می‌توانیم آثاری داشته باشیم که نسبت به جشنواره‌های دیگر، مثل فارابی، حضور جدی‌تری داشته باشد. امروزه، نیاز به پژوهش‌های علوم انسانی، کاملاً احساس شده و تقاضای پژوهش در

حوزه علوم انسانی و اسلامی، فزونی گرفته است و قطعاً در آینده، جشنواره علامه حلی در تأمین نیازهای پژوهشی جامعه، سهم بسزایی خواهد داشت.

چه پیشنهادی برای ارتقای کیفیت جشنواره دارید؟

مدیریت جشنواره، نیاز به بازخوانی جدی دارد. نیز، لازم است برای جشنواره، دبیرخانه دائمی ایجاد شود. تصور اینکه پس از مراسم پایانی، کار جشنواره تمام می‌شود، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهد. صرف اینکه عده‌ای از نخبگان جوان را مورد توجه قرار دهیم و معرفی کنیم کافی نیست.

پیشنهاد می‌کنم که دبیرخانه را دائمی کنید. معرفی عده‌ای از نخبگان جوان کافی نیست. ما که نمی‌خواهیم نخبگانمان را به خارج از حوزه اعزام کنیم و به پدیده فرار مغزها کمک کنیم. آیا خودمان با برگزیدگان هیچ کاری نداریم؟ آیا انتشار آثار برتر، نیازی به آماده‌سازی ندارد؟ آیا در جشنواره‌های بعدی می‌خواهید همه چیز را از اول شروع کنید؟

به نظر من، باید فعالیت دبیرخانه دائمی باشد، زیرا با تمام شدن کار جشنواره، این فرصت‌ها هم از دست می‌رود.



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر گودرزی (مسئول بخش علمی جشنواره)

درباره آموزش پرورش، نظرات متفاوت است. بعضی اولویت را به آموزش می دهند و بعضی به پژوهش. نظر شما در این باره چیست؟

نمی توانیم میان این دو، اولویت بندی کنیم. پژوهش، در بطن آموزش معنا پیدا می کند و آموزش، مایه های علمی و زمینه ها را فراهم می سازد. در خلال آموزش، معمولاً نارسایی هایی احساس می شود یا سؤالاتی در ذهن به وجود می آید که پژوهش، پاسخی به این سؤالات است.

از طرفی، قوام آموزش به پژوهش است و پیشرفت در آموزش، به پژوهش بستگی دارد. بنابراین، این دو مقوله از هم جدا نیستند.

پژوهش، اگرچه در خلال آموزش به وجود می آید، نسبت به آموزش اصالت دارد و زیرساخت آن محسوب می شود. در واقع، پژوهش غذای آموزش را تولید می کند. از این رو، آموزش بدون پژوهش، راه به جایی نمی برد و پویا نخواهد بود. در دوران سطح، آموزش پژوهش چه جایگاهی دارد؟

در نگاه اول مزاحم است. اما اگر قدری دقت و تأمل کنیم، می بینیم که پژوهش نسبی و ابتدایی و آشناسدن طلبه با پژوهش، به هیچ وجه مزاحمت ایجاد نمی کند. گاهی لازم است که طلبه، اگر حین آموزش به سؤالاتی برخورد، برای رسیدن به جواب، تحقیق کند، نه اینکه منتظر باشد جواب را ساندویچ وار و آماده، تحویلش دهند. اساتید هم باید طلبه ها را به طرف پژوهش سوق دهند. قرار نیست هر سؤالی که به ذهن طلبه رسید، پاسخ آن را از استاد بخواهد، بلکه اساتید باید طلبه ها را برای یافتن پاسخ سؤالاتشان، سراغ تحقیق بفرستند. این نوعی از پژوهش است که در خلال آموزش اتفاق می افتد؛ یعنی می توان طلبه را به سمت پژوهش برد و در کنار آموزش،

به او پژوهش و تحقیق آموخت. می بینیم که هیچ منافاتی با هم ندارند، بلکه پژوهش در تعمیق دانش طلاب نیز مؤثر است. از سیر ارزیابی علمی آثار رسیده به جشنواره بگویید:

در جشنواره اول، آثار رسیده تنها یک بار ارزیابی می شد، اما دوره فعلی، ارزیابی را دو مرحله ای کردیم: اجمالی و تفسیری. در ارزیابی تفضیلی هم، دوباره اثر ارزیابی شد. در ارزیابی اجمالی، شرط پذیرش این بود که اثر، از ساختار پژوهش برخوردار باشد و حداقل شکل ظاهری مقاله پژوهشی، همچون چکیده نویسی، فصل بندی، جمع بندی، نتیجه گیری و... را داشته باشد. اگر اثری این ملاکها را داشت، به مرحله ارزیابی تفضیلی راه پیدا می کرد. البته احتیاط می کردیم که حق طلبه ها ضایع نشود. به همین دلیل، مثلاً اثری را که بالای شصت امتیاز می گرفت به مرحله ارزیابی تفضیلی راه می دادیم.

از میان حدود ۶۵۰ اثر که به مرحله ارزیابی تفضیلی رسید، بیش از سیصد اثر، به ارزیابی تفضیلی دوم راه یافت.

امسال چندین فرم گزارش ارزیابی، زیر نظر شورای علمی دبیرخانه که اهل فن و دارای حداقل چهار-پنج تجربه ارزیابی و مدرک سطح چهار هستند، تهیه کردیم. آثار را نیز به سه قالب کتاب، پایان نامه و مقاله

تقسیم کردیم. ضرورت داشت که مقالات هم سطح‌بندی شود. از این‌رو، طلبه‌ها را با توجه به سطح و پایه‌شان، به سه گروه تقسیم کردیم و برای هر یک از این گروه‌ها یک فرم گزارش ارزیابی اختصاص دادیم. برای آثار تصحیحی، فرم‌های جداگانه در نظر گرفتیم. همین‌طور، آثار ترجمه‌ای و کتاب‌ها. برای آثاری که صاحبان آنها در سطوح دو و سه حوزه بودند نیز یک فرم مشترک طراحی کردیم. "آموزش در پژوهش" و "هدایت طلبه به سمت پژوهش" از سیاست‌های شورای سیاست‌گذاری جشنواره است. از نکاتی که زیربنای جشنواره را تشکیل داده، این است که طلبه‌ها وارد حوزه پژوهش بشوند. وقتی درصد بالایی از طلبه‌ها متوجه می‌شوند که آثارشان به مرحله تفصیلی راه یافته است، به کارشان امیدوار می‌شوند. نظرات توصیفی ارزیاب هم که قرار است به همه صاحبان آثار، ارسال شود. این کار، این امکان را به طلبه می‌دهد که به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرند که این، خود به نوعی آموزش در پژوهش است و طلبه‌ها را به سمت پژوهش می‌برد.

سطح علمی آثار رسیده به جشنواره چه طور بود؟

به طور کل، از حدود ۲۴۰۰ اثری که به جشنواره رسیده، تقریباً ۱۰ درصد، یعنی حدود ۲۴۰ اثر امتیاز خوبی آورنده‌اند که این،

آمار خوبی است. به هر حال، سطح علمی آثار، مطلوب است.

چه راهبردهایی برای کاهش ضریب خطا در امتیازدهی دارید؟

ما الآن، صد نفر ارزیاب داریم. طبق لیستی که مجریان جشنواره اول به ما دادند، تعداد ارزیاب‌ها در آن دوره پنجاه نفر بود. با آن تعداد تماس گرفتیم که بیست نفرشان برای همکاری، با ما اعلام آمادگی کردند. هشتاد نفر دیگر را به این تعداد اضافه کردیم که از نظر سطح علمی، به غیر از چند نفر که در سطح سه هستند ۹۰ درصد افراد، در سطح چهار هستند. پس از آن، یازده محور علمی تشکیل دادیم و این ارزیابان را در تخصص خودشان قرار دادیم. اگر کسی متخصص فقه بود، در محور فقه یا اگر متخصص اصول بود، در محور اصول و... که البته در برخی محورها متخصص کم داشتیم. مثلاً از این صد ارزیاب، فقط دو نفر متخصص رجال و حدیث بودند، در حالی که ۳۵ اثر رجالی و حدیثی داشتیم.

چه پیشنهادهایی برای ارتقای علمی جشنواره دارید؟

به نظر می‌رسد، سالانه بودن جشنواره با وضع فعلی، به صلاح نیست، مگر اینکه معاونت پژوهش حوزه با توجه به حجم آثار و گستردگی کار، از جهت نیرو، هزینه کار و... نگاه حمایتی ویژه‌ای به

جشنواره داشته باشند تا بشود جشنواره را سالانه برگزار کرد، وگرنه با شرایط فعلی، دو سالانه بودن آن بهتر است و البته این کار، باعث ارتقای کیفیت کار هم می‌شود. در بخش علمی، بهتر است پنج-شش نفر را به عنوان شورای علمی، ثابت نگه دارند تا موقع نیاز، در دسترس باشند. از مسئولان نیز انتظار می‌رود، حمایت‌های جدی مالی و علمی از جشنواره داشته باشند. مسئله مهم‌تر اینکه، اساس سیاست‌های جشنواره باید اصلاح شود. ضرورت دارد که محورهای پژوهش، نظام‌مند شوند و این‌طور نباشد که هر کسی، هر چه به ذهنش رسید، برای ما بفرستد. **باید موضوعات پژوهش را اولویت‌بندی کرد و نیازها و موضوعات روز را در نظر گرفت. وقتی کار هدف‌مند شد، در فراخوان، تعداد محدودی موضوع را برای پژوهش مشخص می‌کنیم. ممکن است با این کار، حجم پژوهش‌ها کم شود، اما در نهایت، آنچه به دست ما می‌رسد، اثری است که طلبه از سر تحقیق و بررسی بدان رسیده، نه چیزی که از قبل انبار کرده باشد. از طرف دیگر، می‌توانیم ارزیابان را در هر محور آماده کنیم.**

نکته دیگر اینکه باید در جهت چاپ و نیز استفاده تبلیغی و ترویجی از آثار برگزیده، برنامه ریزی نماییم.



حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای نیکبخت

(مسئول بخش اجرایی جشنواره)

بخش‌های اجرایی دبیرخانه را معرفی کنید و عملکرد هر یک را به اجمال بیان کنید. دبیرخانه جشنواره، دو بخش دارد: اجرایی و علمی. بخش اجرایی که مربوط به بنده است، از چند واحد تشکیل شده: واحد تنظیم و ثبت آثار که وظیفه دریافت آثار و بررسی اشکالات احتمالی فرم‌های ثبت‌نام را برعهده دارد و بعد از برطرف کردن نواقص، آثار را در بانک

اطلاعات جشنواره ثبت می‌کند.

واحد تبلیغات و انتشارات که تهیه ویژه‌نامه‌ای را با هدف اطلاع‌رسانی و تبلیغ جشنواره برعهده دارد.

واحد روابط عمومی که ارتباطات جشنواره را با بخش‌ها و واحدهای داخلی حوزه‌های علمی و نیز ارگانها و سازمان‌ها، همچون صدا و سیما و ... برقرار می‌کند و به نوعی پاسخگوی کسانی است که به دبیرخانه مراجعه می‌کنند یا از طریق پست الکترونیک و سرویس پیامک، سؤالاتی دارند. در مجموع، برقراری ارتباط با مدارس علمیه سراسر کشور، افراد حقیقی و حقوقی مرتبط با دبیرخانه و تبیین اهداف جشنواره را برعهده دارد.

واحد اداری - مالی که پشتیبانی اداری و مالی دبیرخانه، همچون: تنظیم اسناد مالی، تهیه گزارش مالی و ... دبیرخانه را برعهده دارد. واحد توزیع آثار که با بخش علمی همکاری می‌کند. این واحد، آثار را برای ارزیابی به ارزیابان و داوران جشنواره ارسال می‌کند. پی‌گیری برای بازگشت آثار از ارزیابی، ثبت نتایج داوری و نیز بایگانی آثار، از دیگر وظایف این واحد است.

تفاوت عمده این دوره از جشنواره با دوره قبلی در چیست؟

تفاوت در گستره کار است. فراخوان جشنواره اول، در سطح مدارس تحت پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم بود که در تمديد مهلت ارسال آثار، این

گستره را به مدارس تحت نظر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اصفهان، خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی رساندیم. ولی به دلیل محدودیت زمانی، نتوانستیم ارتباط وسیع تلفنی مطلوبی با مدیران این مدارس داشته باشیم. اما در دوره دوم، علاوه بر تماس تلفنی با مدیران آن مدارس، شاهد حضور جدی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاهران هستیم. در حال حاضر، ارتباط مؤثری با تمام مدارس علمیه برادران و خاهران سراسر کشور و مراکز تخصصی و آموزشی و پژوهشی حوزوی که بیش از هفتصد مدرسه و مرکز هستند داریم و طی نامه‌ای به مدیران محترم، آنها را برای جشنواره فراخوان دادیم.

فرم ثبت‌نام جشنواره اول، دو صفحه‌ای بود که اطلاعات اجمالی پژوهش‌گر و اثر پژوهشی او را شامل می‌شد. اما در دوره فعلی، قبل از فراخوان، فرم‌های ثبت‌نام را در جلسات متعدد، با حضور دبیران محترم جشنواره اول و دوم، مسئولان بخش علمی و اجرایی جشنواره اول و دوستان برگزارکننده جشنواره اول، به صورت تخصصی بررسی کردیم و تمام اطلاعات مورد نیاز بخش‌های مختلف حوزه، پیش‌بینی شد. در نتیجه، فرم ثبت‌نام این دوره، در چهار صفحه اطلاعات مفصلی را در بر گرفته است.

تفاوت دیگر دوره دوم، در گستره اطلاع‌رسانی است. در این دوره، علاوه بر شبکه‌های ملی و سیمای نور، تیزرهای تبلیغاتی جشنواره به مراکز صداوسیما استان‌هایی همچون: خوزستان، خراسان رضوی، اصفهان، گیلان، کرمان و فارس، ارسال شد که جا دارد از مدیران محترم این شبکه‌ها قدردانی کنیم. هم‌چنین، برنامه‌های زنده رادیویی و تلویزیونی هم با رادیو جوان، سیمای استان خراسان رضوی و... داشتیم.

مدیران مدارس علمیه و حتی طلاب، چه نقشی می‌توانند در ارتقای جشنواره و همکاری با شما داشته باشند؟

از سال گذشته تاکنون، جشنواره جایگاه خود را در میان طلبه‌ها و مدارس علمیه پیدا کرده است. در این دوره، آثار زیادی از شهرهای دور و نزدیک کشور، به دبیرخانه جشنواره رسیده است. البته گاهی در حوزه، برنامه‌های موقت برگزار می‌شود که مدیران مدارس با آن درگیر می‌شوند. وقتی می‌بینند مدرسه‌شان خروجی ندارد و طلبه‌هایشان نتیجه‌ای کسب نمی‌کنند، دل‌سرد می‌شوند. مدیران مدارس در جشنواره اول، تصورشان این بود که جشنواره، از آن نوع برنامه‌هاست.

اما وقتی آمار تحلیلی آثار را به تمام مدارس خواهران و برادران ارسال کردیم



و درباره اینکه مثلاً "از فلان مدرسه چند اثر به دست ما رسیده، برگزیدگان از کدام مدارس هستند و... اعتمادسازی شد.

چه انتظاری از مدیران مدارس و طلاب دارید؟

گاهی بعضی از مدیران مدارس، حتی مدیران برتر، با دبیرخانه تماس می‌گرفتند که مدرسه ما را در جشنواره شرکت ندهید که طلبه‌های ما از درس می‌افتند.

انتظار داریم که این مدیران در نگاهشان به جشنواره تجدیدنظر کنند.

از طلاب گرامی تقاضا داریم که فرم ثبت‌نام جشنواره را که مبنای ثبت

اطلاعات آنها و اثر پژوهشی‌شان است، به دقت و خوانا کامل کنند. متأسفانه، یکی از کارهایی که در این دوره، زمان زیادی از ما گرفت، تکمیل فرم‌های ناقص بود.

هم‌چنین امیدوارم مسئولان حوزه، ساختمان ثابت و مستقل مطلوبی را به جشنواره اختصاص دهند.

چه پیشنهادی برای ارتقای کیفیت جشنواره دارید؟

از مدیران مدارس که به این جشنواره اعتماد کردند که تعدادشان هم نسبت به جشنواره اول بیشتر شده است، تشکر می‌کنم. هم‌چنین از حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای عماد و معاون پژوهش حوزه، به دلیل کمک‌های بسیارشان به جشنواره تشکر می‌کنم.

البته ما در کارمان با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. برای مثال، در این دوره پی‌گیر این هستیم که در راستای آموزش پژوهش و آگاهی طلاب محترم از نقاط ضعف و قوت آثارشان، نتیجه ارزیابی‌ها را به دستانشان برسانیم. اما برخی مدیران این کار را هزینه‌بر می‌دانند و زیرسؤال می‌برند. امیدوارم مدیران حوزه در این زمینه، عنایت بیشتری به جشنواره داشته باشند.

از آثاری که به جشنواره رسیده بگویید. در مجموع ۲۳۸۹ اثر به دبیرخانه جشنواره رسید که حاصل تلاش ۱۶۲۹ طلبه جوان برادر و خواهر بود. این رقم برای ما قابل پیش

بینی نبود. در جشنواره اول، ۲۲۴۹ اثر داشتیم. تصور ما این بود که طلبه‌ها در نخستین جشنواره، هرچه را از چند سال پیش نوشته بودند، ارائه دهند و پیش‌بینی می‌کردیم که دوره دوم، کمتر از هفتصد یا هشتصد اثر به دبیرخانه برسد؛ چون در این فاصله، ممکن بود بعضی‌ها نتوانند فعالیت پژوهشی بکنند. با این حال تا قبل از ۲۵ مهر، حدود ۱۵۰۰ اثر به دبیرخانه رسید و در روز ۲۵ مهر که آخرین فرصت ارسال آثار بود، بیش از هشتصد اثر به جشنواره رسید. البته آثاری هم بعد از ۲۵ مهر و پایان مهلت ارسال اثر به دبیرخانه رسید که در چرخه ارزیابی قرار نگرفت. استقبال خوب طلبه‌ها از جشنواره، خستگی را از تن دوستان برگزارکننده به در کرد.

در این جشنواره، آثار از دو طریق به دبیرخانه می‌رسید: اداره پست و مراجعه حضوری.

در ابتدا فرم‌های آثار رسیده، بررسی می‌شد که اگر کامل بود، جهت ثبت در بانک اطلاعات به واحد تنظیم و ثبت آثار ارائه می‌شد و اگر فرم‌ها ناقص بود، برای پی‌گیری به بخش مربوط ارسال می‌شد تا پس از کامل شدن ثبت شود. پس از ثبت آثار، مسئول این واحد، صحت اطلاعات ثبت شده را تأیید می‌کرد. سپس مسئول بخش اجرایی جشنواره با در نظر گرفتن معیارهایی، شرایط اولیه آثار را احراز می‌کرد و آثار تأیید شده، به بخش علمی،

جهت ارزیابی، ارسال می‌شد. در بخش علمی، ابتدا اثر در شورای علمی بررسی می‌شد که به آن، ارزیابی اجمالی می‌گوییم و در صورت کسب امتیاز لازم، به ارزیابی تفصیلی اول و دوم راه پیدا می‌کرد.

در این دوره پی‌گیر این هستیم که در راستای آموزش پژوهش و آگاهی طلاب محترم از نقاط ضعف و قوت آثارشان، نتیجه ارزیابی‌ها را به دستانشان برسانیم. اما برخی مدیران این کار را هزینه‌بر می‌دانند و زیرسؤال می‌برند. امیدوارم مدیران حوزه در این زمینه، عنایت بیشتری به جشنواره داشته باشند.

اگر تفاوت امتیاز ارزیابی اول و دوم، بیش از ۲۰ امتیاز بود، اثر مذکور برای داوری ارسال می‌شد. در همه مراحل ارزیابی، نقاط ضعف و قوت تمام آثار رسیده توسط ارزیابان ثبت می‌شود. دوستان در واحد مربوط این اطلاعات را در سیستم رایانه و بانک اطلاعات جشنواره، ثبت کرده‌اند که ان‌شاء الله بعد از برگزاری مراسم تقدیر از برترین آثار پژوهشی طلاب جوان، برای صاحبانشان ارسال می‌کنیم.

از اواخر مهرماه، گاهی دوستان روزانه دوازده سیزده ساعت مشغول فعالیت بودند.

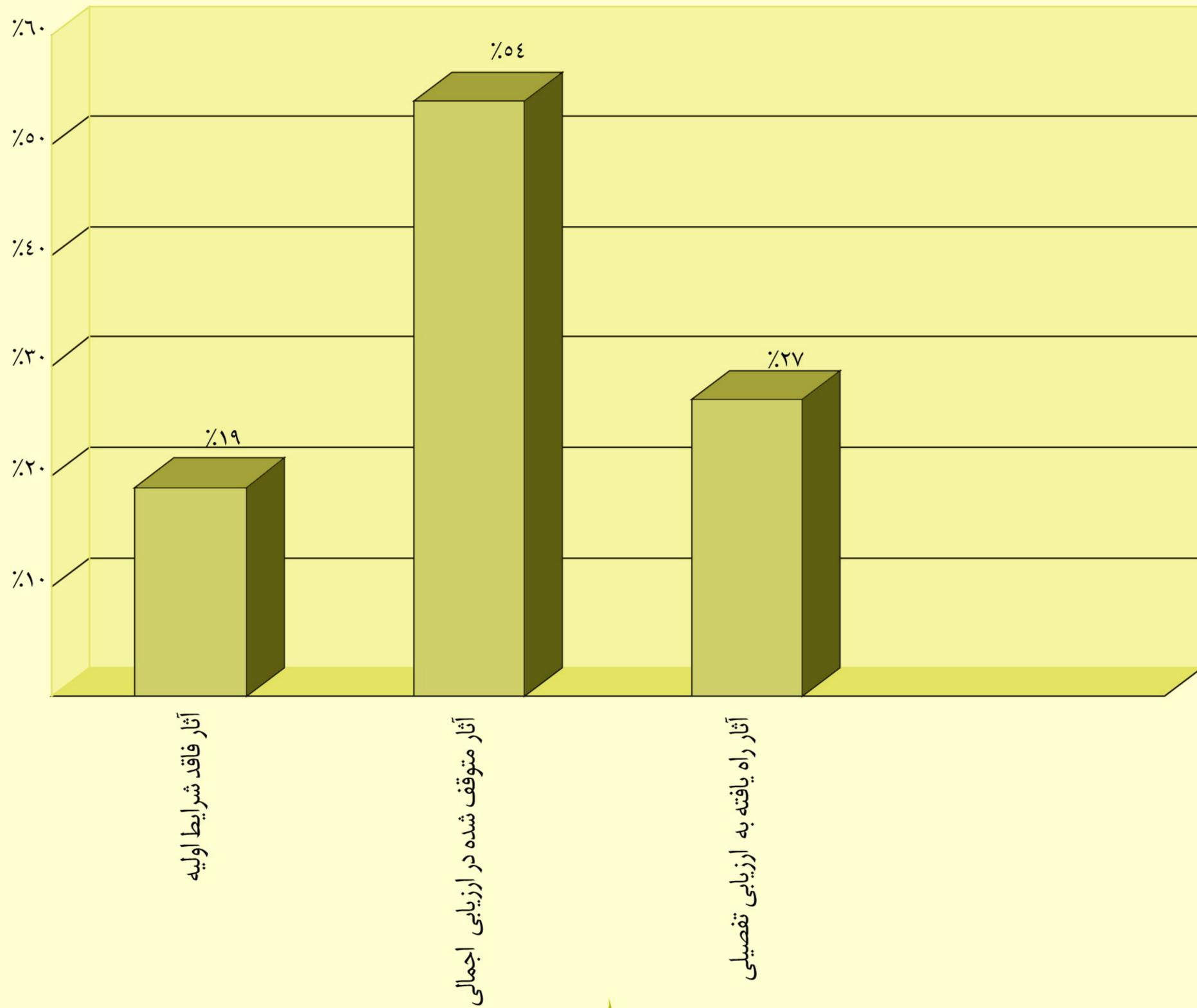
تمام هدف ما در بخش اجرایی این بود که نتایج خوبی حاصل شود. سال گذشته به دلیل کمبود فرصت، موفق به راه‌اندازی بانک اطلاعات جشنواره نشدیم. امسال هم، چون بودجه کافی برای راه‌اندازی آن نداشتیم، خودمان دست به کار شدیم و بنده به اتفاق یکی از همکاران، یک بانک طراحی و راه‌اندازی کردیم که الحمدلله تا به حال هم موفق بوده است.

با وجود این بانک، تمام فرم‌های ارزیابی و سایر فرم‌های مورد نیاز، رایانه‌ای شد و درصد خطا کاهش یافت.

از دوستانی که در طول برگزاری جشنواره با بخش اجرایی همکاری کردند، تشکر می‌کنم؛ از جمله در واحد تنظیم و ثبت آثار، آقایان یغمایی و مؤذن؛ در واحد روابط عمومی، آقای کربلایی؛ در واحد تبلیغات آقایان ولی زاده و هاشم پور؛ در واحد اداری مالی آقای نصیری؛ در واحد بررسی و توزیع آثار، آقای طالبی. از آقای مجیدی هم برای همکاری در طراحی و اجرای بانک اطلاعات قدردانی می‌کنم. سپاس‌گزار همه دوستانی هستیم که ما را در تهیه این ویژه‌نامه، یاری دادند، به‌خصوص برادر گران‌قدر، حجت الاسلام و المسلمین آقای رائیجی.

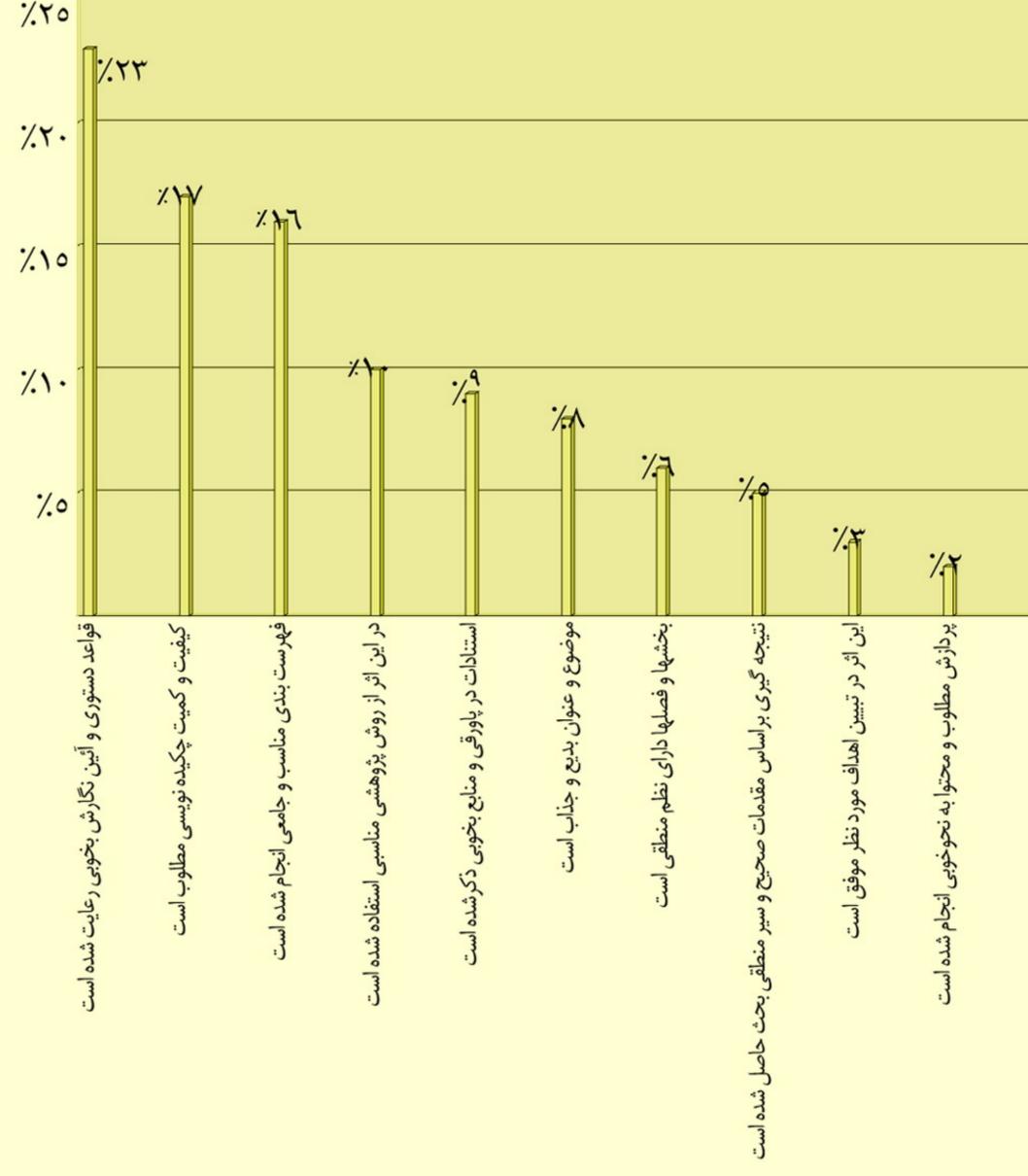
توفیق همگی را از خداوند منان، خواهانم.

نمودار وضعیت آثار در مراحل سه‌گانه

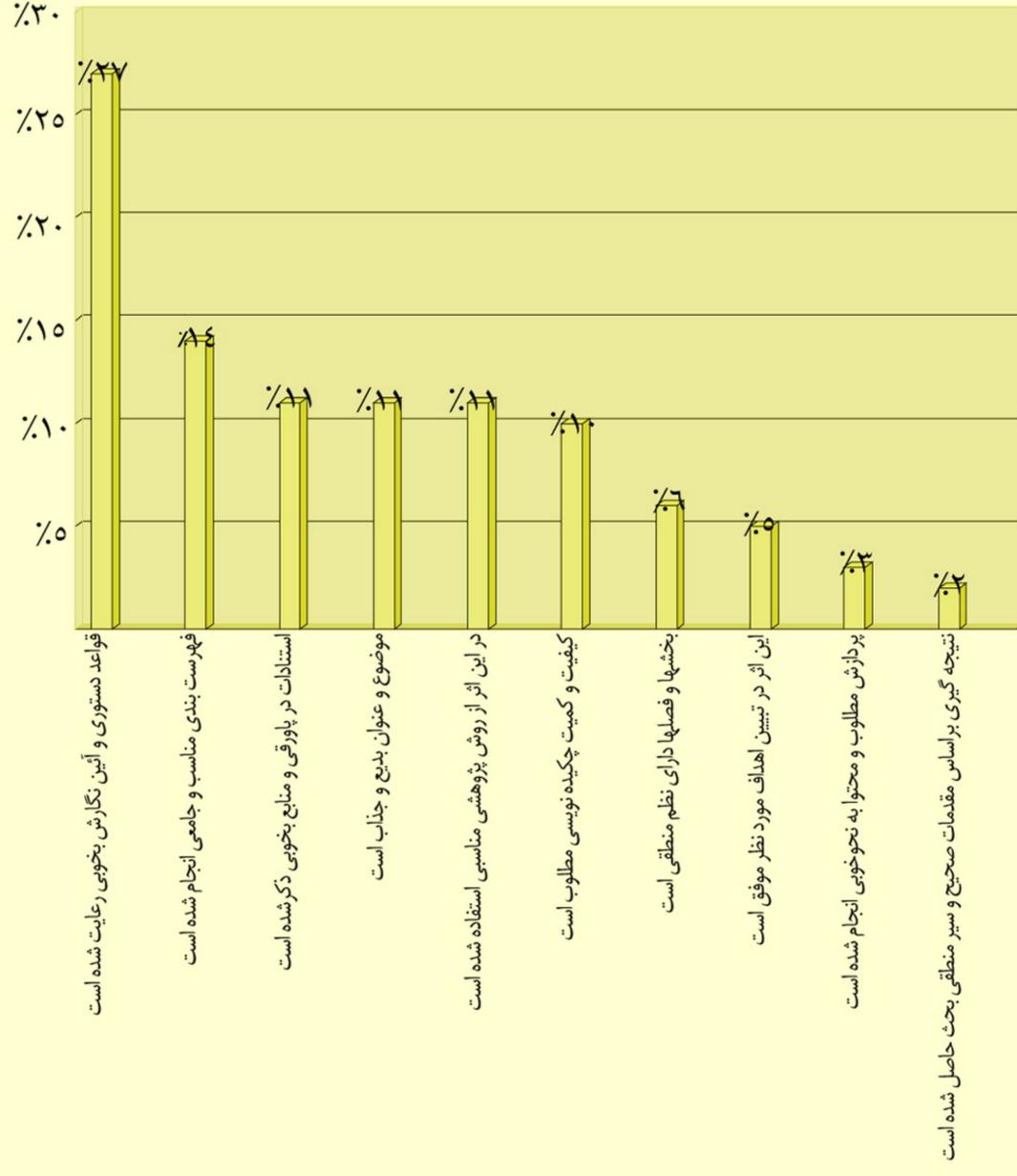


درصد نقاط قوت آثار در ارزیابی اجمالی

خواهران

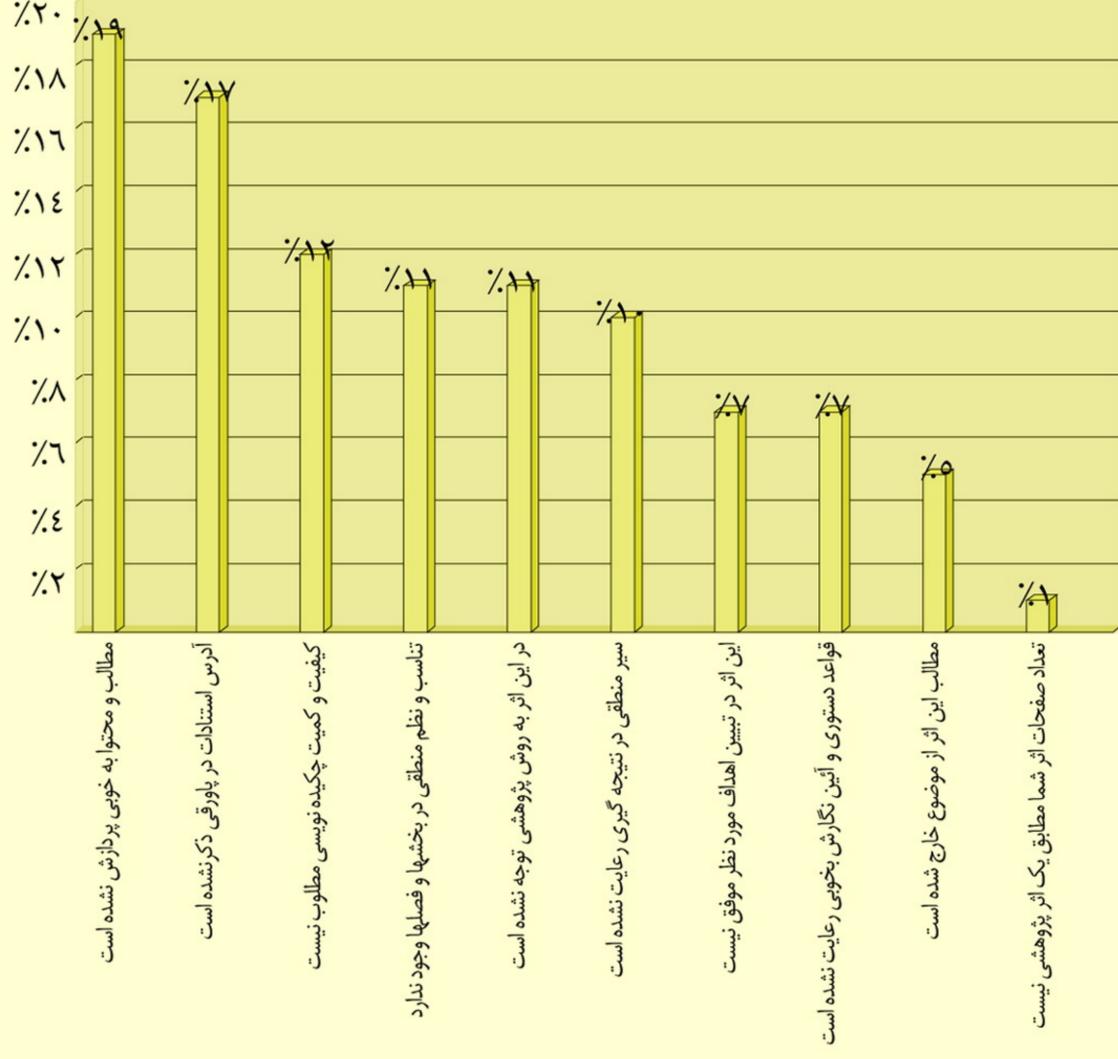


برادران

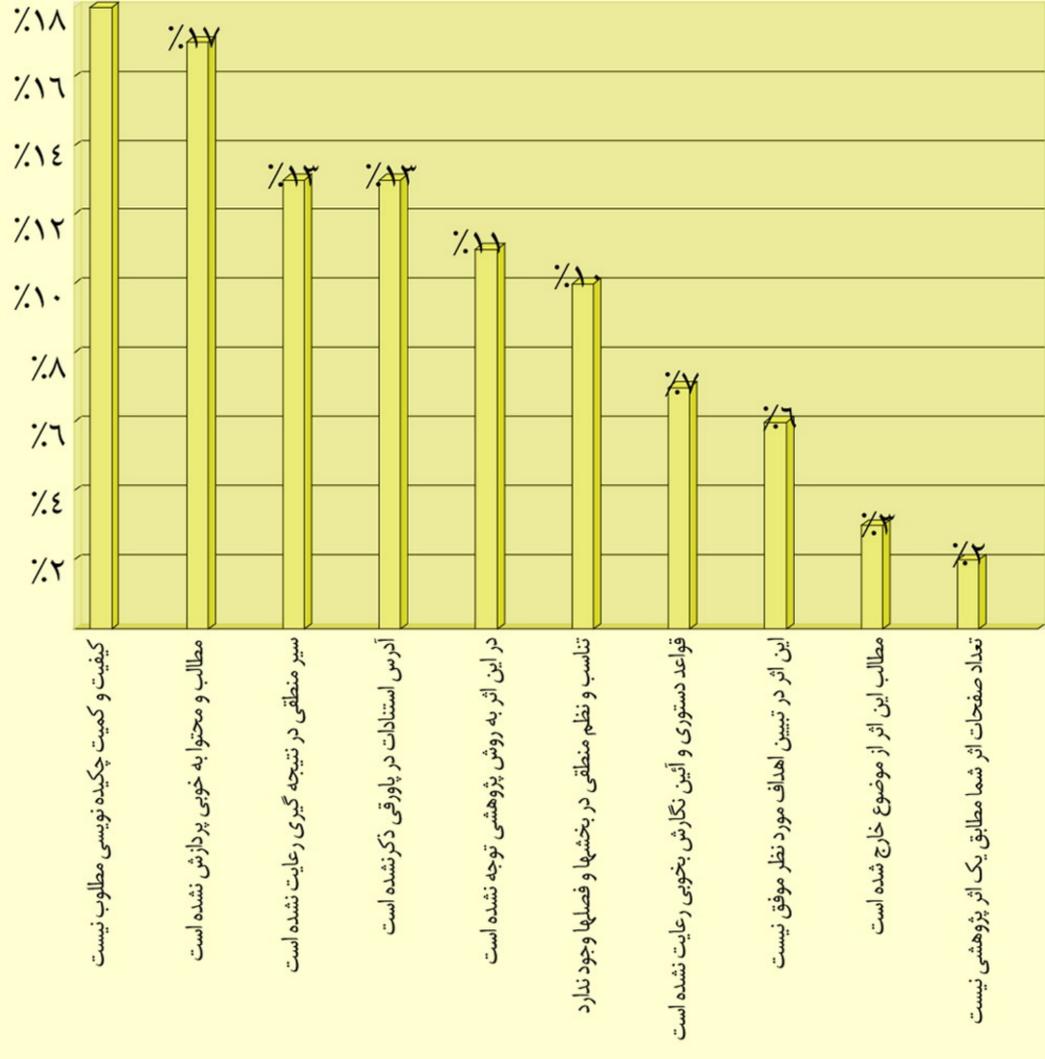


درصد نقاط ضعف آثار در ارزیابی اجمالی

خواهران

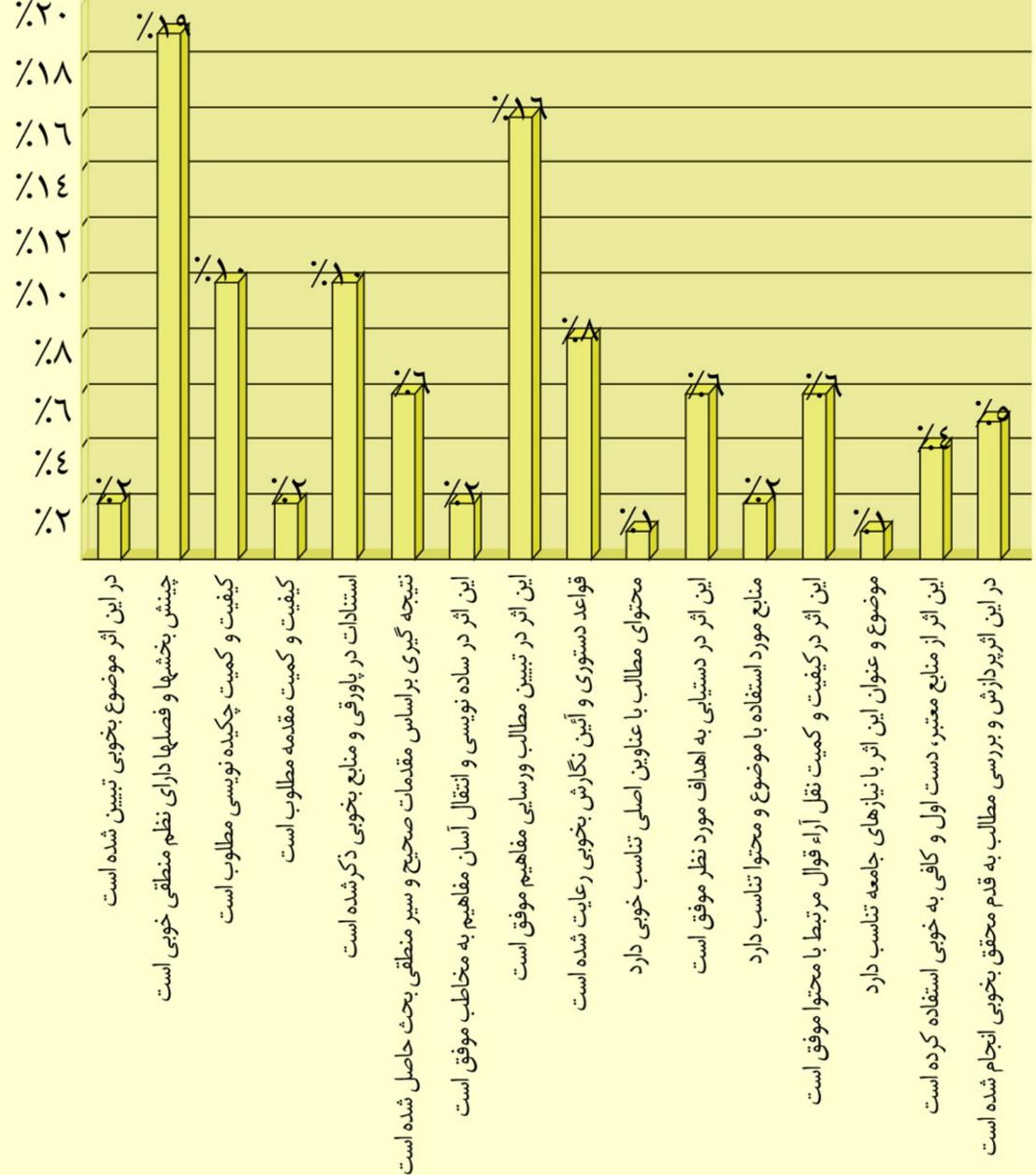


برادران

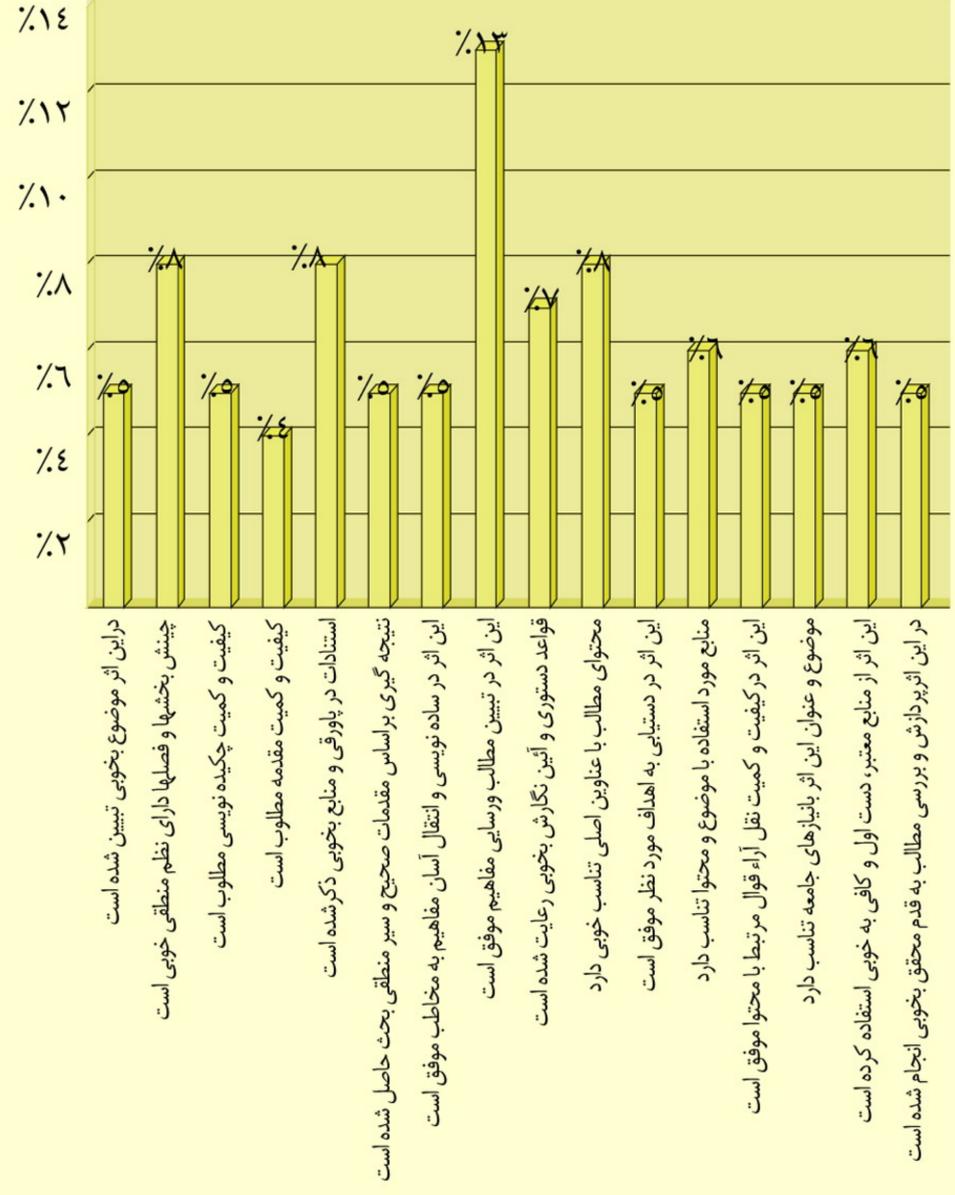


درصد نقاط قوت آثار در ارزیابی تفصیلی

خواهران

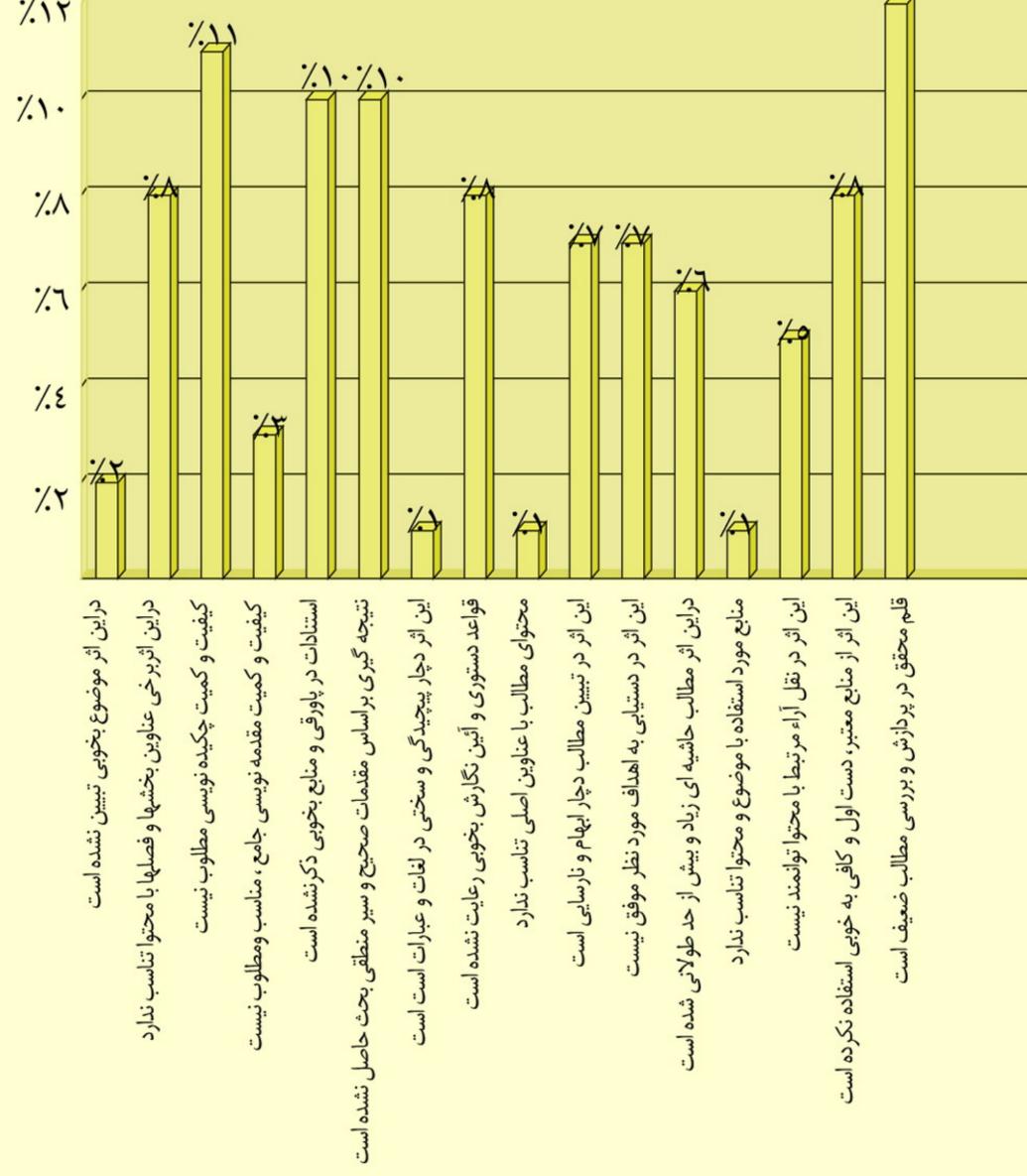


برادران

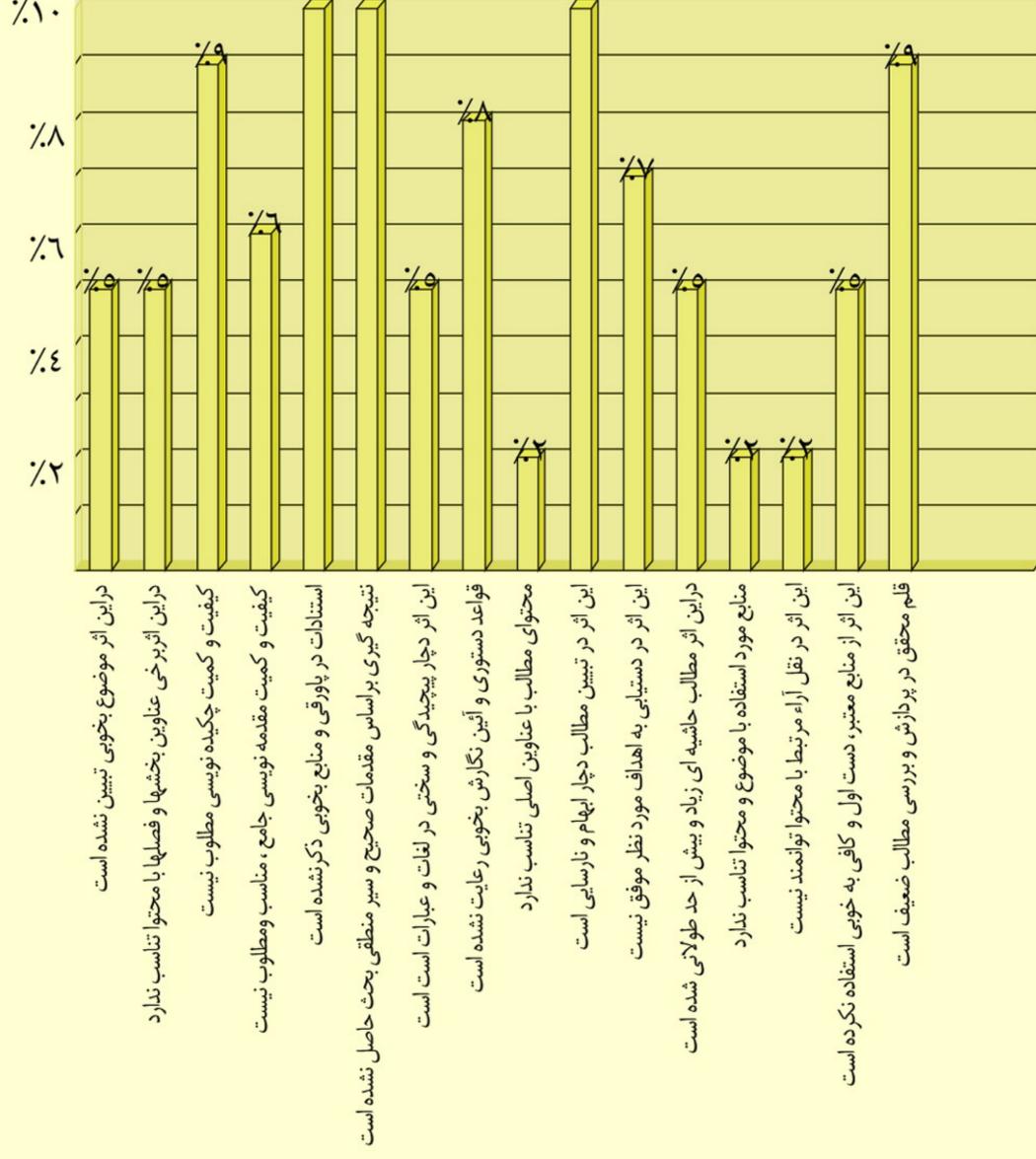


درصد نقاط ضعف آثار در ارزیابی تفصیلی

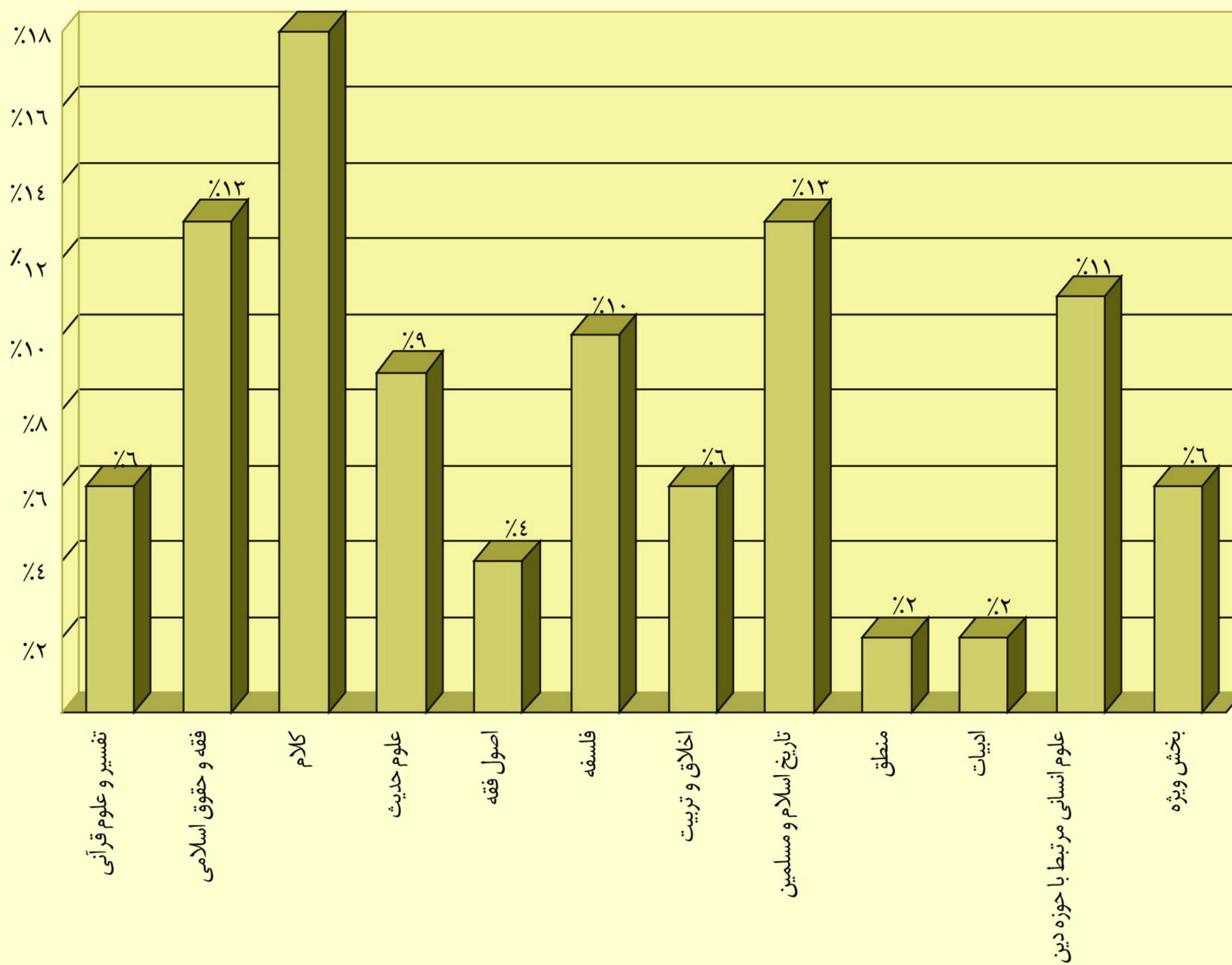
خواهران



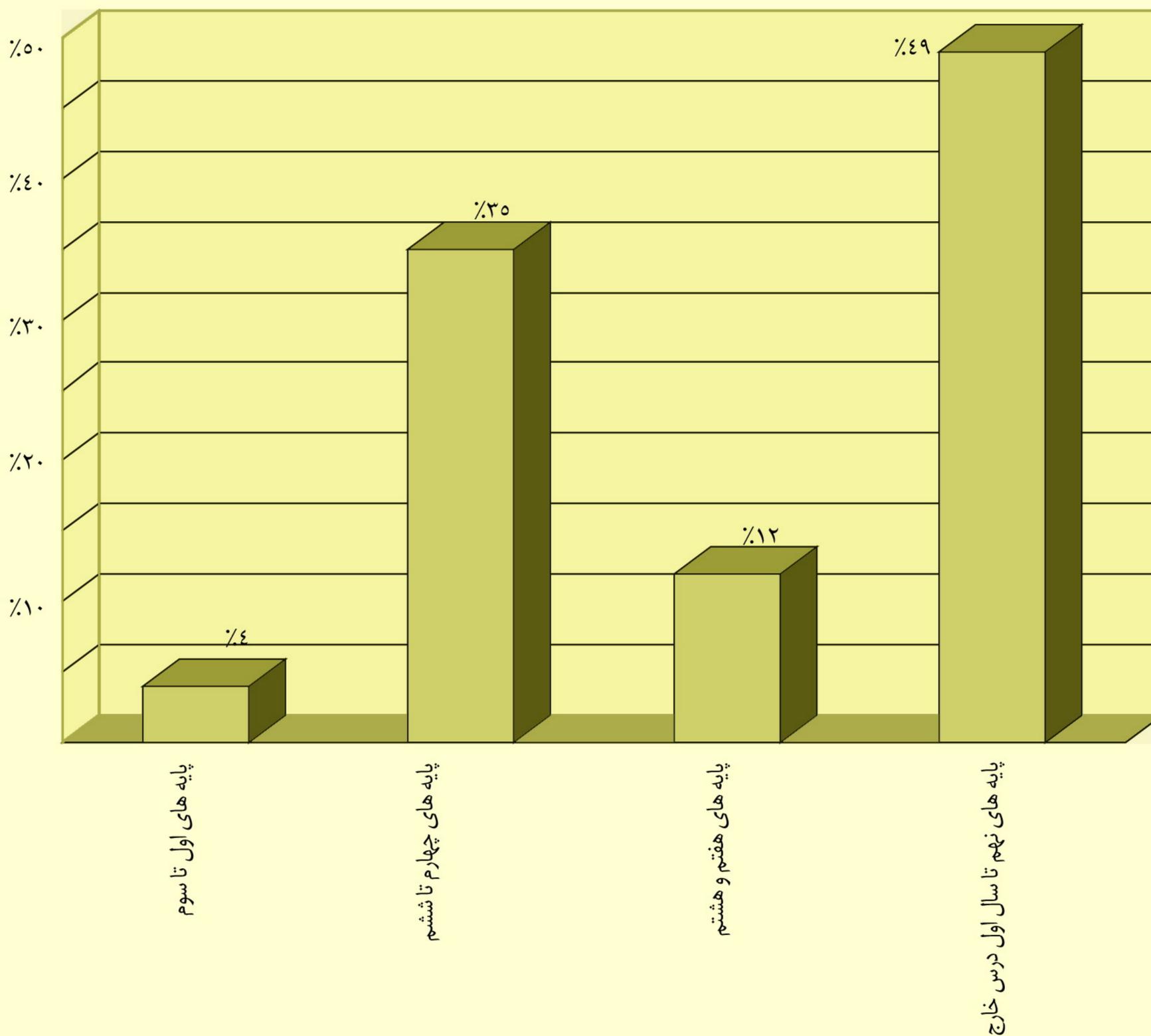
برادران



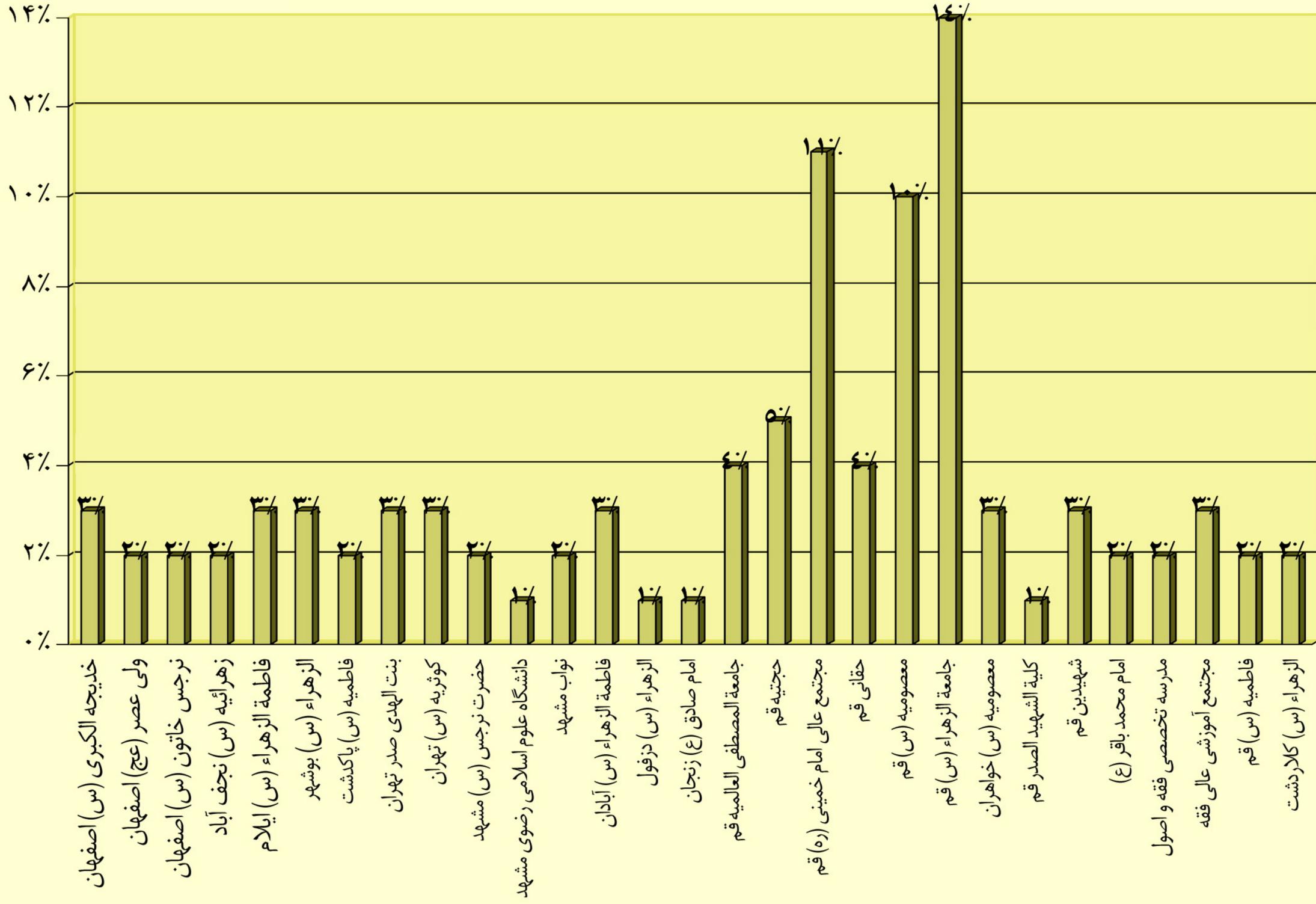
درصد منتخبین بر اساس گروه‌های علمی پژوهش



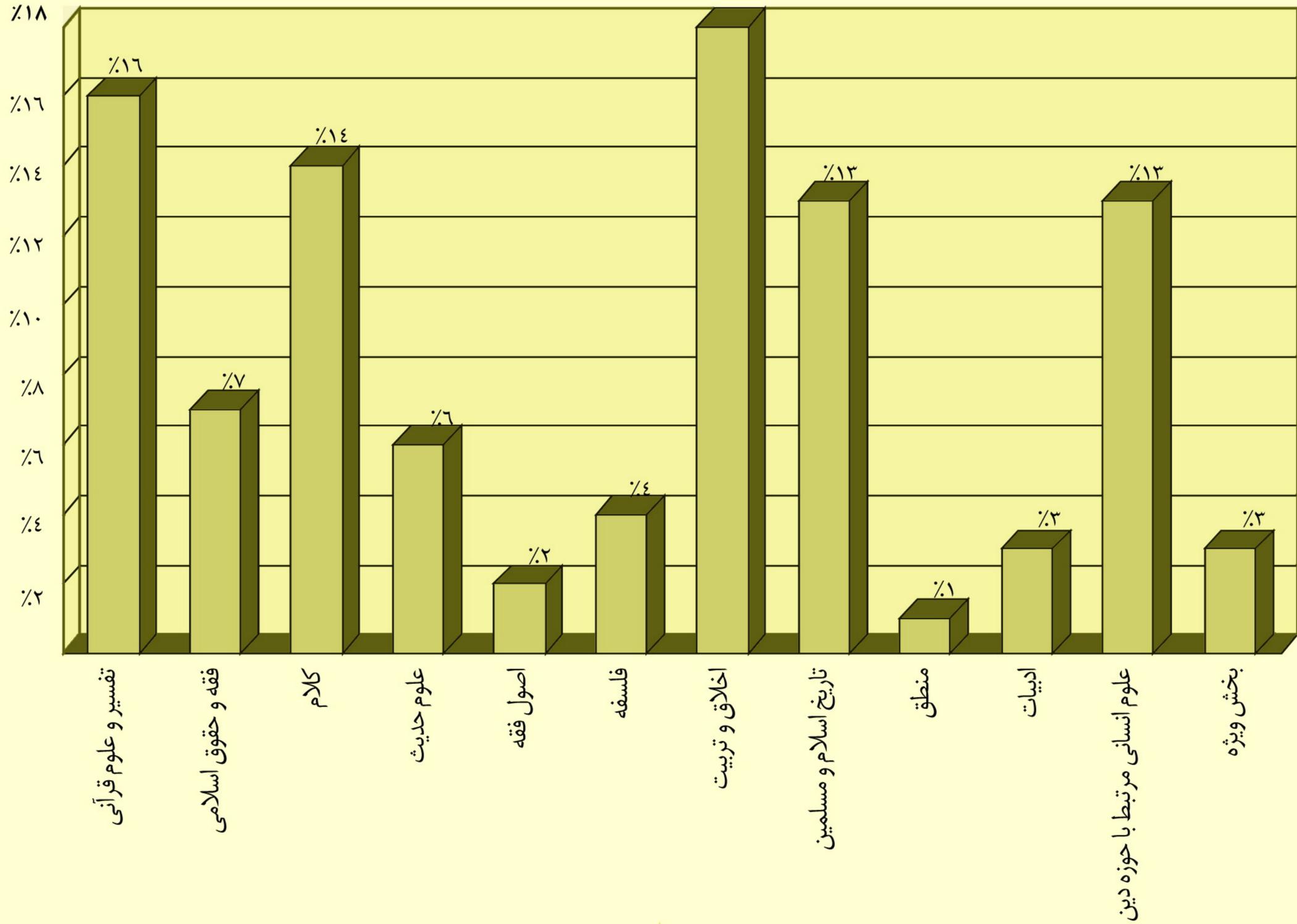
درصد منتخبین بر اساس پایه‌های تحصیلی



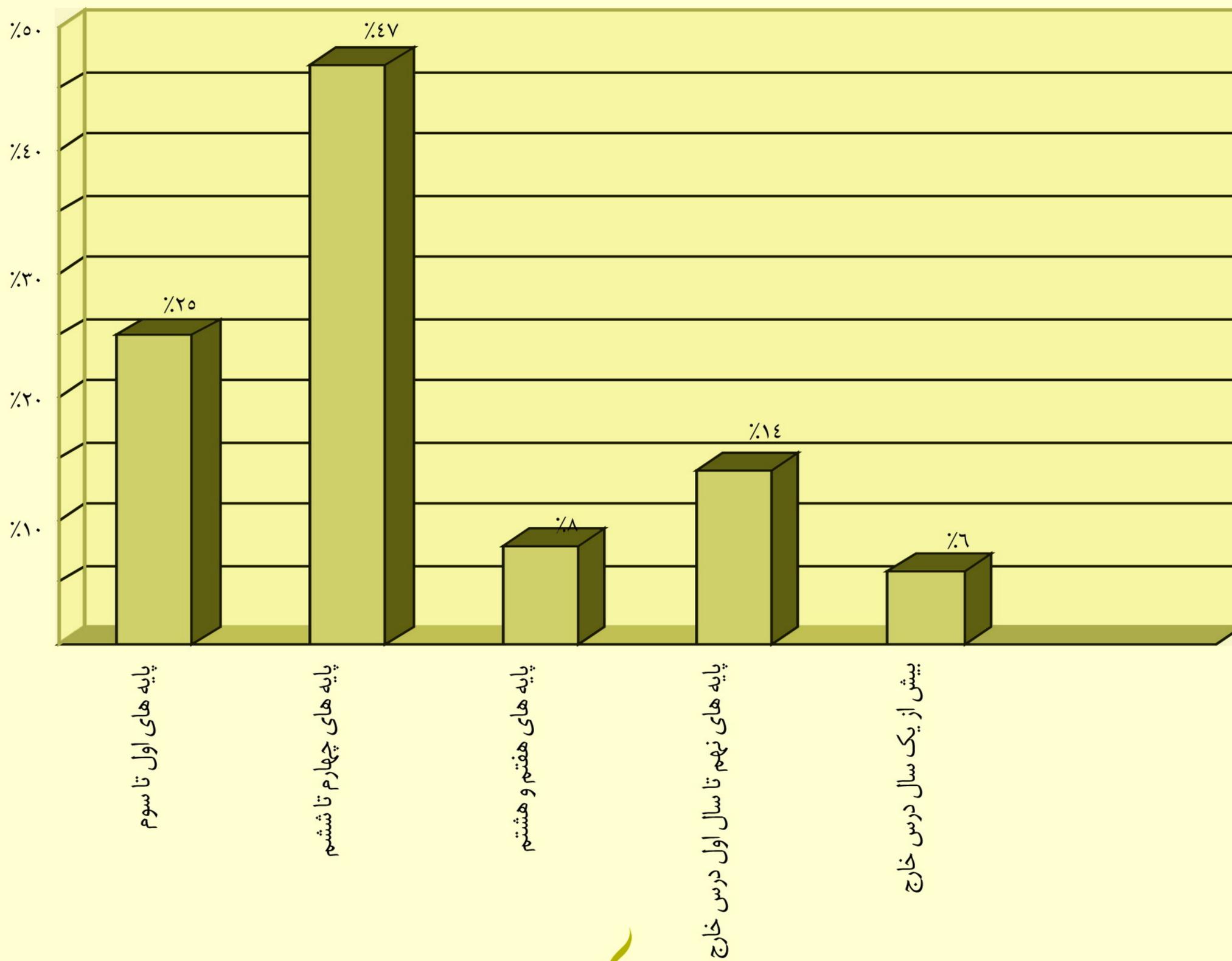
درصد حضور موفق مدارس



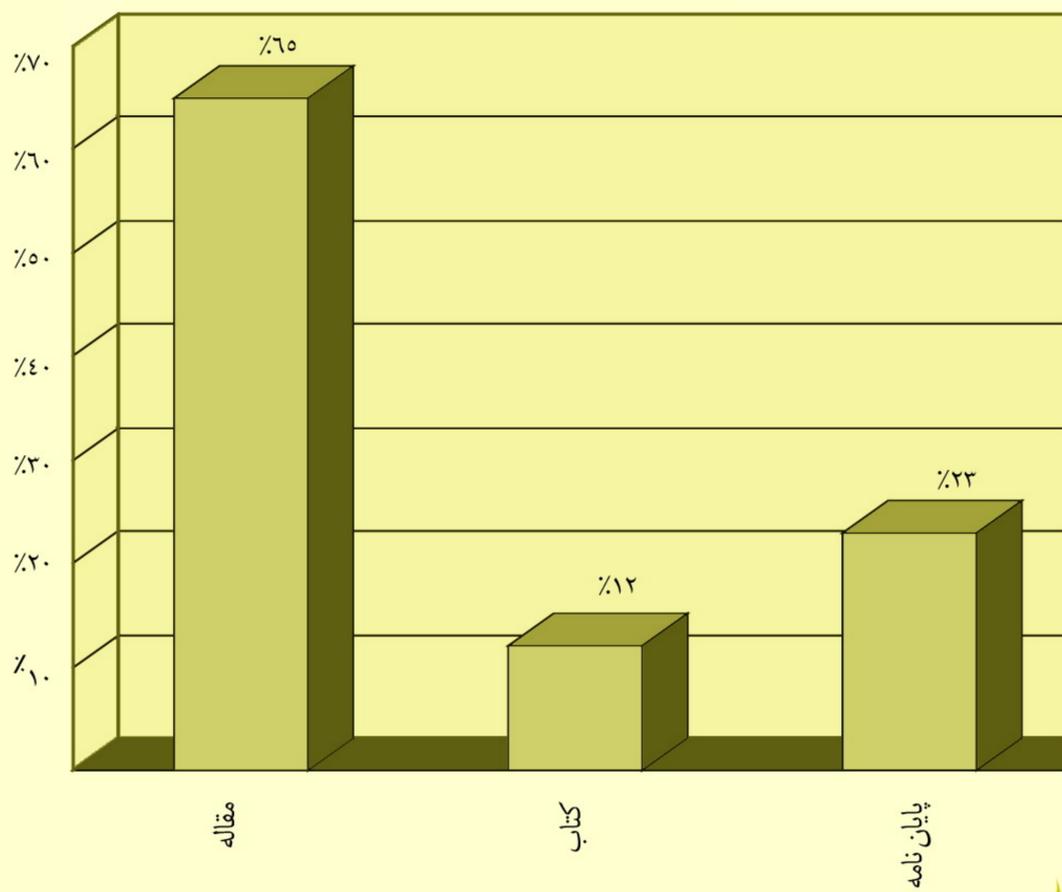
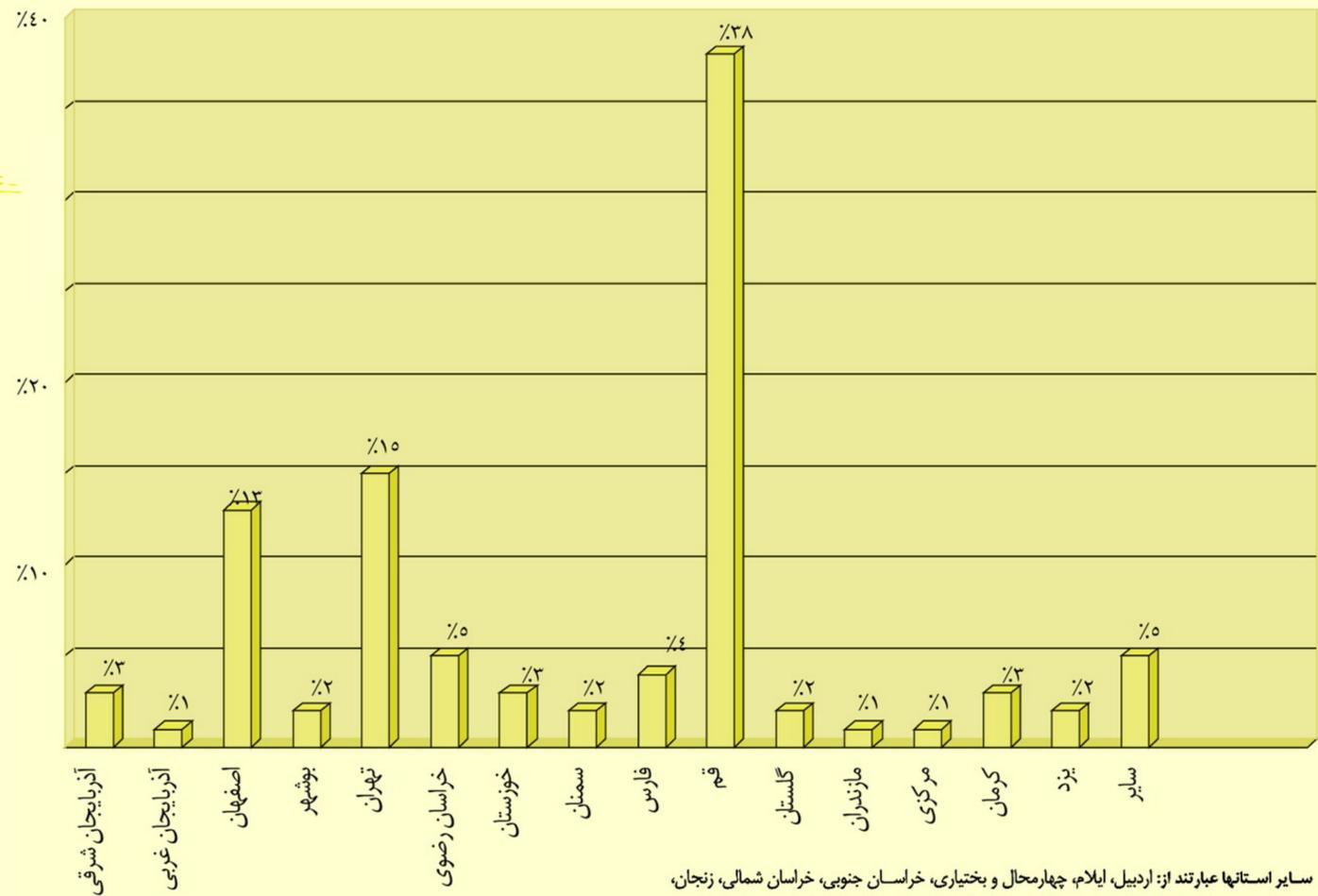
درصد طلاب شرکت کننده بر اساس گروه‌های علمی پژوهش



درصد طلاب شرکت کننده بر اساس پایه های تحصیلی



فراوانی استانی طلاب شرکت کننده



فراوانی آثار بر اساس قالب پژوهشی

فراوانی منتخبین در
رتبه‌های اول تا چهارم

رتبه‌های تحصیلی	رتبه اول	رتبه دوم	رتبه سوم	رتبه چهارم (شایسته تقدیر)
اول تا سوم	ندارد	ندارد	ندارد	۱ نفر
چهارم تا ششم و سطح دو تحصیلی خواهران	ندارد	۳ نفر	۶ نفر	۱۶ نفر
هفتم و هشتم و سطح سه تحصیلی خواهران	ندارد	ندارد	۴ نفر	۱۲ نفر
نهم تا سال اول درس خارج	۲ نفر	۵ نفر	۱۹ نفر	۱۵ نفر

منتخبین جستواره دوم

برگزیدگان

رتبه دوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه تعارض‌های داخلی احوال شخصیه
در حقوق ایران و مصر
غلامعلی میرنسب دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه اول در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب اسطوره‌های صهیونیستی در سینما
محمدحسین فرج نژاد دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه دوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله نردبان آسمان (تحلیل انتقادی کثرت‌گرایی
دینی و بررسی تطبیقی آن با وحدت‌گرایی دینی)
ولی الله عباسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه اول در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله بررسی تطبیقی آیه اکمال
سید لقمان حکیمی
مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه دوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه بررسی تحولات علمای حوزه علمیه اصفهان در
موضوع امامت در سده اخیر
محمدجعفر رضایی دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



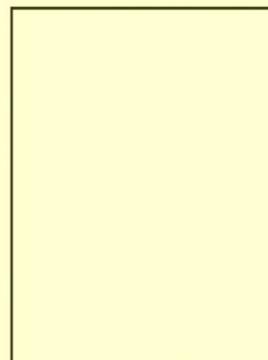
رتبه دوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب کنکاشی تحلیلی پیرامون فرقه آمریکایی اکنکار
عبدالحسین مشکانی دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های چهارم تا ششم
مقاله دراسة ادلة اثبات وجود الواجب علی ضوء الحکمة
المتعالیه
سید احمد موسوی
مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه دوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه نقش عقل در معرفت دینی از
دیدگاه غزالی و کی‌یر کگور
محمدداود سخنور دارای کارشناسی ارشد
مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های چهارم تا ششم
مقاله استعمال لفظ المفرد المشترك فی اکثر من معنی
عبدالله مجدمی
مدرسه علمیه حقانی شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب تاریخ حدیث نبوی در حلقه حاکمیت متن و متن
حاکمیت
احمد ناظم
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه آیات امامت و ولایت در تفسیر المنار
محمد ساعدی
جامعه المصطفی العالمیه شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های هفتم و هشتم
پایان نامه کتاب نهم ربیع جهالت‌ها خسارت‌ها
مهدی مسائلی
مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان اصفهان



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب نمودار ارث (شرح و توضیح کتاب الإرث شرح لمعه)
محمد پناهی بخش
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب سفیر ولایت
ابوالفضل هادی منش
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه روش کلامی شیخ صدوق
سید محسن موسوی
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه نقش ایمان در بهداشت روانی
عبدالله نظری
مدرسه علمیه حجتیه شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه تحلیل و بررسی اندیشه‌های معنوی اشو
سیدروح الله موسوی زاده
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه اصفهان (آزاد) شهرستان اصفهان



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه بغاة و احکام آن
محمد سالم ابراهیمی
جامعه المصطفی العالمیه شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب سیاست در دامان عرفان
حمیدرضا مظاهری سیف
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه بررسی حریم املاک از دیدگاه
فقه جعفری و حنفی
محمدباقر محقق
مدرسه علمیه حجتیه شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های چهارم تا ششم
کتاب ملخه‌های نقابدار (بررسی تحلیلی جنگ‌های
صلیبی از نگاه امامیه)
اصغر کشوری
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه معصومیه (س) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب سکه‌های گداخته (اقتصاد اسلامی،
ربا در زندگی مردم)
علی هوشیار
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب تاریخ مسیحیت
محمد حقانی فضل
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله بررسی شبهه از دواج ام کلثوم با عمر بن الخطاب
محمد جواد حاجی ابوالقاسمی دولابی
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب نگاهی به منطق
سعید هلالیان
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه شاخصه‌های اخلاقی جوان
شایسته از منظر قرآن و سنت
علی هندیانی
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب حدیث سلسله الذهب به روایت اهل سنت
محمد محسن مروجی طبسی
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب نقش نخبگان اجتماعی از دیدگاه
جامعه‌شناسی و اسلام
روح الله رضوانی
دارای کارشناسی ارشد
مؤسسه عالی علوم انسانی (وابسته به جامعه
المصطفی‌العالمیه) شهرستان قم





رتبه سوم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب العدل عند مذهب أهل البيت (عليهم السلام)
علاء تبریزیان
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه سوم در پایه‌های چهارم تا ششم
کتاب آیین میهمانی و میهمان‌داری در فرهنگ اسلامی
مهدی کمانی نجف‌آبادی
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه معصومیه (قم) شهرستان قم



رتبه دوم در سطح دو تحصیلی
کتاب فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد
نرجس رودگر
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه دوم در سطح دو تحصیلی
مقاله تبیین فلسفی رابطه عقل و دین از نظر
ابن رشد با تأکید بر تأویل
سیده الهام امام زاده
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه الزهراء (س) شهرستان بوشهر



رتبه دوم در سطح دو تحصیلی
پایان‌نامه قرآن کریم در آینه ترجمه‌های آلمانی
فردریش روکرت و رودی پارت
فهیمة فیاضی
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه سوم در سطح سوم تحصیلی
پایان‌نامه عقل و وحی در حکمت متعالیه صدرالمتألهین
افتخار یوسفی روشناوند
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه سوم در سطح دو تحصیلی
مقاله بررسی نظریه توحید افعالی در میان فرق اسلامی
زهرا محمدعلی میرزایی
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه سوم در سطح دو تحصیلی
پایان‌نامه تداوم انقلاب اسلامی در سایه اتحاد ملی و
انسجام اسلامی
سعیده یزداندوست
مدرسه علمیه بنت‌الهدی صدر شهر تهران



رتبه سوم در سطح سوم تحصیلی
پایان‌نامه وجود‌شناسی جامعه و بازتاب آن
در دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی
فاطمه شاکرین
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه سوم در سطح سوم تحصیلی
کتاب نگاهی به حقوق زن در اسلام
زهرا عظیمی
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه معصومیه (خواهران) شهرستان قم

منتخبین جستواره دوم

شایستگان تقدیر

رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان نامه صلاة الجماعة شرائطها و احکامها
بین الفقه الامامی و الفقه الحنفی

محمود موسوی

مدرسه علمیه کلیه الشهدید الصدر شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های چهارم تا ششم
مقاله تحقیق پیرامون «ال» در صرف و نحو
مهدی خیاطزاده

مدرسه علمیه شهیدین شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های اول تا سوم
مقاله مفاعیل خمسه
حسین فخر روحانی

مدرسه علمیه شهیدین شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های چهارم تا ششم
کتاب مدیریت اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه
سید رضا عبدا...زاده

مدرسه علمیه معصومیه (س) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله پژوهشی پیرامون بررسی رجال تصحیحات علامه
حلی نسبت به اساتید و طرق

جمال‌الدین حیدری فطرت دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله الدلالة محاولة لفهم جدید
سید هادی ساجدی

مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های چهارم تا ششم

مقاله تصویر خدا در عهد عتیق

سید مرتضی عادل

مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب مهاجر حقیقت، پژوهشی در زندگانی سلمان فارسی
حسین جعفری

حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم

مقاله امام صادق (ع) از نظر اهل سنت

سیدمرتضی حسینی

مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم

مقاله نگرشی نو به مسئله ریش تراشی

سید حسین منافی

حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج

کتاب شیخ القمیین ابن الولید

سید مصطفی مطهری

حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله سلفی‌گری نوین در تقابل با استراتژی وحدت اسلامی
محمدشریف حیدری
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه حجتیه شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان‌نامه مشروعیت اقامه حدود و تعزیرات در عصر غیبت
سید باقر محمدی
مدرسه تخصصی فقه و اصول شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های چهارم تا ششم
کتاب برنامه‌ریزی برای طلاب
بنیامین محمدی
مدرسه علمیه امام صادق (ع) شهرستان زنجان



رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم
کتاب الگوریتم اجتهاد و تأثیر آن در بهره‌وری
زمان آموزش حوزه
مصطفی جلالی
دارای کاردانی
مدرسه علمیه نواب شهرستان مشهد



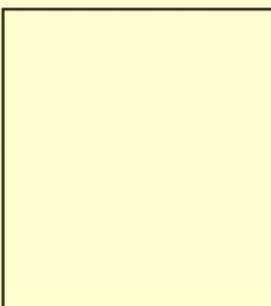
رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله نظام اقتصادی عصر پیامبر
سیدعنایت‌الله کاظمی
مجتمع آموزش عالی فقه شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم
مقاله تئوری انعکاس
(رهیافتی فلسفی - روانشناختی به رابطه نفس و بدن)
احمد شه‌گلی
دارای کارشناسی ارشد
دانشگاه علوم اسلامی رضوی شهرستان مشهد



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله نظام اقتصادی عصر پیامبر
سید عباس موسوی
مجتمع آموزش عالی فقه شهرستان قم



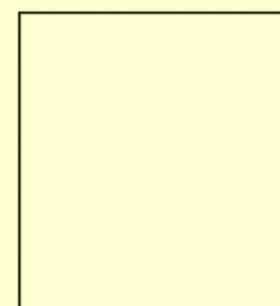
رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب شیوه‌های معاشرت مبلغ با کودک و نوجوان
سعید احمدی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم
کتاب چهره واقعی یهودیت و مسیحیت در قرآن
کامران پنام
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
کتاب زندگی سیاسی آیت‌الله کاشانی
مسلم تهوری
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
پایان‌نامه زیادات المصباح
محمدجواد شعبانی مفرد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



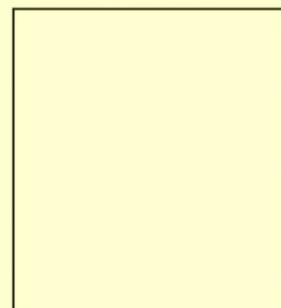
رتبه چهارم در پایه‌های هفتم و هشتم
مقاله محبت از دیدگاه علامه طباطبایی و ابو حامد غزالی
امیر آقاجانلو
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه معصومیه (س) شهرستان قم



رتبه چهارم سطح سه تحصیلی
مقاله ظهور و اهمیت زبان شناسی
سمیه کامرانی
دارای کارشناسی ارشد
جامعة الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله نسبت عقل و ایمان از دیدگاه
استاد مرتضی مطهری (ره)
جمال‌الدین شوکوراف
مجتمع عالی امام خمینی (ره) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح سه تحصیلی
پایان نامه سیره و روشهای تربیتی پیامبر اعظم (ص)
حسنیه نوروزی
مدرسه علمیه حضرت نرجس (س) شهرستان مشهد



رتبه چهارم در پایه‌های چهارم تا ششم
مقاله روش شناسی فلسفی امام خمینی (ره)
رضا لکزایی
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه معصومیه (س) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه بررسی فرقه ضاله بهائیت
معصومه ابدالی
مدرسه علمیه نرجس خاتون (س) شهرستان شاهین شهر



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله نگاهی به حبوه و تحلیل آن در
فقه و قانون مدنی ایران
محمد مهدی حکیمی تهرانی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح سه تحصیلی
پایان نامه نقش وحدت در بقاء حکومت اسلامی
زینب جمالی
دارای کارشناسی ارشد
مدرسه علمیه فاطمه الزهراء اطهر (س) شهرستان ایلام



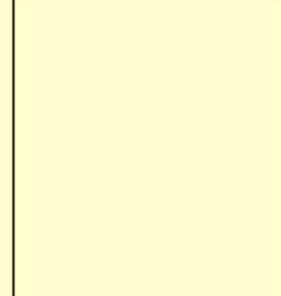
رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله رسالة فی احوال ابن قولویه القمی وثاقله مشایخه
محمدباقر ملکیان
دارای کارشناسی
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه شادی و نشاط از دیدگاه قرآن و روایات
زهرا تات
مدرسه علمیه کوثریه شهرستان تهران



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه بررسی و نقد ادله مخالفین مرجعیت زنان
نرگس مهدوی نیا
مدرسه علمیه بنت الهدی صدر شهرستان تهران



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه خاتمیت از دیدگاه اسلام
زینت مهدیان
مدرسه علمیه الزهراء (س) شهرستان کلاردشت



رتبه چهارم در پایه‌های نهم تا سال اول درس خارج
مقاله الدلالة محاولة لفهم جدید
حسن نعیم آبادی
دارای کارشناسی ارشد
حوزه علمیه قم (آزاد) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح سه تحصیلی
کتاب یادداشت‌های جبرئیل
محبوبه زارع
دارای کارشناسی
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
مقاله نقش رسانه و فرهنگ رسانه‌ای
در نشر تمدن اسلامی
سیده حدیث خوب سرشت
دارای کارشناسی
مدرسه علمیه فاطمه الزهراء اطهر (س) شهرستان ایلام



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه فاطمه زهرا (س)
برجسته‌ترین الگوی تربیت کودک
ریحانه چره‌ساز
مدرسه علمیه زهرا (س) شهرستان نجف آباد



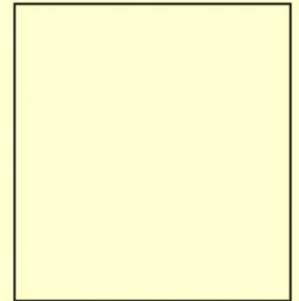
رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
مقاله نقد مهم‌ترین دلایل پلورالیسم دینی
زینب سالمی فر
مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (س) شهرستان آبادان



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه روند تثبیت مذهب تشیع
در ایران و پیوند آن با انقلاب اسلامی
بتول هاتفی
مدرسه علمیه فاطمیه (س) شهرستان پاکدشت



رتبه چهارم در سطح سه تحصیلی
پایان نامه تأثیر عقاید وهابیت بر جهان اسلام
ابتسام آل خمیس
مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (س) شهرستان آبادان



رتبه چهارم در سطح سه تحصیلی
مقاله انقلاب اسلامی ایران: شالوده‌شکنی بنیان‌گرایی
مهديه نامدار
دارای کارشناسی ارشد
جامعه الزهراء (س) شهرستان قم



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
مقاله شناسایی و تحلیل بداء از دیدگاه وحی و عقل
سپیده نویدی
مدرسه علمیه الزهراء (س) شهرستان دزفول



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه گسترش تشیع در عصر صفوی و معرفی رجال
سیاسی و علمای آن عصر
مژگان منصوریان
مدرسه علمیه خدیجه کبری (س) شهرستان اصفهان



رتبه چهارم در سطح دو تحصیلی
پایان نامه نقش استعمار در پیدایش و
گسترش بابیت و بهائیت
سمیه ذوالعلی
مدرسه علمیه فاطمیه شهرستان کرمان



معرفی اداره امور پژوهش مدارس

واحدهای آموزشی، تعیین استانداردها در امور پژوهش طلاب، همکاری با معاونت آموزش جهت تحقق آموزش پژوهش محور و تشویق و حمایت از فعالیت های پژوهش طلاب .

این اداره تاکنون این وظایف را از طریق واحد ترویج پژوهش، نیروی انسانی، آموزش پژوهش، استعداد یابی و نظارت انجام شده است. این اداره غیر از برنامه هایی که از طریق واحدهای خود در سطح اداره پیگیری می کند، برخی از فعالیت های فراگیر خود را در سطح معاونت پژوهش طراحی نموده است و در راه اندازی آن مشارکت حد اکثری داشته است و تا کنون نیز تعامل و همکاری مناسبی دارد.

اولین مورد طراحی و راه اندازی جشنواره علامه حلی (ره) بوده است که اکنون در آستانه ی برگزاری دومین دوره آن هستیم . دومین برنامه انتشار نشریه علمی _ فرهنگی رهنامه ی پژوهش (خشت اول سابق) است .

سومین برنامه انتشار نشریه ی علمی طلاب راه دانش است که در آن مقالات برگزیده ی طلاب درج می شود. پیش بینی می شود این نشریه تا پایان امسال حداقل یک شماره منتشر شود.

علاوه بر آن این اداره به نشریات علمی مدارس علمیه مطابق اساسنامه الگوی ارائه شده مجوز داده و حمایت خواهد کرد .

این اداره از سال ۸۶ تا کنون جهت دستیابی به اهداف مذکور برنامه هایی را طراحی و اجرا نموده است که در ذیل گزارشی از کلیات برنامه های آن توضیح داده می شود :

معاونت پژوهش حوزه های علمیه برای انجام مأموریت تقویت و گسترش فرهنگ پژوهش و تولید دانش در بین طلاب جوان حوزه و تربیت پژوهشگر از میان طلاب مستعد از سال ۱۳۸۶ اداره امور پژوهش مدارس را راه اندازی نموده است. برای نیل به این هدف این اداره بر این باور است که باید فعالیت های پژوهشی در متن برنامه ی آموزشی طلاب قرار گیرد. هم چنین لازم است سنت های اصیل آموزشی حوزه مانند استفاده از استاد، پیش مطالعه، مطالعه و مباحثه ی شاگرد پرور احیا شود و نیز اهتمام به ابعاد و اهداف معنوی علم آموزی و پژوهش و تحقیق اهتمام به استعدادهای علمی طلاب ضروری است . به علاوه لازم است با مراکز علمی - پژوهشی تعامل مفید و فعال برقرار شود و به ارتقای سطح کیفی علمی و مدیریتی نیروهای انسانی ذی ربط اهتمام شود . این اداره برای نیل به مأموریت های مذکور وظایف زیر را بر عهده دارد:

ایجاد ارتقای نگرش پژوهشگر در آموزش طلاب، تقویت روحیه ی پژوهش در میان طلاب، ترویج فرهنگ پژوهش و تولید دانش در میان طلاب، جهت دادن به استعدادهای علمی - پژوهشی طلاب .

سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان و نظارت بر امور پژوهش غیر موظفی واحدهای آموزشی، تعیین شاخص های علمی، مهارتی و مدیریتی معاونان پژوهش واحدهای آموزشی، برنامه ریزی و اجرای دوره های ارتقای وضعیت معاونان پژوهش

معرفی اداره امور پژوهش مدارس

- تاسیس معاونت های پژوهش

به منظور تحقق اهداف این اداره در سال ۸۶ و ۸۷ در ۱۵ مدرسه از حوزه های علمیه قم و شهرستان ها معاونت پژوهش تاسیس شده است. برنامه سال ۸۸ این اداره تاسیس معاونت پژوهش در ۳۰ مدرسه می باشد که مقدمات آن (شناسائی ظرفیت ها و آمادگی مدارس برای این امر) انجام شده است.

- تدوین آیین نامه ی تاسیس معاونت های پژوهش

مدارس

این آیین نامه جهت تقویت فرهنگ پژوهش در میان طلاب، اجرای برنامه های آموزشی (غیر موظفی) مهارت های پژوهش به آنان و شناسائی استعداد های علمی، پژوهشی طلاب تهیه و در معاونت پژوهش حوزه های علمیه تصویب و توسط معاون محترم پژوهش جهت اجرا در مدارس ابلاغ شده است.

- آیین نامه پژوهش های تحصیلی طلاب

نظر به عنایت مقام معظم رهبری مراجع عظام تقلید و شورای محترم عالی حوزه های علمیه به امر پژوهش و تولید دانش پاسخ گویی به نیاز های علمی جامعه و جهان اسلام، احیای سنت سلف صالح در امر رساله نویسی و تقویت روحیه ی پژوهشگری در میان طلاب و فضایی حوزه های علمیه « طرح آیین نامه پژوهش های تحصیلی طلاب » تدوین و ارائه شده است. بر اساس این طرح طلاب در پایه ها و مقاطع (سطوح) مختلف تحصیلی هم راه و هم زمان با تحصیل متناسب با سطح علمی خود و بر

اساس برنامه مشخص و انعطاف پذیر و با هدایت و حمایت بخش های مختلف حوزه (آموزش - پژوهش - تبلیغ و ...) به انجام پژوهش های کارورزی یا حرفه ای اقدام می کنند.

- آموزش پژوهش

از جمله برنامه های مستمر این اداره، آموزش (غیر موظفی) مهارت های پژوهشی به طلاب می باشد در این راستا فعالیت های ذیل انجام شده است.

۱. تهیه ی بسته برنامه ی آموزش پژوهش (مهارت های پژوهشی) برای پایه های اول تا سوم؛

۲. انجام کارشناس تهیه ی بسته ی برنامه ی آموزش پژوهش (مهارت های پژوهشی) برای پایه های چهارم تا ششم؛

۳. برگزاری کارگاه های مهارت های پژوهشگری برای طلاب برگزیده ی مدارس؛

۴. برگزاری کارگاه آموزش نگارش برای طلاب برگزیده ی مدارس؛

۵. برگزاری کارگاه آموزش روش تحقیق برای برخی از اساتید پژوهش؛

- فرهنگ سازی پژوهش

جهت ترویج و فرهنگ سازی امر پژوهش برنامه های ذیل انجام شده است:

۱. انتشار چهارده شماره مجله « خشت اول »؛

۲. انتشار کتابچه های ترویجی « خشت اول »؛

معرفی اداره امور پژوهش مدارس

۳. برگزاری نشست ها و همایش های علمی کاربردی نگاه نو با حضور اساتید و فضایی حوزه در میان طلاب جوان؛

۴. تهیه بسته های چند رسانه ای ترویج پژوهش.

– راه اندازی جشنواره علامه حلی (ره)

این اداره به منظور تقویت انگیزه ی پژوهش و تلاش علمی طلاب جوان حوزه و تشویق آنان، اقدام به راه اندازی «جشنواره علامه حلی (ره)» کرده است. در این جشنواره پدید آورندگان آثار علمی برتر در حوزه ی دین و دانش های مرتبط با آن برگزیده شده و مورد تقدیر قرار می گیرند.

– تدوین اساسنامه ی نشریه ی علمی طلاب و کمک به راه اندازی آن.

– این اداره به منظور فرهنگ سازی امر پژوهش و تقویت انگیزه های پژوهش طلاب، اساسنامه ی این نشریه را تدوین کرده است که به تصویب شورای منشورات معاونت رسیده است. و در تدوین اساسنامه ی علمی مدارس و کمک به راه اندازی آن، حمایت ها و تعاملات لازم را انجام خواهد داد.

– تدوین اساسنامه نشریات علمی مدارس و کمک به راه اندازی آن:

این اداره به منظور تقویت الگوهای فعالیت های علمی طلاب و فرهنگ سازی امر پژوهش مدارس، اقدام به تدوین «اساسنامه نمونه» این نشریه نموده است. این نشریه توسط مدارس علمیه، مطابق این اساسنامه و پس از اخذ مجوز های لازم از اداره، با محتوای مقالات علمی طلاب آن مدرسه منتشر خواهد شد و مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

كان أمير المؤمنين علي عليه السلام يقول:

يا طالب العلم
إن العلم ذو فضائل كثيرة:
فأرأسه التواضع
وعينه البراءة من الحسد
وآذنه الفهم
ولسانه الصدق
وحفظه الفحص
وقلبه حسن النية
وعقله معرفة الأشياء والأمر
ويده الرحمة
ورجله زيارة العلماء
وهمته السلامة
وحكمته الورع
ومستقره النجاة
وقاعده العافية
ومركبه الوفاء
وسلحه لين الكلمة
وسيفه الرضا
وقوسه المداراة
وجيشه المحاوراة العلماء
وماله الأدب
وذخيرته اجتناب الذنوب
وزاده المعروف
وماؤه الموادة
ودليله الهدى
ورفيقه محبة الأختيار.



اساتید و پژوهشگران





از سوی دبیر خانه جشنواره‌ی
علامه حلی (ره) خدمت برخی از اساتید
و پژوهشگران رسیدیم. در این گفتگوی صمیمی
مطالبی تحت عناوین زیر بیان شد:

- شاخصه‌ی پژوهش برتر.
- اهم مهارت‌های پژوهشی
- اخلاق پژوهشی
- مشکلات آغازین و اساسی پژوهش
- آینده‌ی پژوهش و پژوهشگران در حوزه
- جایگاه جشنواره علامه حلی (ره) در ارتقاء پژوهش
- ضرورت پژوهش آموزی و آموزش پژوهش.

توجه شما را به اهم سخنان این بزرگواران جلب می‌کنیم:
از همه این اساتید که فرصتی را در اختیار
جشنواره علامه حلی (ره) قرار دادند
تشکر می‌کنیم.

سوم، تبلیغ دین و ترویج حقایق دین در سطوح مختلف، اعم از: سطوح نظام، اقشار مختلف مردم یا سطح داخل یا سطح بین‌الملل؛

چهارم، رصد کردن مشکلات و پاسخگویی به شبهات. روحانیت باید با بدعت‌ها، شبهات و خرافه‌ها مبارزه کند؛

پنجم، تأمین مبانی فکر دینی نظام مقدس اسلامی که این، جزو مقتضیات انقلاب اسلامی و نظام مقدس اسلامی است. در جایی که دین باید پاسخگو باشد، روحانیت به پیش می‌آید و تأمین می‌کند. اگر هدف، جنبه «آموزش و ترویج» است، در واقع پژوهش، هدف بنیادی نباشد و مخاطبان ما، مجموعه طلاب و فضایی هستند که ما آموزششان را می‌خواهیم پژوهش محور کنیم. اگر هدف، «تبلیغی» باشد، مثلاً بتواند یک پیام دین را با زبان و ادبیات مناسب برای اقشار مختلف، مثل: کودکان، نوجوانان، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان، تبیین کند و تألیفی بدیع و شکیلی را از خود نشان بدهد، این هم می‌شود یک شاخص، و گرنه، پاسخگویی به شبهات و دیده‌بانی فرهنگی، می‌شود یک شاخص. شاخص‌های برتر، بسیار گوناگون‌اند و این، به هدف‌گذاری‌ای بستگی دارد که در «جشنواره علامه حلی» شده است و چون مخاطبان این جشنواره، پژوهش‌گران جوان حوزوی‌اند و هدف، تشویق و ترغیب آنها به انجام پژوهش است، به نظرم همه این‌ها می‌تواند در حد خودش، نوعی شاخص باشد.

شاخص بعدی، این است که از لحاظ ساختار و متن و ادبیات، نوعی ابتکار و خلاقیت و نوآوری در آن باشد که بتوان نام «پژوهش» را روی آن گذاشت.

قطعا هدف از انجام پژوهش که در یک مدرسه علمیه، از یک طلبه می‌خواهند، «تقویت بنیه آموزش» است.

هدف، صرفاً این نیست که کاری از حوزه، بیرون برود؛ بلکه هدف، این است که طلبه، شیوه‌ی نویسندگی را یاد بگیرد. درس را بهتر بفهمد. ممکن است هدف، تولید علم نباشد؛ توضیح علم



آیت الله حاج شیخ عباس کعبی (عضو شورای نگهبان)

در آغاز سخن، تبریک می‌گوییم به معاونت محترم پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم که این ابتکار عمل را به خرج دادند و برای سال دوم، «جشنواره علامه حلی» را در عرصه فراخوان پژوهش‌های حوزوی، از پژوهش‌گران جوان، راه انداختند. این حرکت با ارزشی است که در واقع، می‌تواند از یک سو، توانمندی‌های حوزویان را در عرصه پژوهش، نشان بدهد و از سوی دیگر، نیازسنجی بشود و بر اساس این نیازسنجی، پژوهش‌های حوزوی شکل بگیرند. اگر بخواهیم برای پژوهش‌های برتر شاخص‌گذاری کنیم باید برگردیم به اهداف و مأموریت‌های روحانیت. به نظر من، پژوهش‌های برتر، پژوهش‌هایی هستند که در مسیر رسالت و مأموریت روحانیت قرار دارند که همان راه انبیاست و چند مرحله دارد:

اول، تربیت نیروی انسانی توانمند برای انجام رسالت سترگ روحانیت؛ دوم، تولید علم و اندیشه دینی؛

باشد. فن توضیح علم هم پژوهش می‌خواهد. کسی که بتواند با زبان هنری، خوب بیان کند، همین هدف می‌شود. طلبه‌ای که بتواند یک پیام دینی خوبی را با زبان فیلم‌نامه و یا داستان کوتاه در بیاورد، این هم می‌شود پژوهش، البته در حد خودش.

پژوهش‌های برتر، پژوهش‌هایی هستند که در مسیر رسالت و مأموریت روحانیت قرار دارند که همان راه انبیاست و چند مرحله دارد: اول، تربیت نیروی انسانی توانمند برای انجام رسالت سترگ روحانیت؛ دوم، تولید علم و اندیشه دینی؛ سوم، تبلیغ دین و ترویج حقایق دین در سطوح مختلف، اعم از: سطوح نظام، اقشار مختلف مردم یا سطح داخل یا سطح بین‌الملل

از این رو، هدف‌گذاری و نظام‌مند کردن پژوهش‌های حوزوی در سطوح مختلف، یک ضرورت است که البته باید فرآیندی را نیز طی کند: اول، تشخیص و نیازسنجی؛ دوم، طراحی متناسب با تشخیص و نیازسنجی؛ سوم، به‌کارگیری و مرحله‌بندی کردن این نظام هدف‌مند؛ چهارم، ارزیابی آن؛ پنجم، توسعه اهداف پژوهشی، به‌گونه‌ای که پژوهش در حوزه، به یک فرهنگ عمومی، تبدیل شود. البته در این فرآیند، سه عنصر را باید در نظر بگیریم: عنصر اول، جهان، به سرعت و با شتاب، در حال دگرگونی است؛ عنصر دوم، رقیبان بسیار جدی‌ای، مثل: بهائیت، مسیحیت و لیبرال‌ها و جریان‌های فکری داریم که باید بتوانیم با توجه به رقابت سالم، پژوهش را پیش ببریم؛ عنصر سوم، باید توجه کنیم به کل سیستم؛ یعنی پژوهش نمی‌تواند از نظام آموزشی و تبلیغی و تربیتی و اخلاقی، جدا باشد.

اگر به دنبال آموزش‌های پژوهش‌محور باشیم، این پژوهش، نیاز به آموزش دارد. در سطح دوم، اگر پژوهش،

تحقیق مطلب و به سرانجام رساندن آن است و یک مجهول را کشف کردن است، طبعاً اولین مهارت لازم، مهارت آموزش است. این آموزش‌ها چند دسته است: اول، «آموزش‌های مدرسه‌ای و سنتی»، مثل: اصول، کلام، فقه، فلسفه، تاریخ و علوم انسانی مناسب و امثال اینهاست که در حد خودش، یک پیش‌نیاز است. دوم، «آموزش با توجه به ابزارهای جدید»، مثل: نرم‌افزارهای پژوهشی، شبکه اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) و وسائل مشابه است. سرچ (جستجو) کردن، خودش یک مهارت خاص است. سوم، آشنایی با زمان و زمان‌شناسی و استفاده از ادبیات مناسب است. طلبه اگر نتواند در پژوهش خود، «موضوع‌شناسی» بکند و علاوه بر آن، سؤال اساسی پژوهش را طرح کند، این پژوهش، به سرانجام نمی‌رسد. طبعاً اگر پژوهش بخواند تیمی انجام شود، پژوهش‌گر باید روحیه‌ی گروهی داشته باشد. امروزه، گستردگی موضوعات پژوهش، به‌گونه‌ای است که یک پژوهش‌گر، نمی‌تواند به تنهایی، کار به سرانجام برساند. پس باید روحیه‌ی همکاری دسته‌جمعی را تقویت کنیم.

مهم‌ترین مسئله در اخلاق پژوهشی، «امانتداری در نقد» است. عده‌ای از محققان، فکر می‌کنند که در پژوهش‌ها، نقل کردن مطالب از دیگران، بد و اشتباه است. امروزه، پژوهش‌هایی را می‌توان موفق دانست که از منابع درجه یک و بیشتری سود جسته باشند. البته باید در نقل‌هایمان، اخلاق امانتداری را حفظ کنیم و در مورد آنها، تجزیه و تحلیل کنیم؛ نه اینکه نقل‌ها را در کنار هم بچینیم. اگر از منبع درجه سه، نقل کرده‌ایم و آن درجه سه، از درجه دو، و آن درجه دو، از درجه یک، ما نباید منبع درجه یک را به جای منبع درجه سه، استفاده کنیم. این کار، غیر اخلاقی است. نکته دوم، «اخلاص» در پژوهش است.

در پژوهش، اخلاص، توشه راه یک پژوهش‌گر است؛ نیت تقرب به خدا و اینکه مجهولی را برطرف کند؛

حرکت علم را او رو به جلو ببرد و یک گام به جلو بیاید و پیشرفت ایجاد کند، نه اینکه گفته شود: چه و چه و اخلاصی در کار نباشد!

نکته سوم، ارجاع دادن به منابع درست است. در نقلی که در متون دینی است، باید دقت کنیم که حتماً به منابع درست ارجاع دهیم. نباید صرفاً بحث‌های رجالی نوشته شود. **همان طور که نقل حدیث و خواندن قرآن، اخلاق و آدابی دارد، در پژوهش‌هایی هم که مبتنی بر اخلاق قرآن و عترت است، باید خودمان را در محضر قرآن و عترت بدانیم و با وضو باشیم. پژوهش نباید با اهانت و هتاک و بی‌حرمتی به نظر مخالف بینجامد؛ باید کاملاً با منطق و اخلاق انجام شود.**

در پژوهش، اخلاص، توشه راه یک پژوهش‌گر است.

نکته بعدی، این است که نباید دچار «عجب» شویم. عرصه‌هایش هم گوناگون است و ممکن است یک پژوهش‌گر را هم در بر بگیرد. حالا چند تا کتاب نوشته و چند تا تحقیق انجام داده، نباید فکر کند که سرآمد روزگار است و باید حتماً مورد تشویق دیگران قرار گیرد! پژوهش‌گر، هر چه قدر که متواضع‌تر بشود، بیشتر مورد اقبال قرار خواهد گرفت.

متأسفانه در حوزه، با روش‌های پژوهش، روش‌های علوم، به عنوان درس خاص، ارائه نمی‌شود. پژوهش‌گر به تدریج و در اثر تجربه، باید دست و پنجه نرم کند، تا به روش خاصی برسد. مشکل بعدی، «مسئله‌شناسی» و «موضوع‌شناسی» متناسب با نیازهای اصل و کاربردی کردن پژوهش‌هاست؛ یعنی پژوهش‌های کاربردی هم ضعیف است. مشکل سوم - که اکنون در پژوهش‌های حوزه مشاهده می‌شود -

این است که در کنار کارهای ارزشمند مهمی چون برگزاری جشنواره‌ها و یا کتاب سال حوزه و... پژوهش‌های بنیادین و کاربردی، وجود ندارد. پژوهش‌های بنیادین که اسمش، تولید علم باشد، نه خدمات پژوهشی و ترویجی. در زمینه ترویج علم، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است؛ مثلاً شیخ انصاری در اصول، نظریه‌ی «حکومت و ورود» را به خوبی، پردازش کرد و هم‌اکنون هم، این‌گونه نظریات وجود دارد. در مکاتب اصولی، بیشتر شیخ انصاری و شاگردانش، مدارس (مکاتب) سه‌گانه و بعدش امام راحل و محقق خویی و... که از مرحوم نایینی و آقا ضیاء عراقی و آقای شیخ محمدحسین اصفهانی گرفتند و بعضی‌ها هم‌چون شاگردان وحید بهبهانی، تعلیقه‌هایی به این مکتب اضافه کردند. این، می‌شود تولید علم؛ اما انتظار می‌رود که حوزه در عرصه‌ی تولید علم و نظریه پردازی هم بدرخشد.

افق پژوهش، با یک کلمه، حل نمی‌شود. **تولید علم در حوزه، باید بسیار جدی پی‌گیری شود و برنامه‌ریزی ویژه‌ای برایش در نظر گرفته شود که فکر کنیم از توان یک معاونت، خارج است.** ظرفیتش در حدی است که کل متفکران و بزرگان و نظریه پردازان معاصر حوزوی مان باید بسیج شوند، به گونه‌ای که بتوانند شاگردپروری کنند.

جشنواره می‌تواند هم در زمینه‌ی آموزش‌های پژوهش‌محور و هم در زمینه‌ی پژوهش‌هایی که به درد رسانه‌ها و تبلیغ دین می‌خورد، کار کند. توضیح پیام دینی یا در کسب هنر و ادبیات را هم پژوهش تلقی کنید. نمی‌توان گفت که کار پژوهش، همه‌اش تولید علم است!

اگر بتوانید کاری را سامان بدهید که در آن، ابداع و ابتکار و خلاقیت باشد و در مسیر مأموریت‌های حوزه، مطمئناً پژوهش است. حتی اگر کسی پانزده - بیست صفحه، طرح و برنامه آماده کند برای پیشرفت حوزه، این هم یک پژوهش موفق است.

معیار ششم، امانتداری در پژوهش است؛ یعنی اگر می‌خواهد مطلبی یا دیدگاهی را از کسی نقل کند، ابتدا توجه کند تا خوب بفهمد و سپس، خوب نقل کند.

اتفاقاً این مسئله بسیار مهم است. اگر کاری بدون نظام‌مندی انجام شود، مؤفق نخواهد بود. اما نباید از حقیقت‌جویی در امر پژوهش که استوانه‌ی اصلی کار است، غفلت کرد؛ یعنی باید ضمن اینکه پژوهش‌ها را نظام‌مند می‌کنیم، نشاط پژوهشی را از بین نبریم؛ زیرا اصل با ارزش در تحقیق، نشاط است.

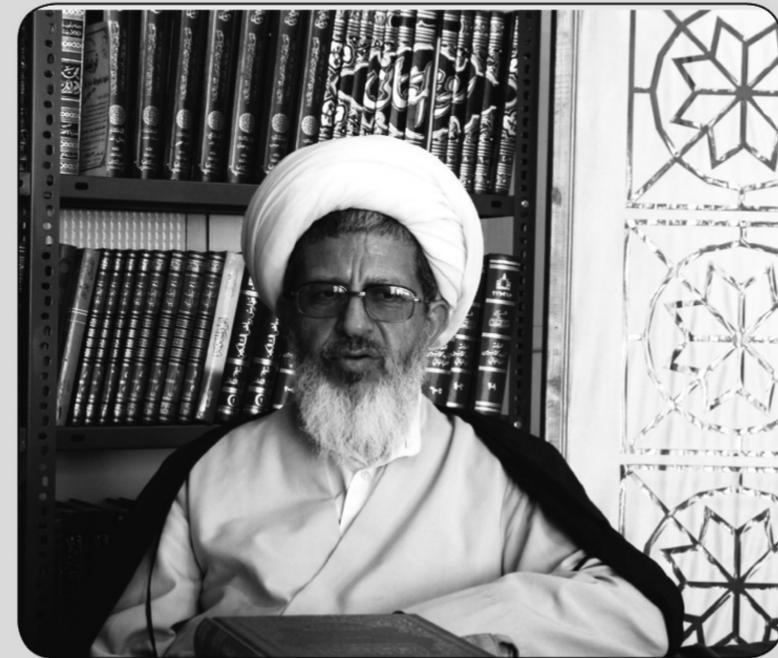
مهارت‌های لازم در هر علم، ممارست، دقت و تجربه است و تجربه هر چیزی هم، مخصوص به خودش است؛ بدین معنا که پژوهشگر، پس از بررسی‌های کامل روی موضوعی، به نتیجه درستی می‌رسد که آن نتیجه را ارائه می‌کند.

پژوهشگر غیر از تجربه و مهارت، باید پژوهش را از حالت فردی بیرون آورد و آن را به صورت اجتماعی ارائه کند. همان‌گونه که چند نفر روی موضوعی مباحثه و دیدگاه‌های مختلف را جمع می‌کنند.

شهامت و شجاعت در پژوهش مهم است؛ بدین معنا که تنها به گفته‌های پیشینیان بسنده نشود و در جایی که کوتاهی شده است، ارائه مطلب و تولید اندیشه شود.

بنابراین، هرچه ما سعی کنیم درباره موضوع، سؤال بیشتری طرح کنیم و پاسخ‌های مناسب آن را هم ارائه کنیم، پژوهش حالتی جمعی به خود می‌گیرد و نتیجه بهتری می‌دهد. البته، ابتدای هر پژوهشی فردی است، ولی نحوه ارائه باید جمعی باشد.

مهم‌ترین نکته در اخلاق پژوهشی این است که روند پژوهش، با شتاب پیش نرود. چون به مطلبی نرسیدیم، به‌منظور اینکه به شهرتی برسیم، زود متاع پژوهش را به



آیت الله حاج شیخ محمد حسین احمدی فقیه یزدی

اولین قدم، تصحیح انگیزه است. بشر زمانی پیشرفت می‌کند که انگیزه درستی داشته باشد.

معیار دوم، نیت درست است. گاهی انگیزه قوی است، ولی نیت سالم نیست. البته نیت‌های آلوده هم گاهی نتیجه‌بخش است، ولی چون اخلاص کافی ندارد، مشکلاتی را پدید می‌آورد.

سومین معیار پژوهش برتر، زمان‌شناسی و آشنا بودن با پیشینه پژوهش است. هر پژوهشگری، باید دانش و اطلاعات گذشته هر موضوع را به دقت بررسی کند، سپس در راه پژوهش، قدم گذارد.

معیار چهارم، گزینش مسائل مناسب و مؤثر در پژوهش است. معیار پنجم شهامت و شجاعت در پژوهش مهم است؛ بدین معنا که تنها به گفته‌های پیشینیان بسنده نشود و در جایی که کوتاهی شده است، ارائه مطلب و تولید اندیشه شود.

بازار مطالعه نبریم.

شما ملاحظه کنید! پیوسته شیخ انصاری، با بزرگی مطلبی را از مقدس اردبیلی نقل می‌کرد، هر چند نظرات مقدس اردبیلی با دیگران تفاوت زیادی دارد و دیگران، جرأت نکردند این حرف‌ها را بزنند؛ زیرا شیخ انصاری می‌بیند که این مطلب، از روی هوای نفس یا شهرت‌طلبی بیان نشده است، بلکه از روی دقت‌های مقدس اردبیلی بوده است. بنابراین، اگر مطلبی را پسندیده است، آن را مستدل کرده و اگر قبول نکرده است، با استدلال درستی رد کرده است. آنچه در این مسیر مزاحم است، هوای نفس و خواسته‌های نفسانی است، درحالی که پژوهش، یک امر الهی است؛ زیرا همه، از الهامات الهی سرچشمه می‌گیرند و این الهامات، نازل نمی‌شود، مگر اینکه انسان با اخلاص شود.

گاهی می‌بینیم که خداوند، حتی به کافران هم عنایت کرده و فهمی داده است و کارهای تحقیقی بزرگی انجام داده‌اند. ما هم باید به درگاه خدا روی آوریم و به پژوهش، به عنوان عبادت نگاه کنیم تا خداوند با الهامات خود، مسیر را بر ما هموار کند.

آنچه در این مسیر مزاحم است، هوای نفس و خواسته‌های نفسانی است، درحالی که پژوهش، یک امر الهی است؛ زیرا همه، از الهامات الهی سرچشمه می‌گیرند و این الهامات، نازل نمی‌شود، مگر اینکه انسان با اخلاص شود.

روشن است که هر کس باید ابتدا جایگاه آن علمی را که می‌خواند، بشناسد. متأسفانه اساتید ما نفع، جایگاه و نتیجه علوم رایج حوزه را خوب بیان نکرده‌اند. بنابراین، محققى که اصول یا منطق

می‌خواند، نمی‌فهمد که کاربرد این علم کجاست و آثار و نتایج کمی از آن را به صورت عملی دریافت می‌کند. از این رو **طلبه‌ها با پیش‌فرض‌هایی که یا خودشان از اجتماع یا حوزه گرفته‌اند و برایشان تبدیل به ارزش شده است، وارد کار پژوهش می‌شوند و چون این پیش‌فرض‌ها با علمی که خوانده‌اند تطبیق نمی‌کند، مشکل‌ساز می‌شود.**

مثلاً سال‌ها اصول بحث می‌کند و می‌خواند که وضع بر چهار قسم است و متوجه نمی‌شود که این وضع، دست‌شمار یا واضح نیست؛ اصلاً واضح چه کاره است که چیزی را عام کند؛ عام یک چیز طبیعی است و واضح برای مفهوم عام، لفظی وضع می‌کند. بنابراین، این‌ها را می‌خوانیم و پیش‌فرض‌هایی به طور اشتباه، در ذهن می‌ماند.

در فقه هم مسائل زیادی پیش می‌آید؛ مثلاً کسی که بخواهد در خصوص رحم مصنوعی که از سلول بدن یک شخص گرفته می‌شود یا در مورد رحم اجاره‌ای، پژوهش کند و به جواب درستی برسد، ابتدا به دنبال پیش‌فرض‌ها می‌رود که مسئله‌اش را حل کند و در اینجا توانش را ندارد.

در کتاب عروه می‌بینیم، به چه سؤال‌های زیادی، بر طبق موازین شرعی، پاسخ داده شده است که به پیش‌فرضی بر نمی‌گردد. حاشیه‌های آقایان هم به خاطر این است که پیش‌فرضی نداشته‌اند.

به نظر من، پژوهش امروز، به دلیل دسترسی به کامپیوتر و وسایل جدید، جنبه‌های بسیار عالی پیدا کرده است. ولی شیوه‌ی علما را داریم از دست می‌دهیم و این در امر پژوهش، ضایعه بزرگی است که منتظریم اصلاح شود.

کشورهایی مانند ترکیه، یمن، مصر و... داریم. در غرب هم کتابخانه‌های خوبی وجود دارد. فرصت‌های زیادی داریم که در گذشته نبوده است. **بهترین محصولات علمی ما تا این لحظه، زمانی بوده که جو سیاسی مساعد بوده است.** مثلاً با آمدن آل بویه به بغداد در سال ۳۳۴، تقریباً ۱۱۰۰ سال پیش، جو خیلی خوبی در بغداد ایجاد شد. حوزه شیعه رشد کرد. حدود نود درصد مبانی فکر ما از علمایی چون شیخ کلینی، شیخ مفید و... است که در بازه زمانی ۳۲۰ تا ۴۵۰ هـ ق در بغداد می‌زیسته‌اند و این، بر اثر گشایشی سیاسی است که برای شیعیان در بغداد به وجود آمد. اینها از این فرصت استفاده خوبی کردند. دومین دوره که آثار خوبی در آن خلق شد، مربوط به زمان صفویه بود. در این دوره که حکومت در اختیار شیعه بود، آثار خوبی از مرحوم ملاصدرا، فیض، فیاض، مجلسی اول و دوم و... بر جای ماند. اما متأسفانه، پس از سی سال پیروزی جمهوری اسلامی، هنوز کاری نکردیم. زمان شیخ انصاری و صاحب جواهر به گونه‌ای کار شده و الآن می‌توان به گونه دیگر کار کرد. باید از امکانات سیاسی و دولتی استفاده کرد.

حکایت پژوهش ما، حکایت عمرو بن عبد کرب و عمر است. عمرو بن عبد کرب شمشیری به نام سمسامه داشت که وقتی به کوهان شتر می‌زد تا شکم او را می‌درید.

روزی عمر گفت: شمشیرت را به من هم بده تا امتحان کنم. وقتی زد در همان کوهان گیر کرد. علت را پرسید: عمرو به او گفت: «اعطتیک سیفی و ما اعطتیک عضدی» یعنی شمشیرم را به تو دادم، بازویم را که به تو ندادم.

الآن مراکز تحقیقاتی زیادی در قم پیدا شده‌اند که شمشیر را گرفته‌اند، اما بازو را ندارند. بازو، یعنی



آیت الله سید احمد مددی

پژوهش، اساس و رکن اصلی کار حوزه و مراکز علمی است و اگر پژوهش را از این مراکز علمی، به‌خصوص حوزه، برداریم، در حقیقت نقض ماهیت کرده‌ایم.

طلبه باید از صبح تا شب در جست‌وجوی کاری نو و پیمودن مسیری جدید در پژوهش باشد. باید با فعالیت‌های گذشتگان آشنا باشد و بداند در کجا ایستاده است، چه نقاط جدیدی وجود دارد، هدف را پیدا کند، وسیله را شناسایی کند و راه ورود به کار را بشناسد و به کار اقدام کند. برای این کار باید در حوزه، نهادهایی برای پژوهش باشند. مرکزی هم باشد (مثل دفتر تبلیغات) که بین این نهادها هماهنگی ایجاد کند و مدرسان و مراجع هم سعی کنند همه طلبه‌ها را به این سمت‌وسو تشویق کنند.

حتی می‌توان در این عرصه، از امکانات نظام هم استفاده کرد؛ مثلاً از منابع موجود در کشورهای خارجی با استفاده از تسهیلات دیپلماسی، استفاده شود. الآن منابع خوبی در

مغز مدبر. این مغز مدبر باید مشکلات را شناسایی کند و بعد، برای حل آنها طرح دهد و برنامه‌ریزی کند. افراد توجیه شوند، برنامه‌ریزی شود، زیربناها مشخص شود، راه و ابزار کار مشخص شود و بعد با دقت لازم، ببینیم هر کدام به نتیجه مطلوب رسیده است یا خیر؟

یکی اینکه ویژگی مذهب را در نظر بگیریم و دوم اینکه به نقاط مشترک فرق اسلامی توجه کنیم. ما باید ارتباط خودمان را در پژوهش‌ها با این پشتوانه عظیم، حفظ کنیم. مثلاً در دنیای اسلام، مسئله‌ای به نام طبقات مطرح است. فرد محقق نباید چشم بسته وارد کار شود، باید ببیند که شیعیان، چرا طبقات را مطرح کردند. ما می‌توانیم با اهل سنت صحبت کنیم و بگوییم که از چه راهی آمده‌ایم. برای این کار باید با اصطلاحات آنها هم آشنا باشیم. شهید ثانی کتابی دارد به نام درایه که بر حسب اصطلاح و خصوصیات کتاب‌های اهل سنت است. ویژگی‌های حدیث شناسی شیعه در آن وجود ندارد. طلبه نباید تنها به معجم آقای خویی مقید باشد. تا پرواز فکری نداشته باشیم نقص‌ها را نمی‌بینیم.

گاهی در شیعه کتابی نوشته می‌شود که از اصول اهل سنت بی‌خبر است. این مسئله باعث شده است که بسیاری از روایت‌هایی که به دست ما رسیده یا در متن یا سند آن اشتباهاتی باشد؛ مثلاً چون صاحب جواهر با اسناد اهل سنت آشنا نبوده، روایتی را از شیخ صدوق گرفته که در صحیح بخاری هم آمده است. بنابراین، برای کسی که آشنا نباشد، تفاوتی نمی‌کند که بخواند حفص بن حسن یا حفص بن جعفر؟

بحث اخلاق، بیشتر روی جهات ثانوی است؛ مانند روغن کاری اجزای ماشین است و باعث نرم شدن روابط می‌شود. اما خود پژوهش یک امر واقعی است که باید دنبال واقعیات خودش باشد؛

یعنی در پژوهش باید ویژگی مذهب را ملاحظه کنیم، مشترکات را با دنیای اسلام حفظ کنیم، زیربنای علمی مقبول در سطح آکادمی‌های جهانی را حفظ کنیم.

کتابی وجود دارد به نام میراث مکتوب شیعه از استاد دانشگاه پرینستون که سه چهار سال است درباره آن بحث می‌شود. غربی‌ها این کتاب را پذیرفته‌اند، درحالی که ما نشان دادیم این استاد، در بسیاری از جاها اشتباه کرده؛ زیرا متن عربی را بلد نبوده است. اگر این انتقادهای ما به دانشگاه پرینستون برسد، ممکن است این آقا را اخراج کنند. مثلاً در جایی متن عربی را آورده و ترجمه کرده است که حدود ده هزار نفر بودند، درحالی که لفظ ده هزار، وجود ندارد. ولی چون آنها وارد نیستند، خیال می‌کنند که طاووس علیین شده است.

در پژوهش باید ویژگی مذهب را ملاحظه کنیم، مشترکات را با دنیای اسلام حفظ کنیم، زیربنای علمی مقبول در سطح آکادمی‌های جهانی را حفظ کنیم.

بنابراین ما باید حد و حدود پژوهش‌های خود را روشن کنیم. ظوابط علمی شناخته شده در دنیای علم را مراعات کنیم. نقاط مشترک را با دنیای اسلام در نظر بگیریم، معارف اهل بیت را تافته‌ای جدا بافته فرض نکنیم که هیچ ربطی با قرآن و سنت رسول خدا پیدا نکند. باید این معارف را به سمت قرآن و سنت بکشانیم.

حوزویان، کتابی به نام «الفقه المذاهب الاربعه» دیده‌اند و خیال می‌کنند که کتاب مهمی است. این کتاب چیزی مانند توضیح المسائل نو حاشیه است، یعنی آرای ابوحنیفه نیست، بلکه آرای است که بعد از

۱۲۰۰ سال کار بر روی افکار ابوحنیفه، به دست آمده است. مثل منهاج الصالحین یا تحریر الوسيله ماست. بنابراین، این کتاب ارزش علمی ندارد. در حالی که در حوزه ما از این کتاب نقل می‌کنند و این ذوق انسان را خراب می‌کند. ما باید دنبال مصادر اولیه برویم. آنها اصطلاحات حدیثی و اصولی دارند که خیلی هم سخت نیست و تنها مقداری آشنایی می‌خواهد. بنابراین، برای رشد کار پژوهش، باید تحقیقمان جنبه اجرایی داشته باشد. هم‌چنین باید مراکزی مخصوص پژوهش باشد؛ کتاب‌های زیادی را جمع کند مثل کتاب‌خانه آیت الله مرعشی، ولی این فضا تنها کافی نیست.

متأسفانه، پس از سی سال پیروزی جمهوری اسلامی، هنوز کاری نکردیم. زمان شیخ انصاری و صاحب جواهر به گونه‌ای کار شده و الآن می‌توان به گونه دیگر کار کرد. باید از امکانات سیاسی و دولتی استفاده کرد.

باید مراکزی مخصوص پژوهش باشد و نیروهایی باشند که شیوه‌های پژوهش را برای پژوهش‌گران توضیح دهند که نیاز امروز چیست، کار دیروز چه بوده است، از کجا باید شروع کرد، چگونه شروع کرد و... .

در زمینه رجال شیعه، مصادر اولیه خیلی کم است و تنها با رجال برقی و کشی و... نمی‌توانیم معارف اهل بیت را بسنجیم؛ مثلاً شیخ طوسی در رجال خودش چند هزار نفر را آورده که چیزی در حدود یک‌دهم آن را توثیق کرده است و این، خیلی ضعف است در رجال ما. از این رو، بعد از قرن دهم، برخی از رجالیون، مثل شهید ثانی در درایه، راه‌های جدیدی یافتند که بتوانند تعداد بیشتری را توثیق کنند.

مثلاً آقای خوبی فرمود: هر کس در تفسیر علی ابن ابراهیم قمی، باشد ثقه است یا شهید ثانی که معتقد بود: مشایخ اجازه، احتیاج به توثیق ندارند؛ این کار مقدار زیادی از رجال را وارد کرد. اما وظیفه ما این است که باز برگردیم به عقب و راه‌ها را دوباره تصحیح کنیم. ما به مقتضای امانت علمی، باید همه نتایج را مطرح کنیم و باید تمام آراء با دقت بررسی شوند.

مادر پژوهش، نسبت به مجموعه کارهایی که در اسلام انجام شده، همیشه باید چهار مرحله را در نظر بگیریم: مرحله اول: بیان است؛ یعنی اینکه بگوییم چه هست و چه گفته شده است. مرحله دوم: تحلیل و آنالیز است؛ مثلاً شیخ طوسی که فرموده خبر حجت است، دیگری گفته نیست و یکی هم تفصیل قائل شده است. باید همه اینها بررسی و تحلیل شود. مرحله سوم: مرحله نقد و دلیل است و مرحله چهارم: انتخاب و اختیار است. در پژوهش‌های گذشته و حال، نقاط مثبت زیادی وجود دارد که باید مطرح شود تا بررسی شود، روش‌ها شناخته شود و نواقص هم رفع شود.

آقای شیخ جواد مغنیه برای بنده نقل می‌کرد که روزی به شیخ شلتوت گفتم: من قدرت و شجاعت شما را تحسین می‌کنم که مذهب شیعه را به رسمیت شناختید؛ نه به دلیل اینکه ما شیعه هستیم، واقعاً شهامت شما قابل تقدیر است. پس از کمی گفت‌وگو، شیخ شلتوت به من گفت: من کتاب‌های شما را در فقه و اصول خوانده‌ام و از نظر علمی استفاده کرده‌ام. به این مشایخ الأزهر هم توصیه کرده‌ام بخوانند.

ما اگر مبانی علمی خود را دقیق‌تر بررسی و مطرح کنیم، واقعاً در دنیای علم، قابل طرح هستند.

این عمق را نداشته باشند، نمی‌توانیم آنها را وارد این سازمان یا عرصه پژوهش کنیم. حوزه پس از آنکه رنگ دانشگاه را به خود گرفت، هر چند در بخش‌هایی خوب بود، ولی روح تحقیقات عمقی را از طلبه‌ها گرفت.

گذشته از طلبه‌هایی که استعدادهای فوق‌العاده دارند، بقیه باید دروس سطح را طی کرده باشند تا بتوانند وارد کار پژوهش شوند. باید بعد از گذراندن تحصیلات لازم، مطالعاتی در موضوعات مورد نیاز جامعه داشته باشند.

به نظر من، باید گروهی سازماندهی شوند و موضوعات مورد نیاز جامعه را شناسایی و روی آنها پژوهش کنند؛ مثلاً در فقه، ببیند با چه مسائلی زیادی روبه‌رو هستیم که نه در روایات به‌دست می‌آید و نه در درس خارج به اینها پرداخته می‌شود.

پژوهشی برتر است که سه شاخصه مهم داشته باشد: اول بهره‌گیری از منابع غنی، دوم: داشتن عمق نوشتاری و سوم: خلاقیت و نوآوری. البته موضوعات پژوهش هم باید به‌روز و مورد نیاز جامعه باشد و خلأها را پر کند.

اگر بخواهیم موفق باشیم، باید گروهی تحقیق کنند، موضوع‌شناسی کنند و این، جزو برنامه حوزه شود؛ در این صورت پژوهش ما مفید می‌شود.

مهم‌ترین نکته این است که محقق، مطالبی را که نقل می‌کند، خودش به آنها رسیده باشد و اگر از دیگران است، با رعایت امانت نقل کند.

چیزهای دیگری هم هست؛ مثل اینکه دست‌خوش غرور نشود، برای خدا کار کند و...



مجتهد سرکار خانم صفاتی

ابتدا برای مقدمه عرض کنم که جشنواره شما طلیعه بسیار خوب و مبارکی است برای اینکه طلبه‌های جوان را وادار کند تا در مسائل اسلامی، پژوهش کنند.

اما به نظر من، پژوهشی برتر است که سه شاخصه مهم داشته باشد: اول بهره‌گیری از منابع غنی، دوم: داشتن عمق نوشتاری و سوم: خلاقیت و نوآوری. البته موضوعات پژوهش هم باید به‌روز و مورد نیاز جامعه باشد و خلأها را پر کند. متأسفانه، بیشتر نوشتارها تکراری است؛ یعنی نوشته‌ها از جاهای مختلف چیده شده و در کنار هم قرار گرفته است. این کار برای بررسی و تتبع خوب است، ولی آن شاخصه‌هایی که عرض کردم، در این کارها کمتر دیده می‌شود.

برای نظام‌مند کردن تحقیقات و پژوهش، به سازمان و تشکیلات نیاز داریم، ولی گذشته از آن، اگر می‌خواهیم در تحقیق و پژوهش نتیجه بگیریم، باید طلبه‌های ما عمق بیشتری داشته باشند و وقتی

در پایان لازم می‌دانم نکته‌ای را به مسئولان جشنواره بگویم: اگر پژوهشگری نظر جدیدی داد، او را نکوبیم. باید اجازه ارائه دیدگاه‌ها را بدهیم، هر چند نباید کسی چارچوب‌ها را به هم زند.

در حوزه این گونه است که اگر کسی حرف جدیدی بزند، از چهار طرف فریادها بلند می‌شود. در حوزه زنان که وضع بدتر است و همین وضعیت، باعث شده است، زنان در مسائل خود سرگردان باشند. این به خاطر آن است که ما اجازه نداده‌ایم آن حرفی را که موجب تحول جامعه می‌شود، زده شود. پژوهشی مطلوب است که تحولی را در پی داشته باشد.

تشکر می‌کنیم از اینکه فرصتی را در اختیار جشنواره قرار دادید.

آقایان در حوزه کاری خود فقیرند، ولی خانم‌ها فقیرترند؛ از یک طرف، مشکلات خانواده است و از طرف دیگر، محدودیت‌های تحصیلی و امکانات کتاب‌خانه‌ای؛ مثلاً کتاب‌خانه آیت الله مرعشی، فقط روزهای تعطیل را به خانم‌ها اختصاص داده است که از این بدتر نمی‌شود؛ زیرا روز تعطیل، روز حضور خانم‌ها در منزل است. همکاری نکردن همسر، خانواده، محل کار و... همه از مشکلاتی است که خانم‌ها با آن روبه‌رو هستند. البته پیشرفت‌هایی که خانم‌ها در ایران داشته‌اند، قابل مقایسه با کشورهای دیگر اسلامی نیست.

این جشنواره، حرکت مثبتی است که طلبه‌های جوان را تشویق می‌کند به انجام دادن پژوهش‌های عمیق‌تر. همچنان که در دانشگاه هم دانشجویان زرنگ و باهوش، کارهای خود را به‌سوی جشنواره خوارزمی سوق می‌دهند تا معرفی شود و از کارشان استفاده شود.

آقایان در حوزه کاری خود فقیرند، ولی خانم‌ها فقیرترند؛ از یک طرف، مشکلات خانواده است و از طرف دیگر، محدودیت‌های تحصیلی و امکانات کتاب‌خانه‌ای؛ مثلاً کتاب‌خانه آیت الله مرعشی، فقط روزهای تعطیل را به خانم‌ها اختصاص داده است که از این بدتر نمی‌شود؛ زیرا روز تعطیل، روز حضور خانم‌ها در منزل است. همکاری نکردن همسر، خانواده، محل کار و... همه از مشکلاتی است که خانم‌ها با آن روبه‌رو هستند. البته پیشرفت‌هایی که خانم‌ها در ایران داشته‌اند، قابل مقایسه با کشورهای دیگر اسلامی نیست.



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای علیدوست

(برگزیده جشنواره فارابی سال ۸۸)

به نظر بنده، اولین شاخص پژوهش برتر، موضوع پژوهش است. باید موضوع پژوهش جدید باشد. پرداختن به موضوع کهن با همان روش کهن، آسیب بزرگی برای پژوهش است. دومین شاخص، رعایت ظوابط شناخته شده دانشی است که محقق، در آن قلم می زند؛ مثلاً کسی که در فقه پژوهش می کند، باید ظوابط آن را هم رعایت کند؛ در غیر این صورت، عرصه پژوهش او تبدیل می شود به یک فقه ژورنالیستی، لجام گسیخته، غیرمنضبط و حتی مبتذل. بنابراین، باید در پژوهش، هنجارهای هر دانشی را مراعات کرد و به بهانه نو و جدید بودن، ظوابط را کنار نزد.

شاخص سوم، مدیریت و نظم منطقی پژوهش است. متأسفانه در برخی از پژوهش ها به آنچه باید پرداخته شود، پرداخته نشده است و مطالب زاید، پررنگ و غلیظ می نماید.

شاخص چهارم، رعایت نکات نویسندگی است؛ یعنی اگر محقق می خواهد پژوهش خود را به صورت کتاب ارائه کند، باید شیوه های کتاب نویسی را هم رعایت کند. بسیاری از نوشته های ما سخنرانی است. خود مؤلف هم در ابتدا می نویسد که این مطالب، متن تدریس یا سخنرانی من در فلان جاست. وقتی سخنرانی به نوشته درآید، هرچند ویرایش هم شود، باز حالت سخنرانی را دارد. بگذارید راحت صحبت کنم: مثلاً سخنرانی شهید بزرگوار (مطهری) که در مسجد تهران داشته و محدود به قرائن حالیه و مقالیه بوده است، آن هم با سطح فکر، برداشت و محیطی متفاوت، کتاب می شود و در دست هزاران نفر قرار می گیرد. این کار درستی نیست و روشن است که اگر ایشان زنده بودند، اجازه چنین کاری را نمی دادند. اگر بخواهیم آثار شخصیت هایی مانند استاد مطهری را چاپ کنیم، باید ظوابط کتاب نویسی را در مورد آن رعایت کنیم. بنده بارها دیده ام که اشخاصی استفاده ها و برداشت های نادرست از نوشته های ایشان کرده اند و معمولاً ما توضیح داده ایم که منظور ایشان، این نبوده است.

پژوهش برتر، این است که وقتی انجام می شود، یک گام رو به جلو بردارد. محقق حلی در قرن هفتم، کتاب شرایع را نوشت. این کتاب، دوازده هزار فرع فقهی دارد.

زمانی در یکی از مدارس قم، درباره عظمت فقه و اصول، سخنرانی کردم. یکی از طلبه های سال پنجم یا ششم، پیش من آمد و گفت: من از آقای مطهری شنیدم که فرمود: وقتی برای تدریس به تهران رفتم، متوجه شدم آنچه در حوزه خوانده ام به درد نمی خورد و آنچه لازم دارم، نخوانده ام. بنده به آن طلبه گفتم: جن و انس قبول دارند که ایشان در

اگر بگوییم که فقها کم زحمت کشیده‌اند، بی‌انصافی است، ولی با تمام زحماتی که کشیده‌اند، خیلی کار مانده است.

به نظر من، ده درصد کار، انجام شده و نود درصد، باقی مانده است. ولی محققان جوان و اساتید پرتوان امروز، واقعاً کار کرده‌اند. اگر شما کتاب‌های گذشته را درباره یک موضوع جمع کنید و موارد تکراری را حذف کنید، شاید دو صفحه هم باقی نماند. ما در همین سی سال، محققانی داشته‌ایم که این‌گونه بحث‌ها را به ۴۰۰ یا ۵۰۰ صفحه رسانده‌اند؛ چون صدها سؤال مطرح شده و حتی شکل پاسخ‌ها هم فرق کرده است.

یکی از مشکلات، عدم مقتضی است تا مانع؛ یعنی پژوهشگر فکر کند که دیگران، همه راه‌ها را رفته‌اند و کارها انجام شده است و باور نداشته باشد که برای پژوهش، زمینه وجود دارد.

مسئله دیگر، ساده‌انگاری کار است. غربی‌ها عادت‌های بد زیادی دارند، اما عادت‌های خوب زیادی هم دارند. اگر دانشجوی غربی، کتابی را در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بنویسد، از دو هزار منبع استفاده می‌کند و بیست سال عمر خود را روی آن می‌گذارد؛ در حالی که موضوعات برخی از محققان ما، روان شناسی اسلامی یا اقتصاد اسلامی است و این، یک دانش است نه موضوع تحقیق یا پایان نامه.

نمونه دیگر از مشکلات ساده‌انگاری این است که محققان ما می‌خواهند در یک زمان، چندین پژوهش داشته باشند. از معجزات کشور ما این است که همه انسان‌ها به درد همه کارها می‌خورند؛ مثلاً استاندار، مدیر کل بهداشت می‌شود و بعد از مدتی، وزیر نفت می‌شود و... این

دانشگاه، موفق بود. ولی اگر ایشان مستقیم از فریمان به تهران می‌رفت و در دانشگاه تدریس می‌کرد، بدون اینکه ابتدا به حوزه بیاید، آیا باز هم موفق بود؟ اگر جواب منفی است، قطعاً این توان و دانش را حوزه به ایشان داده است.

جمع‌آوری سخنرانی بزرگان و تبدیل به کتاب، کار خوبی است. انسان باید منصف باشد. کسانی که این کار را کرده‌اند، واقعاً خدمت کرده‌اند، ولی این خدمت، این آسیب را هم داشت و می‌شد که از این آسیب در امان می‌بود.

پنجمین شاخصه برای پژوهش برتر، این است که وقتی انجام می‌شود، یک گام رو به جلو بردارد. محقق حلی در قرن هفتم، کتاب شرایع را نوشت. این کتاب، دوازده هزار فرع فقهی دارد. علامه به این دوازده هزار فرع فقهی تکیه زد و کتاب تذکره را نوشت که نزدیک به پنجاه هزار فرع فقهی دارد؛ یعنی در این مقطع، یک‌بار به بخش فروع احکام فقهی را به جلو هل داد.

این را باید به تمام پژوهش‌ها، چه از طریق زیاد کردن فروع، چه با نگاه کردن جدید به مسئله و چه با دادن نظم جدید به بحث، تعمیم داد. **وقتی پژوهش انجام می‌شود، تا مدتی نباید کسی بتواند مطلب جدیدی بیاورد.**

طلبه‌ها در آغاز راه پژوهش، برای پژوهش‌آموزی با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟ آیا باید پژوهش را آموزش داد؟ اجازه بدهید این سؤال را با پرداختن به آسیب‌ها و مشکلات پژوهش، پاسخ دهم. یکی از مشکلات، عدم مقتضی است تا مانع؛ یعنی پژوهشگر فکر کند که دیگران، همه راه‌ها را رفته‌اند و کارها انجام شده است و باور نداشته باشد که برای پژوهش، زمینه وجود دارد.

من معتقدم که هیچ‌گاه، هیچ دانشی به انتها نمی‌رسد، حتی درصد کار انجام شده، بسیار پایین هم است.

خود. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الانصاف افضل الفضایل»

نکته دیگر که بسیار ناپسند است، این است که پژوهشگری، کلامی را از دیگری بگیرد و مثلاً «است» را «هست» کند یا «کرد» را «نماید» کند و آن را به نام خودش ثبت کند. اگر ما کلامی را از شاگردمان هم گرفتیم باید بنویسیم که این نکته را از رساله فلانی گرفتم که استاد راهنمایش هم خودم هستم. آقای علیدوست، تشکر می‌کنیم از اینکه فرصتی را در اختیار جشنواره قرار دادید.

نشان می‌دهد که کشور ما پر از نابغه است، ولی روی دیگر سکه این است که ما کار را مسخره کردیم. فکر می‌کنیم چون مدیری جایگاهی را خوب اداره کرده است، در جایگاه‌های دیگر هم موفق است.

به این کلام شیخ بهایی باید توجه کرد که فرمود: «با هر عالم ذی فن واحدی بحث کردم، شکست خوردم، ولی با هر محقق ذی فنونی بحث کردم، برنده شدم.» از جمله وظایف جشنواره شما این است که تراث و میراث گذشتگان را عرضه و مطرح کند و نسل امروز را با آن مرتبط کند.

نکته دیگر این است که باید در نقد پژوهش، ادب را رعایت کنید. متأسفانه گاهی در نقد پژوهش‌ها می‌بینیم که طرف، داوری ارزشی می‌کند؛ یعنی به جای اینکه بگوید این کلام، سست و بی‌بنیان است، می‌گوید صاحب این سخن، فکری آغشته دارد.

اگر ما کلامی را از شاگردمان هم گرفتیم باید بنویسیم که این نکته را از رساله فلانی گرفتم که استاد راهنمایش هم خودم هستم.

چند روز پیش مقاله‌ای می‌خواندم که نویسنده حرف نامربوطی زده بود و نقادی، سابقه بد نویسنده را برملا کرده بود که مثلاً شما در فلان جا چنین سابقه‌ای داشته‌اید؛ اینکه ادب نقد نیست! نکته دیگر این است که وقتی شما می‌خواهید حرف کسی را نقد کنید، ابتدا خوب نقل کنید. استاد مطهری حرف مخالفان را بهتر از خودشان بیان می‌کرد. برخی از مخالفان گفته بودند که ما حرف خودمان را از زبان استاد بهتر می‌فهمیم تا از زبان هم‌اندیشان



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر میر معزی (برگزیده جشنواره فارابی سال ۸۸)

ما ابتدا باید ببینیم که پژوهش چیست. پژوهش، به معنای پاسخ علمی به پرسش‌هایی است که علمای پیشین، پاسخ آن را نداده باشند. در اثر هر پژوهش، باید مرزهای دانش تکان بخورد و تولید فکر شود. اگر کتاب یا مقاله‌ای، مرزهای دانش را نسبت به مطالعات پیشین، جلو نبرده باشد، پژوهش نیست، در واقع تدوین مطالب دیگر است.

حالا به این سؤال می‌رسیم که پژوهش برتر کدام است. مهم‌ترین اصل این است که پژوهش، چه پرسشی را پاسخ می‌دهد و اهمیت آن سؤال و پرسش، چقدر است. این تعیین می‌کند که کدام پژوهش، برتر است.

دوم اینکه پژوهشی برتر است که برای پاسخ به پرسش، روشی قوی و درست داشته باشد؛ مثلاً این درست نیست که کسی در پژوهش یک سؤال تجربی، روش عقلی به کار برد.

نکته سوم، در خصوص مواد استدلال است. پژوهشی برتر است که از برهان و استدلال قوی‌تری استفاده کرده باشد. این سه شاخصه، شاخصه‌های برتر یک پژوهش است. اما پژوهش برتر، یک سری شاخص‌های فرعی هم دارد: پژوهشی که در بررسی پیشینه و ادبیات بحث، گسترده و به‌طور کامل عمل کرده، برتر از پژوهشی است که به صورت استقرای ناقص کار کرده است. دومین شاخص فرعی، چینش درست و منطقی مطالب است و سومین شاخص، گستردگی منابعی است که پژوهشگر از آنها استفاده کرده است.

چهارمین شاخص، نقد افکار سابق در پژوهش است. پژوهشی که دیدگاه‌های پیشین را نقد کرده، نسبت به پژوهشی که نقد ندارد، امتیاز بالاتری دارد.

مهم‌ترین اصل این است که پژوهش، چه پرسشی را پاسخ می‌دهد و اهمیت آن سؤال و پرسش، چقدر است. این تعیین می‌کند که کدام پژوهش، برتر است.

قدیم که مقام معظم رهبری به قم آمده بودند، همه نهادهای پژوهشی استان، نمایشگاهی را در مجتمع امام تشکیل داده بودند و محصولات پژوهشی خود را آورده بودند. یکی از نکاتی که آقا به آن اشاره کردند، این بود که ما باید نظامی هماهنگ و منسجم به نهادهای پژوهشی بدهیم تا کارها بدون تکرار باشد و موجب هدر رفتن وقت، نیرو و سرمایه‌ها نشود. ولی متأسفانه، هم‌چنان این موازی‌کاری‌ها و بی‌اطلاعی نهادهای پژوهشی از هم، وجود دارد؛ مثلاً پژوهشگاه ما در کنار پژوهشگاه‌هایی چون: حوزه و دانشگاه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مرکز پژوهش‌های دفتر تبلیغات است و از تلاش‌های هم، چندان خبری نداریم.

باید یک مرکز مافوقی، نهادهای پژوهشی را سازماندهی کند که این کار، بسیار مشکل است.

فرض کنید، نظام نیازسنجی باشد، چه کسی باید تصمیم بگیرد که کدام پژوهشگاه به کدام نیاز پردازد؟ مثلاً وزارت علوم، ابزارهای دارد که می‌تواند دانشگاه‌ها را در کل کشور، جهت‌دهی و سازمان‌دهی کند. مرکز مدیریت حوزه هم باید چنین ابزارهایی را داشته باشد تا بتواند پژوهشگاه‌های مختلف را جهت‌دهی کند و از هدررفتن سرمایه، نیرو و تداخل قوای پژوهشی، جلوگیری کند.

قبل از آنکه پژوهشگر، حداقل اطلاعات لازم را برای پژوهش در رشته‌ای به دست نیاورده است، نباید پژوهش کند، ولی روش پژوهش را باید یاد بگیرد.

ما دو نوع پژوهش داریم: علمی و تکنیکی. از نظر علمی، پژوهشگر باید روش پژوهش را بداند؛ یعنی اینکه پژوهش را از کجا آغاز کند، چگونه ادامه دهد، به چه صورت تمام کند. علوم عقلی، تجربی و انسانی، هر کدام روشی جداگانه دارند. ولی تکنیکی، مانند مهارت استفاده از کامپیوتر است؛ زیرا کامپیوتر، ابزاری است که به پژوهش، سرعت و عمق می‌دهد. امروزه کسی محقق است که اگر خواست مطلبی را ارائه کند، هزار کتاب را در آن زمینه جست‌وجو کرده باشد. هرچند در بعضی از رشته‌ها مانند علوم انسانی اسلامی یا اقتصاد اسلامی، این ابزار را نداریم، ولی چنانچه در رشته‌های دیگر، محقق نتواند از این ابزار استفاده کند، یک محقق کامل نیست.

نکته دیگر اینکه در دنیای کنونی، مرزهای دانش مفهوم ندارد؛ زیرا ابزارهایی هستند که طی چند ثانیه، فکرها را به همه جای دنیا انتقال می‌دهند. بنابراین، کسی که به زبان انگلیسی و عربی آشنا نیست، محقق نامیده نمی‌شود؛ چون نمی‌تواند اندیشه‌هایی را که طی چند ثانیه در دسترس قرار می‌گیرند، بررسی و تحلیل کند.

قبل از آنکه پژوهشگر، حداقل اطلاعات لازم را برای پژوهش در رشته‌ای به دست نیاورده است، نباید پژوهش کند، ولی روش پژوهش را باید یاد بگیرد. معمولاً زمان آغاز پژوهش برای دانشجوی، بعد از لیسانس و برای طلبه‌ها بعد از تمام شدن دروس سطح و ورود به درس خارج است؛ درحقیقت، خود درس خارج نوعی تمرین پژوهشی با استاد است؛ مثلاً وقتی استاد می‌گوید در این بحث پنج قول وجود دارد، طلبه باید پیش از آن پژوهش کرده باشد و این پنج قول را دیده باشد یا در آینده با پژوهش به آنها برسد. اگر قواعد شرکت در درس خارج درست رعایت شود، طی ۵ یا ۶ سال، مجتهد می‌شود. مجتهد کسی است که می‌تواند در فقه، به‌طور مستقل و روش‌مند، پژوهش کند و سؤال‌های فرعی فقهی را پاسخ دهد.

سال‌ها پیش رهبر معظم انقلاب اشاره به نهضت تولید علم یا نهضت نرم‌افزاری داشتند؛ اگر ما بخواهیم این نهضت را ترجمه کنیم باید به حوزویان و دانشگاهیان بگوییم: در زمینه‌ای که نظام دینی به آن نیاز دارد، تولید فکر کنند.

این جشنواره، دو اثر مهم دارد: اول نهادینه کردن و فرهنگ‌سازی پژوهش در بین جوانان و دوم، شناخت استعدادهای پنهان که قدرت پژوهش بالایی دارند.

چرا الآن بحث علوم انسانی اسلامی مطرح است؟ زیرا فرآیندهای نظام‌دینی، بر اساس علوم انسانی اسلامی تعریف می‌شود و جلو می‌رود، نه براساس علوم انسانی غیردینی.

این جشنواره، دو اثر مهم دارد: اول نهادینه کردن و فرهنگ‌سازی پژوهش در بین جوانان و دوم، شناخت استعدادهای پنهان که قدرت پژوهش بالایی دارند.

یک نهضت علمی قرار گیرد و در فضای علمی روز سخن بگوید. و نکته پایانی اینکه در فرهنگ اسلامی، پژوهشی برتر است که در مسیر تقوا و عبودیت پروردگار باشد. ما در اسلام، علم را برای علم نمی‌آموزیم، بلکه غایت آن، قرب به خداوند است. پژوهش، زمانی در جامعه نظام‌مند می‌شود که آینه آن شفاف باشد؛ یعنی اطلاع‌رسانی جامعه ما روشن باشد؛ برای این کار، باید نوعی ابزارهای اطلاع‌رسانی در اختیار پژوهش‌گرانمان قرار دهیم.

در فرهنگ اسلامی، پژوهشی برتر است که در مسیر تقوا و عبودیت پروردگار باشد. ما در اسلام، علم را برای علم نمی‌آموزیم، بلکه غایت آن، قرب به خداوند است.



حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا بهروز لک (مدیر پژوهشکده انتظار نور)

اولین شاخصه پژوهش برتر، این است که ما مسئله‌محور باشیم؛ در فرآیند مسئله‌یابی، اطلاعات انبوه غربال و تعارض‌های موجود، شناسایی می‌شود.

شاخصه دیگر پژوهش علمی این است که بین‌الذهانی باشد؛ یعنی پژوهش‌گر، به معلومات خودش اکتفا نکند و بدون توجه به مطرح بودن یا نبودن مسئله برای دیگران، به شرح و تفسیر و تحقیق نپردازد.

سومین شاخصه پژوهش علمی این است که ناظر به نیازهای زمان باشد؛ زیرا ممکن است بسیاری از خلأها و مسئله‌های ذهنی، مسائل روز نباشد.

ویژگی دیگر این است که به تولید دانش منجر شود، در راستای

هم‌چنین باید وظیفه انجمن‌های علمی حوزه یا دانشگاه‌هایی که به شکلی در درون حوزه شکل می‌گیرد، آن باشد که این پژوهش‌ها را جهت‌دهی کند؛ زیرا پژوهشی نظام‌مند است که جهت‌دار باشد. برای این کار باید **نخبگان هر علم، نیازهای جامعه را شناسایی کنند. اگر این کار صورت پذیرد، پایان‌نامه‌های حوزه جهت‌دار خواهد شد.**

یکی از مهارت‌های مهم، روش تحقیق است؛ مراد ما از روش تحقیق، تکنیک‌ها و روش‌های مشترک همگانی تحقیق است؛ مثلاً دانستن شیوه پاراگراف‌بندی در متن.

مهارت بعدی، روش‌شناسی است. **روش‌شناسی، ارزیابی اعتبار و ارزش روش‌های موجود در علم است. این نگاه درجه دو به علوم است؛** برای مثال، بررسی فلسفه فقه یا چگونگی تحول فقه و... از مطالعات درجه دوم است. اخیراً برخی از دوستان زحمت کشیده‌اند و حتی فلسفه را دنبال کرده‌اند؛ یعنی خارج شدن از فلسفه و نگاه کردن از بیرون، به آن.

شکل نگرفته‌اند و تبلیغات لازم هم برای جشنواره علامه حلی نشده است، خیلی شناخته شده نیست. شاید جشنواره شیخ طوسی، تأثیرات بیشتری را در سطح عمومی طلاب خارجی، داشته باشد. **من فکر می‌کنم اگر قدم‌های آغازین محکم‌تر برداشته شود و تبلیغات بیشتری شود، تأثیر گذارتر خواهد بود.**

اخلاق در پژوهش، امانتداری آن است؛ یعنی رعایت امانتداری در ذکر مطلب. هم‌چنین رعایت این نکته که در برخوردهای نقادانه، انتقاد به منظور تخریب نباشد.

مشکل عمده‌ای که به نوعی دامان پژوهش‌گران و حوزویان ما را می‌گیرد، این است که مراکز تخصصی، هیئت علمی ندارند. این مشکل، باعث می‌شود که پژوهش‌ها ساماندهی نشود.

بنده سال ۶۶ وارد قم شدم. در آن سال، امام بسیار تأکید می‌کردند که حوزویان، باید دروس تخصصی را زنده کنند. به دلیل نگرشی که امام به ما القا کرده بود، با پژوهشگاهی که در زمینه علوم سیاسی، کتابخانه‌ای سازمان یافته داشت، آشنا شدم و از همان جا شروع به کار کردم.

مشکل عمده‌ای که به نوعی دامان پژوهش‌گران و حوزویان ما را می‌گیرد، این است که مراکز تخصصی، هیئت علمی ندارند. این مشکل، باعث می‌شود که پژوهش‌ها ساماندهی نشود.

یکی از رشته‌های شکل گرفته در جامعه علمی امروز، آینده‌پژوهی است. گفته‌اند که این آینده‌پژوهان هستند که به تولد علم کمک می‌کنند. برای اینکه، آینده‌پژوهی خوبی داشته باشیم، باید پژوهش‌گران را انتخاب و حوزه‌های خاصی که در آنها نوآوری می‌شود را برجسته کنیم. آینده‌پژوهی، یعنی اینکه با این فرآیندها و قانون‌مندی‌های موجود، پنج سال آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

به نظر من، اگر پژوهش‌های خود را با نیازهای موجود متناسب کنیم، آینده‌پژوهش حوزه را به‌طور جدی، سامان می‌بخشیم. از آنجا که هنوز مراکز تخصصی و پژوهشی حوزوی، خوب

ضرورت موضوع، رعایت روش تحقیق، استفاده از منابع خوب و ساختار خوب، شایستگی خود محقق برای آن تحقیق و مخاطب شناسی درست. پژوهشی استاندارد است که این معیارها در آن رعایت شده باشد.

اول اینکه در یادسپاری مطلب، کمک زیادی می کند.

طرح مناسب، ضرورت موضوع، رعایت روش تحقیق، استفاده از منابع خوب و ساختار خوب، شایستگی خود محقق برای آن تحقیق و مخاطب شناسی درست. پژوهشی استاندارد است که این معیارها در آن رعایت شده باشد.



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای رضا اسلامی

وضعیت پژوهش ما نسبت به گذشته بهتر است. حوزه در گذشته، کارهای تحقیقی و پژوهشی مطلوبی داشته است، ولی ما در نشر آن، چندان موفق نبوده ایم. در این دوره، محققان، بیشتر تلاش می کنند تا موضوعات جدید و مسائل روز جامعه را پیدا کنند و تحقیقات خود را در آن موضوعات، عرضه کنند که البته بزرگان حوزه، در بیست سال گذشته، در عموم رشته های علمی، پژوهش های خوبی انجام داده اند. خوشبختانه در سال های اخیر، به کمک گروهی از طلبه های لبنانی و عراقی، نهضت ترجمه به راه افتاده و مشکل ترجمه این پژوهش ها نیز حل شده است. بنده دو علت را عامل این تحرک پژوهشی در کشور می دانم: اول اینکه با سفارش رهبر معظم انقلاب، یک جریان پژوهشی در سراسر کشور به راه افتاد و دوم، مسئله تأمین بودجه است. شاخصه های یک پژوهش برتر، عبارتند از: طرح مناسب،

دوم: باعث تمرکز علمی در مطلب می شود.

سوم: به محقق روحیه نقدپذیری و وسعت نظر می دهد و او را از تنگ نظری و تعصبات بی جا دور می کند.

چهارم: باعث مهارت نویسندگی می شود.

پنجم: پژوهشگری، کمک به نشر علم است.

ششم: در شناخت مشکلات و نقاط کور مباحث، کمک می کند.

هفتم: باعث شناخت تاریخ هر علم و هر بحثی می شود.

هشتم: پرونده علمی هر بحث، تکمیل و بارور می شود.

نهم: باعث گسترش فرهنگ مکتوب هر علم می شود.

دهم: **عرضه هر پژوهش، سندی است برای سنجش ارتقای علمی هر مرکز.**

یازدهم: موجب شناخت منابع بیشتر می شود.

دوازدهم: هر پژوهش، قوه نقادی و قدرت تحلیل پژوهشگر را، که لازمه هر تحقیقی است، بالا می برد.

سیزدهم: مایه نشاط علمی در فضاها می است؛ زیرا فرد، از

شنونده‌ای منفعل، به محقق‌ی فعال در می‌آید. چهاردهم: موجب تقویت قوه ابتکار و نظریه‌پردازی می‌شود. پانزدهم: کمک می‌کند تا ذهن انسان، نظام‌مند، طراح و ساختار آفرین شود.

شانزدهم: پژوهش با تقویت جایگاه‌شناسی مباحث علمی، رشته‌های میان علمی را هم‌شناسایی می‌کند.

هفدهم: باعث نظم و انسجام بخشیدن به دستاوردهای مختلف یک علم می‌شود؛ یعنی با چینش هنرمندانه مطالب به دست آمده از منابع گوناگون، نتیجه‌ای مناسب می‌گیرد.

هجدهم: تحقیق، باعث کشف ارتباط‌های علوم با یکدیگر می‌شود.

نوزدهم: تولید علم می‌کند.

بیستم: دست‌مایه‌های تبلیغی را تقویت می‌کند.

اول اینکه پژوهشگران، باید بایسته‌های پژوهشی را در نظر گیرند؛ یعنی به سمت وسویی حرکت کنند که درد جامعه را دوا کنند و این، با راهنمایی اساتید آن فن، به نتیجه می‌رسد. به نظر من، هفتاد درصد کار به عهده اساتید و سی درصد، به عهده پژوهشگر است؛ زیرا پژوهشگر، مثلاً با مشورت استاد پی می‌برد که به خاطر تولید زیاد فیلم‌های طنز صداوسیما باید به احکام طنز پرداخته شود.

دوم، قرار گرفتن در چارچوب ملاک‌های علمی تحقیق است. ما می‌توانیم در این زمینه دو کار انجام دهیم: یکی اینکه پژوهش‌های خودمان را در چارچوب ملاک‌های خارجی قرار دهیم. دوم اینکه خودمان چارچوب دیگری تعریف کنیم و نشان دهیم که ملاک‌های آنها ارزش واقعی علمی تحقیق را نشان نمی‌دهد. با در نظر گرفتن این ملاک‌ها، دست کم می‌فهمیم که از نظر خودمان پیشرفت کرده‌ایم. هر چند می‌توانیم در چارچوب دیگران هم نمره خوبی بگیریم و این، بد نیست.

برای انجام دادن چنین پژوهش‌های، شرط اول، برقراری ارتباط است؛ یعنی باید مراکز مختلف، مشکلات خود را بیان کنند تا موضوع‌شناسی شود، سپس در حوزه و دانشگاه، روی آن موضوعات تحقیق شود.

برای برقراری این ارتباط و طرح موضوع، یا باید دستگاه‌هایی که درگیر مسائل اجرایی هستند، سؤال‌ها و مشکلات خود را به ما برسانند یا باید با مدیران دستگاه‌های قضایی، بیمارستان‌ها، بازار بورس، نظام بانکداری و... نشست‌های علمی گذاشته شود.

بخشی از این آفات مربوط به روحیات اخلاقی پژوهشگر است؛ مثل خودبزرگ بینی یا خودکوچک بینی. هم‌چنین آوازه‌طلبی گاهی

خودمان چارچوب دیگری تعریف کنیم و نشان دهیم که ملاک‌های آنها ارزش واقعی علمی تحقیق را نشان نمی‌دهد. با در نظر گرفتن این ملاک‌ها، دست کم می‌فهمیم که از نظر خودمان پیشرفت کرده‌ایم.

اوقات از دگراندیشی سر درمی‌آورد؛ یعنی خلاف همه حرف زدن، به منظور نامی شدن. شتاب‌زدگی، تقلید، پرادعایی، گرافه‌گویی، شخصیت‌زدگی، خودشیفتگی، ستیزه‌جویی و خودمحوری، همه از آفات‌هایی است که به فراخور قوت و ضعف، در پژوهش، خودنمایی می‌کنند؛ مثلاً خودستایی در پژوهش این‌گونه است که پژوهشگر، سخنان بزرگان را بیاورد و سپس با حمله و نقد گفتارش، بخواهد بفهماند که من بهتر می‌فهمم و این، باعث تنفر خواننده از پژوهش و پژوهشگر می‌شود.

انگیزه‌های اقتصادی، یکی دیگر از آفات پژوهشی است؛ برای مثال: کسی که به خاطر کم بودن شهریه، در این عرصه قدم می‌گذارد، کارش از همان ابتدا خراب می‌شود.

تأثیر فضاهای سیاسی و اجتماعی هم، باعث جوزدگی، شتابزدگی و ادا نکردن حق مطلب می‌شود. از آفت‌های دیگر، جمع کردن شواهد یک‌طرفه، در اثبات مطلب است و این، پژوهش را بی‌ارزش می‌کند؛ زیرا از همان ابتدا مشخص است که محقق، تیری را نشانه گرفته تا به هدف نشاند. **یکی دیگر از آفت‌های پژوهش، پرداختن به اموری است که هیچ فایده‌ای برای جامعه ندارد. در دعا‌های ما هم سفارش شده است که "اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع".**

وسواس علمی و سرقت علمی هم از آفات دیگر پژوهش است که اولی، مانع ارائه پژوهش و دومی هم خیانت در امانت و هدر دادن زحمات دیگران است. و یکی اینکه استاد ناظر پژوهش کم است و دیگر اینکه در معرفی موضوعات مناسب، مشکل داریم که باز این مشکل به دست استادان حل می‌شود.

من می‌گویم که باید گروهی از اساتید را به سمت پژوهش سوق دهیم و به آنها جایگاه بدهیم. مشکل اساسی این است که قدر پژوهشگر دینی را نمی‌شناسیم و گمان می‌کنیم که هر کس تدریس می‌کند، می‌تواند تحقیق ارائه کند، درحالی که برخی از اساتید، استاد علم نیستند، استاد کتابند و این گونه نیست که بتوانند تحقیق و پژوهش کنند.

مشکل دیگر برخی از جشنواره‌ها این است که می‌خواهند خود را معرفی کنند، درحالی که باید محققان معرفی شوند و سازمان‌ها و جشنواره‌ها فدای محقق شوند.

برای سطح‌های پایین می‌توان به شکل‌های مختلف، کارهای پژوهشی انجام داد؛ مثلاً تهیه گزارش علمی از یک

نشست، نقد یک کتاب، تطبیق رأی دو دانشمند در یک پژوهش یا دیدگاه‌های دو شخصیت علمی، تهیه گزارش از تطورات یک بحث؛ مثلاً چندین کتاب را بخواند و بررسی کند که آیا در قرن دهم هم استصحاب به همین معنای امروزی به کار می‌رفته یا خیر. البته برای انجام دادن این تحقیق‌ها باید ابزارهایش را هم تولید کنیم؛ برای مثال، اشتیاق و علاقه خود محقق، یکی از این ابزارهاست. ابزار دوم، روحیه حقیقت‌جویی و نقدپذیری است. سومین ابزار، زبان و لغت است؛ روشن‌فکران، کتاب‌هایی به زبان عربی در کلام جدید نوشته‌اند که طلبه‌ها نمی‌توانند از آنها استفاده کنند. چهارمین ابزار، منبع‌شناسی قوی است.

از ابزارهای دیگر تحقیق، می‌توان اشاره کرد به: طرح تحقیق، اشراف علمی، مخاطب‌شناسی و سؤال‌پردازی.

در جشنواره‌ها از کارشناسان خوب استفاده نمی‌شود؛ از آن جهت که زمان جشنواره‌ها کم است، داوری‌ها دقیق صورت نمی‌گیرد.

اگر فردا طلبه‌ای پرسید: به چه دلیل تحقیق مرا انتخاب نکردید، شما باید بتوانید جواب ارزیابی عادلانه‌ای به او نشان دهید.

مشکل عمده برخی جشنواره‌ها این است که نه ارزیابی‌ها شفاف است و نه جوایز، در شأن طلبه‌ها.

مشکل دیگر برخی از جشنواره‌ها این است که می‌خواهند خود را معرفی کنند، درحالی که باید محققان معرفی شوند و سازمان‌ها و جشنواره‌ها فدای محقق شوند.

مشکل دیگر این است که مثلاً وزیر ارشاد یا فلان وزیر را دعوت می‌کنند و او هم نیم‌ساعت سخنرانی می‌کند که هیچ فایده‌ای هم ندارد. کسانی که جمع شده‌اند، با مسئول اجرایی جشنواره کاری ندارند، او اگر نخبه بود که مقاله ارائه می‌کرد، آنها با برگزیده جشنواره کار دارند و باید حرف او را بشنوند.

پژوهش است.

آقای دکتر، همانگونه که فرمودید: مباحثه، یک مهارت ویژه‌ای است که در حوزه وجود دارد. اگر ممکن است، به مهارت‌های دیگر پژوهش هم اشاره‌ای داشته باشد.

زمانی که در حوزه مشغول درس خواندن بودم، بعد از تدریس استاد، مباحثه می‌کردیم و حواشی بحث را هم می‌دیدیم. هنر ما هم تنها فهمیدن درس استاد بود یا در نهایت زحمتی که می‌کشیدیم، اشکالی بود که به بحث وارد می‌کردیم. در عین حال، با آن روش کندی که در مطالعه دروس حوزه وجود دارد؛ مثل مکاسب و شرح لمعه که خواندن آن چندین سال طول می‌کشد، اولین کار پژوهش بنده در دانشگاه بود که رنگ حوزوی داشت.



جناب آقای دکتر مجد

با توجه به اینکه دامنه پژوهش، از دو زمینه متن و موضوع خارج نیست اصلی‌ترین شاخصه پژوهش، موضوع آن است. برای انتخاب موضوع مناسب باید دید که این پژوهش، چه نتیجه‌ای در بر دارد و چه مشکلی را از جامعه برطرف می‌کند؛ آیا می‌تواند افکار یا افق دیدی را تغییر دهد یا الگوها و رفتارهای جامعه را اصلاح کند یا خیر؟

دومین شاخصه، روش‌مند بودن پژوهش است. متأسفانه در حوزه، چندان به بحث روش‌ها پرداخته نشده است.

به‌طور طبیعی، هر کس در مطالعات خود، به بخشی از محتوا توجه می‌کند و به بخشی دیگر، بی‌توجه است، اما وقتی این کار به صورت جمعی اتفاق می‌افتد، نتیجه بهتری گرفته می‌شود. از این رو، باید گروهی جمع شوند و بحث‌های مورد پژوهش، به صورت مباحثه، ارائه و نقد شود.

آنچه لازمه پیمودن این راه صعب و دشوار است، نظام‌مند بودن

اگر بخواهید پژوهش را در حوزه به جریان در آورید، ابتدا باید برای نظام آموزش حوزه برنامه‌ریزی کنید.

برای کارشناسی ارشد که به مبانی فقه اسلامی تغییر رشته دارم، تازه احساس کردم که می‌توانم استنباط کنم.

منظورم این است که سیستم آموزش حوزه این امکان را به من نمی‌داد که بتوانم پژوهش کنم و تنها یک گیرنده خوب بودم.

اگر بخواهید پژوهش را در حوزه به جریان در آورید، ابتدا باید برای نظام آموزش حوزه برنامه‌ریزی کنید. در سیستم آموزشی

حوزه، از طلبه پژوهش خواسته نمی‌شود. در مراکز علمی دنیا، هرچه به مدارج بالاتر می‌رسند، افراد کمتر می‌شوند؛ چون

پژوهش توسعه پیدا می‌کند. یعنی اگر در کارشناسی ۴۰ نفر باشد، در دکترا ۳ نفر است. برعکس حوزه که در کلاس‌ها جمعیت کم،

ولی نفرات سطح خارج زیاد است. در این صورت، نه شاگرد با استاد

تعامل خوبی دارد و نه استاد می‌تواند از شاگرد، پژوهش بخواهد.

در پژوهش حوزه، از آن‌جا که با متن عربی روبه‌رو هستیم، ادبیات نقش زیادی دارد. اگر فردی در زمینه‌ی ادبیات تسلط نداشته باشد، به‌طور قطع در پژوهش‌های حوزوی موفق نخواهد بود، زیرا می‌خواهد به متنی استدلال کند که در اوج فصاحت است. ولی با وجود مطالعه‌ی زیاد، قدرت استدلال ندارد.

در روش‌های پژوهشی، اصلی‌ترین جنبه، جنبه‌ی اخلاقی است؛ زیرا ممکن است که انسان با هر نوع انگیزه‌ای، فیزیکدان یا شیمیدان شود، ولی در حوزه دینی، نه به فهم نائل می‌شود و نه پژوهش ارزشی دارد.

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس

ورنه هر کور ورقی خواند، معانی دانست

حضرت علی (علیه‌السلام) در نامه ۳۱ به امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: **فاذا أيقنت ان قد صفا قلبك فخشع** یعنی فرزندم! زمانی که دلت خاشع شد، آنگاه در مطالبی که گفتیم، نظر کن. حضرت شرط اساسی تعمق و تأمل در کلامشان را صفا و خشوع قلب ذکر می‌کند، یا می‌فرماید: کلام ما وجهی دارد و کسی به فهم آن نائل نمی‌شود، مگر اینکه به طور انسانی انگیزه کند. بنابراین، اولین نکته در اخلاق این است که انسان، هدف‌گرا نباشد و اندیشه‌اش، حاکم بر انگیزه‌اش باشد؛ یعنی هر کس با پیش فرضی که دارد، وارد عرصه پژوهش می‌شود.

نکته‌ی مهم این است که بودن پیش فرض، مسأله‌ای است و نبودن آن، مسأله‌ی دیگر.

به قول غربی‌ها: یک بک گراند دارم و نباید آن را داخل تحقیق قرار دهم. تربیت یعنی همین. تربیت تحقیق این است که **محقق، فرض ذهنی خودش را در تحقیق داخل نکند. خیلی از**

حقیقت‌گراها را دیده‌ام که با علاقه‌ی قلبی، افق دید خود را تغییر داده‌اند.

داستان نزح دلای علامه حلی معروف است.

فقها نظرشان این بود که اگر موشی در چاه خانه بیفتد و نجس شود، باید آن قدر از آن چاه آب بکشی تا پاک شود. پاک شدن چاه با نزح دلای بود. روزی در چاه علامه حلی نجاست می‌افتد. علامه پس از تحقیق می‌بیند که این کار مستحب است، ایشان چاه خانه‌اش را پر می‌کند و می‌گوید: به خاطر چاه خانه‌ام تحقیق کردم. از این‌رو، دوباره تحقیق می‌کند و سپس فتوا به استحباب می‌دهد.

خوشبختانه در عصر حاضر، خیلی مشکلات برداشته شده است.

به اعتقاد من، تنها مشکل، ندانستن روش پژوهش است.

در گذشته پیش آقای رسائل می‌خواندم. یک بار به من گفت: دیشب بیدار بودم تا مدارک این حدیث را پیدا کنم ولی الآن طلبه با یک دکمه پیدا می‌کند.

اگر ما بخواهیم انگیزه‌ی پژوهش را در طلبه‌ها ایجاد کنیم، راهی نیست جز این که از طریق سیستم آموزشی و استاد انجام شود؛ همان‌طور که در تمام مراکز دنیا این‌گونه است.

به نظر من، باید در پژوهش‌های حوزه به دو مطلب توجه شود. یکی این که روش مند کار کنیم. کتاب‌های تفسیر و شرح‌های گذشته را ببینید؛ مثلاً شرح بیست جلدی نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید که دو جلدش شرح و بقیه‌اش زائد است؛ چون روش مند کار نکرده است، یا این که در حوزه‌ی شرحی بر مثنوی مولوی نوشته شده است که ادیبان هم به آن نرسیده‌اند، ولی از آن‌جا که

روش مند نیست، به طور مطلوب پذیرفته نشده است. با مثالی ساده عرض کنم: خورشت قیمه، شامل لپه، گوشت، لیموآمانی و... است، اما اشتهای انسان در برابر همه خورشت‌های قیمه یکسان نیست؛ زیرا بعضی‌ها نتوانسته‌اند آن را خوب بپزند.

هم‌چنین « کار پژوهش‌گر این است که مطالب جمع‌آوری شده را در قالبی زیبا بریزد و آن‌ها را ارائه دهد.

شرط دستیابی به چنین نکته‌ای هم این است که طلبه با ادبیات عصر خود آشنا شود؛ برای مثال: ملاصدرا، بیکن و دکارت، هر سه در یک عصر زندگی می‌کردند. اما امروز بحث‌های ملاصدرا را خیلی قدیمی می‌دانند. دلیل آن این است که بحث‌های دکارت را در قالبی نوریخته‌اند، ولی برای ملاصدرا این کار را نکرده‌اند؛ این نکته مهمی است که باید به آن توجه کنیم.

شروع کار پژوهش من در دانشگاه بود؛ به دلیل این که از من خواسته شد. در حوزه هم باید با برنامه‌ریزی در سیستم آموزش، این کار انجام شود. اگر ما بخواهیم انگیزه پژوهش را در طلبه‌ها ایجاد کنیم، راهی نیست جز این که از طریق سیستم آموزشی و استاد انجام شود؛ همان‌طور که در تمام مراکز دنیا این‌گونه است.

در جشنواره، موج است و در این موج، حرف‌های زیادی زده می‌شود. اگر این حرف‌ها جمع‌بندی و نقد شود، قابل پی‌گیری و بهره‌بری است. از این رو، بنده برای این جشنواره نقش اساسی قائلم.

در حوزه، هم پژوهش‌های منفعل است و هم فعال و این، باعث

می‌شود که هم جای نگرانی باشد و هم امید. گاهی به ما گفته می‌شود که در این موضوع با رویکرد دینی پژوهش کنیم. گاهی هم خود ما برای پژوهش حرکت می‌کنیم. بیشتر پژوهش‌های نوع دوم، جنبه انفعالی دارد؛ مثل پژوهش‌های کلامی و فقهی ما. با وجود این که نظریه معاد در فرهنگ دینی ما مسأله‌ی عمیقی است، کار مهمی صورت نگرفته است یا هم‌چنین، صفت عدل خداوند.

اگر پژوهش‌گران ما قدرت عمل داشته باشند و پژوهش‌ها انفعالی نباشد، آن موقع می‌توانیم امیدوار باشیم که توانمندی‌های علمی حوزه، بالا برود.

یکی از مشکلات حوزه، کتاب‌محوری است، در حالی که ما می‌توانیم بدون کتاب‌های اصولی و منابع ادبی موجود، طی پنج سال، با شیوه‌ای خاص، فقیه و ادیب پرورش دهیم. از این رو، باید بنیه علمی حوزه قوی شود تا در آینده، پژوهشی امیدوار کننده داشته باشیم.

در جشنواره موج است و در این موج، حرف‌های زیادی زده می‌شود. اگر این حرف‌ها جمع‌بندی و نقد شود، قابل پی‌گیری و بهره‌بری است. از این رو، بنده برای این جشنواره نقش اساسی قائلم.

کار، گاهی لازم است که مراکز پژوهشی، جداگانه کار کنند؛ این کار، سبب جلوگیری از کارهای موازی می‌شود. خوشبختانه در این جشنواره، شاهد این اتفاق ارزشمند هستیم که طلاب جوان، با کارهای دیگران آشنا می‌شوند و این، باعث ایجاد بسترهای مناسب برای همفکری بین آنها می‌شود.

اما درباره‌ی شاخصه پژوهش‌های برتر، آن‌چه در قدم نخست می‌تواند امتیاز باشد، انتخاب مسأله‌ی پژوهش است. **اولین مسأله‌ی در انتخاب پژوهش، این است که متناسب با توانایی‌های پژوهشگر باشد. طبق سنت الهی و سخنان امامان معصوم (علیهم السلام)، چنان‌چه از هر انسانی، متناسب با توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که دارد، کاری خواسته شود، آن کار ثمره خوبی می‌دهد.**

دومین نکته در انتخاب پژوهش، نو و بدیع بودن آن است. گاهی کارهای فراوانی می‌شود که تکرار کارهای دیگران است. نگاه نو و بدیع به مباحث دینی، افق‌های روشن‌تری را فراروی مخاطبان ما باز می‌کند و این، سبب بهره‌مندی بیش‌تر از آموزه‌های دینی می‌شود.

شما کمتر کتابی پیدا می‌کنید که با استفاده از آیات و روایات، موضوع مهدویت را بررسی کرده باشد؛ هم‌چنین تولید علم در این عرصه، بسیار کم بوده و بیش‌تر مطالب، از یک منبع به منبع دیگر انتقال یافته است.

سومین نکته در بحث پژوهش برتر، مشخص بودن آن است. کلی‌گویی و کشاندن بحث به عرصه‌های تاریک و نامشخص، آسیب‌هایی است که جایگاه پژوهش را پایین می‌آورد. نکته چهارم در این مسأله، علاقه پژوهشگر به موضوع پژوهش



حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای خدامراد سلیمیان

از شما بزرگواران تشکر می‌کنم و امیدوارم خداوند توفیق دهد، نکاتی بر زبانمان جاری شود که برای خودمان و دیگران مفید باشد.

می‌دانید که مباحث آموزش و پژوهش، به‌طور جدی در هم تنیده‌اند، به‌گونه‌ای که نمی‌توان مرز شفاف‌ی بین آنها قرار داد. به‌طور مسلم، آموزش بدون پژوهش، نه فایده‌چندانی دارد و نه مطلوب است. بنابراین، نکته اول این است که بین آموزش و پژوهش، نوعی در هم تنیدگی است.

نکته دوم، بحث نهادینه شدن پژوهش است. ما در حوزه به پژوهش‌های اساسی نیاز داریم که میان گذشتگانمان هم رایج بوده است؛ برای نمونه، می‌توان به علامه حلی اشاره کرد که مجموعه تلاش شما هم با نام ایشان آراسته شده است.

اما با توجه به گستردگی بحث آموزش و پژوهش و نیاز به تقسیم

است. این علاقه کمک می‌کند که نتیجه‌ی پژوهش مطلوب شود. نکته پنجم این است که انتخاب پژوهش، براساس امکانات و شرایط باشد. ما می‌بینیم که امروز، حوزه‌ی علمیه، در توسعه امکانات و لوازم، از قبیل کتابخانه‌های تخصصی، ایجاد کتابخانه‌های الکترونیکی، تولید نرم‌افزارها و... قدم‌های ارزنده‌ای را برداشته است. نکته‌ی آخر، اهمیت و اولویت پژوهش است. کم نیست پژوهش‌هایی که در عرصه‌هایی صورت می‌گیرد و نهایتاً در جایی بایگانی می‌شود. اولویت و اهمیت، به معنای این است که گرهی را باز یا مشکلی را حل کند.

گاهی پیش می‌آید که موضوع‌هایی اولویت دارند، ولی اولیت ندارند. به نظر شما نظام‌مند بودن پژوهش - که طبق فرموده‌ی خودتان موازی کاری‌هایی هم صورت گرفته است - تا چه اندازه‌ی اهمیت دارد؟

به‌طور مسلم، آموزش بدون پژوهش، نه فایده چندانی دارد و نه مطلوب است.

نظام‌مند بودن می‌تواند کمک کند اولویت‌ها شکل بگیرد که حاصلش، پیدایش پژوهش‌هایی درخور علاقه‌ی مخاطبان باشد؛ به بیان دیگر: **اصل مهم در فایده کامل پژوهش، به‌ویژه پژوهش‌های هم‌پوشان، نظام‌مند بودن و ناظر بر هم بودن آن‌هاست.**

در واقع ما سه مرحله داریم: مرحله‌ای که هیچ ارتباطی بین آموزش و پژوهش نیست. مرحله‌ای که ارتباط کمی بین آن دو برقرار است و مرحله‌ای که در هم تنیده‌اند. به نظر می‌رسد، در مرحله‌های ابتدایی، آموزش و پژوهش از هم جدا هستند؛ برای مثال: در سال‌های ابتدایی از طلبه‌ها کار پژوهشی خواسته نمی‌شود، زیرا پیش از مهارت‌های پژوهشی، باید آموزش‌هایی در این راستا دیده شود. بنابراین، در مرحله ابتدایی آموزش، این حرف پذیرفتنی است. اما در مراحل هم‌دانش‌پژوه، ناچار است به منابع مراجعه کند

و به پژوهش دست زند.

این موضوع از جهاتی درخور بررسی است. **نخستین نکته در اخلاق پژوهشی، دوری جستن از پیش‌داوری است؛** یعنی پژوهشگر، ذهنش را از جهت‌گیری‌ها، نسبت به آن موضوعی که باید پی بگیرد، خالی کند؛ به‌طور طبیعی، کسی که با جهت‌گیری خاصی وارد پژوهش می‌شود، نتیجه‌ای می‌گیرد که مبتنی بر آن جهت‌گیری‌هاست.

نکته دوم این است که در استفاده از دست‌آوردهای دیگران، بخل نورزد؛ گاهی دیده می‌شود که افرادی خودشان را بی‌نیاز از زحمات دیگران می‌دانند. امروزه با عنوان پیشینه تحقیق، پژوهشگری می‌آید و به نوعی پژوهش‌های قبلی را تکمیل می‌کند

نکته سوم در اخلاق پژوهش، رعایت امانت در آموزه‌هایی است که ما از دیگران می‌گیریم. متأسفانه، گاهی دیده می‌شود که کسانی تلاش‌های دیگران را از ابزاری مانند اینترنت می‌گیرند و به دیگران منتقل می‌کنند و حتی را از بین می‌برند.

شما کم‌تر کتابی پیدا می‌کنید که با استفاده از آیات و روایات، موضوع مهدویت را بررسی کرده باشد؛ هم‌چنین تولید علم در این عرصه، بسیار کم بوده و بیش‌تر مطالب، از یک منبع به منبع دیگر انتقال یافته است از آن‌جا که در دنیای امروز، استقبال چشم‌گیری از مباحث موعود باوری و منجی باوری می‌شود، باید ما این تقاضا و نیاز جهانی را از حوزه تفکر شیعه پاسخ دهیم و با استفاده از منابع روایی و تفسیری، در این زمینه، کاری اسلامی انجام دهیم.

هر چند وضعیت کنونی مطلوب نیست، ولی من فکر می‌کنم که **یک افق بسیار روشن، پیش‌روی ماست.** اگر طلبه‌های جوان بیشتر تلاش کنند و بزرگان حوزه هم با پژوهشگران، همکاری بیشتری داشته باشند، به لطف خداوند، آینده بسیار خوبی خواهیم داشت.

این جشنواره، با معرفی آثار پژوهشگران، تقدیر از زحمات آنها و تشویق به انجام دادن کارهای جدیدتر، نشاط و پویایی را در پژوهشگران پدید می‌آورد.

كان أمير المؤمنين علي عليه السلام يقول:

**روحوا أنفسكم بديع الحكمة
فإنها تكل كما تكل الأبدان.**

قال الصادق عليه السلام:

**اكتب وبت علمك في اخواتك
فان مت فاورث كتبك بنيك
فانه يأتي على الناس زمان هرج
لا يأنسون فيه الا بكتبهم.**





از سوی دبیرخانه دومین

جشنواره‌ی علامه حلی (ره) خدمت برخی از

برگزیدگان اولین جشنواره‌ی علامه حلی (ره) رسیدیم.

در این گفتگوی صمیمی مطالبی تحت عناوین زیر بیان شد:

- رمز موفقیت خود.

- مشکلات اساسی در روند پژوهش از سوی طلاب و مدیران.

- وضعیت پژوهش در مدارس علمیه.

- جایگاه آموزش پژوهش در حوزه های علمیه.

اکنون توجه شما را به اهم سخنان این عزیزان جلب

می‌کنیم:

از همه این عزیزان جهت فرصتی که در اختیار

جشنواره علامه حلی (ره) قرار دادند

تشکر می‌کنیم.

علامه حلی انجام می‌دهد؛ یعنی اینکه فراخوان می‌زند و کارهای پژوهشی طلبه‌ها را در زمینه‌های مختلف، ارزیابی می‌کند.

زمینه اصلی کار من، علوم حدیث و به طور تخصصی، گرایش معارضین مذهب شیعه است. موضوع تحقیق من هم در جشنواره، دفاع از علامه حلی بود؛ زیرا با مطالعه کتاب‌های اهل سنت، دیدم دروغ‌هایی را به برخی از فقهای برجسته شیعه نسبت داده‌اند که تصمیم گرفتم روی این موضوع کار کنم؛ مثلاً درباره شهید اول گفته بودند که او قائل به حلیت شرب خمر بوده است و به خاطر همین اعتقادات فاسدش، وی را کشتند!

مهم‌ترین رمز موفقیت من این بود که از همان سال‌های اول طلبگی، با افراد پژوهش‌گر و نخبه حوزه در ارتباط بودم.

در این تحقیقات، ابن حجر عسقلانی را به عنوان یکی از ارکان معارضین شیعه شناختم و مقداری به شخصیت این فرد پرداختم که آیا می‌شود حرف‌های غیرمنصفانه او را، چون محقق راستگو پذیرفت یا خیر؟

استاد خوب در زندگی من خیلی تأثیرگذار بود. هم‌چنین دیدار با

بداند که می‌خواهد چه کار کند؛ یعنی برای خودش آینده‌ای ترسیم کند و ترسیم این آینده، با توجه به علاقه‌اش باشد. اگر به فلسفه علاقه دارد، لازم نیست به خاطر سفارش آقای قرائتی، روی تفسیر کار کند. **سال اول طلبگی که بودم، از آیت‌الله نوری همدانی پرسیدم که اسلام به چه چیزی نیاز دارد. ایشان فرمودند: به هر چه علاقه دارید، به همان گرایش داشته باشید، اسلام به همه چیز نیاز دارد.**

اگر اجازه بدهید، می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و کمی حرف متفرقه بزنم که به نظرم لازم است. **متأسفانه الآن، افرادی در رأس امور قرار گرفته‌اند و شعار تخصص‌گرایی می‌دهند که تخصص چندانی ندارد** افرادی که در مؤسسات تخصصی هستند، خیلی متخصص نیستند و گاهی افرادی غیرمتخصصی به این مؤسسات می‌روند که متخصص‌تر از نیروهای خود مؤسسه‌اند. **مثلاً برای ورود به بحث پژوهشی، شرط می‌گذارند که باید رسائل را خوانده باشید.**

از اینجا فهمیده می‌شود که برنامه‌ریزها غیرمتخصص هستند و برنامه‌های آنها هم، هیچ برون‌دادی نخواهد داشت. کار درست همین است که جشنواره



جناب آقای سیری نژاد

(از نفرات برگزیده جشنواره اول)

مهم‌ترین رمز موفقیت من این بود که از همان سال‌های اول طلبگی، با افراد پژوهش‌گر و نخبه حوزه در ارتباط بودم. این ارتباط، تأثیر زیادی در من گذاشت تا جایی که وقتی از تلاش‌های علامه امینی در عرصه پژوهش می‌شنیدم که چگونه برای یافتن یک منبع، مسافرت‌های طولانی می‌رفته و رنج‌های زیادی می‌کشیده است، آرزو می‌کردم که بتوانم روزی این‌گونه کار کنم.

طلبه برای رسیدن به موفقیت، باید

برخی از بزرگان شیعه، مانند علامه عسکری، علامه سید جعفر مرتضی عاملی و استاد غیب غلامی که این سه بزرگوار، در پژوهش‌های خود، بسیار متخصص بودند.

به نظر بنده، بزرگترین مشکلی که در مسیر پژوهش حوزه وجود دارد، مطرح شدن افراد غیرمتخصص، به عنوان متخصص است. شنیده‌ام بالای صد مرکز تخصصی در قم وجود دارد، شاید بتوان گفت که هفتاد درصد آنها کارهای موازی انجام می‌دهند. مثلاً دو روز پیش برگه‌ای تبلیغاتی پخش شده بود: دوره تخصصی تفسیر در شش جلسه. در پایان جلسه هم به شما مدرک تخصصی دوره تفسیر و تبلیغ داده می‌شود.

حتماً کسانی که ده - بیست سال کار تفسیر کرده‌اند، الآن پیغمبرند یا مافوق بشر یا این کلاس‌ها واقعا معجزه‌گرند. آیا این حرف توجیه‌پذیر است؟

دو هفته پیش در جلسه دفاعیه پایان‌نامه یکی از دوستانم در دانشگاه تهران، شرکت کردم که خیلی از اساتید بزرگ کشور هم حضور داشتند. تنها ایرادی که از پایان‌نامه گرفتند، این بود که چرا شما پژوهش را با «ژ» نوشته‌ای و با «ج» نوشته‌ای؟ چرا فوق را با «غ» نوشته‌ای؟ چرا اینجا ویرگول نگذاشته‌ای؟ جلسه دفاعیه به کلاس دیکته تبدیل شده بود. به نظرم آمد،

شاید اینها پایان‌نامه را نخوانده‌اند که بعد از مدتی، یکی از این اساتید که خیلی ایراد املائی هم گرفته بود، پایین آمد و گفت که من بیست صفحه از پایان‌نامه شما را خوانده‌ام. این وضعیت اساتید متخصص ماست!

برای اینکه حوزه تخصصی شود، باید شعار تخصصی‌گرایی بدهیم، اما نه به این صورت که افراد غیرمتخصص، مسئول تعلیم دوره‌های تخصصی شوند. برای حل این مشکل، باید جشنواره‌ای برگزار شود و متخصصان، آثار خود را در این جشنواره ارائه کنند و در میان آنها افراد متخصص، شناسایی شوند. البته مشکلی که برخی از این جشنواره‌ها هم دارند، این است که مثلاً به داوری که در زمینه فقه قوی است، گفته می‌شود که شما در قسمت رجال اهل تسنن هم داوری کن. پژوهش‌مدارس، اگر با تحریکاتی مثل جشنواره علامه باشد، خوب است.

اندیشه‌ای که امروز بیش از حد در حوزه مورد توجه قرار گرفته است، معنویت‌گرایی است و بازار حرف‌هایی چون، باید به فکر اخلاص و تقوا باشیم، علم عشق در دفتر نباشد، هذا حجاب الاکبر و... گرم شده است. اگر کسی چون امام این حرف‌ها را می‌زند، ایشان بر سر یک مسئله کوچک فقهی، سه چهار ساعت بحث می‌کردند یا اگر شیخ

انصاری می‌گوید: علم حجاب اکبر است، ایشان شصت سال عمر خودش را صرف علم کرده است. نه اینکه در گوش طلبه‌ای که هنوز ابتدایی‌ترین مسائل فقهی را نمی‌داند، مدام بگوییم: علم حجاب اکبر است. در این صورت همین انفاقی می‌افتد که الآن افتاده است.

ما برای بالا بردن علم به حوزه آمده‌ایم، نه معنویت. ما می‌توانیم بقال باشیم و با حضرت مهدی (عج) هم در ارتباط باشیم. ولی ارتباطی که یک عالم شیعه با حضرت مهدی دارد، مشکل جهان را برطرف می‌کند.

ما باید اول از ورود یک سری افکار ضد پژوهش‌گری در حوزه جلوگیری کنیم. هم‌چنین باید پژوهش‌گران حوزه را مطرح کنیم و به آنان بال و پر بدهیم تا برای طلبه‌های دیگر هم ایجاد انگیزه شود. حتی خوب است که برخی از محققان خوب و برجسته را به حوزه بیاوریم تا با طلبه‌ها گفت‌وگو کنند. من فکر می‌کنم، این تبلیغ خوبی برای پژوهش است.

دو نفر هستند که الگوی بنده هستند: یکی علامه میرحامد حسین است که ختم محققان شیعه بود و اولین کسی هم که در ایران کتاب‌های ایشان را چاپ کرد، امام خمینی بود، نفر دوم هم علامه امینی است که در این زمینه، شهره آفاق است. به نظر من،

مطالعه شرح احوال این بزرگان، بزرگ‌ترین راه تعلیم پژوهش است. اگر استادی مقید باشد، پیش از خواندن لمعه، می‌گوید شادی روح شهیدین صلوات. اما چقدر خوب است که شیوه‌های تحقیقی این بزرگان گفته شود و طلبه‌ها را با روش‌های تحقیقی و ضرورت تحقیق آشنا کنند.

برای این کار ابتدا باید ببینیم، اوضاع پژوهش کشور ما چگونه بوده و جشنواره علامه حلی چه تأثیری روی آن گذاشته است. متأسفانه برخی از اساتید حوزه، صددرصد مقلد هستند و هیچ زحمتی برای حرف‌هایشان نکشیده‌اند. جشنواره باید افرادی را که برای حرف‌هایشان زحمت کشیده‌اند، شناسایی کند. خیلی از محققان می‌ترسند که مخالف مشهور حرف بزنند؛ زیرا در آخر، یا تکفیر می‌شوند یا به عنوان افراد دنیاطلب، مشهور می‌شوند یا به ضد انقلاب متهم می‌شوند.

مثلاً فردی که در منطق تحقیق کرده بود، سر کلاس بر مرحوم مظفر ایرادی گرفت، استاد مربوط به او گفت: شما می‌خواهی دروس حوزه را زیرسؤال ببری. آن فرد گفت: من در این زمینه تحقیق کرده‌ام و نمی‌خواهم کسی را زیرسؤال ببرم. در آخر حتی به او گفتند: تو می‌خواستی با این حرف رییس حوزه را زیرسؤال ببری که بنده خدا دیگر

مجبور به سکوت شد.

اما جشنواره علامه حلی به پژوهش‌گران بهاداده و پژوهش‌های آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و این خیلی خوب است که جایی برای عرض اندام پژوهش‌گران در حوزه پیدا شده است. اگر ما هر صدسال در جامعه شیعه، ده پژوهش‌گر هم داشته باشیم، به قوت رسیده‌ایم.

اگر جشنواره نتواند به همین نیم درصد پژوهش‌گر حوزه کمک کند، طلبه‌های دیگر می‌گویند: او که پنج سال زحمت کشید و تحقیق کرد، به جایی نرسید و کارهای حوزه به دست غیرمتخصصان سپرده شد، من هم وارد جرگه غیرمتخصصان می‌شوم که فلان سمت حوزه را بگیرم.

ای کاش می‌گفتند: شما چه مشکلی دارید؟ آیا کتابی هست که نمی‌توانی پیدا کنی و ما برایت پیدا کنیم؟

ای کاش این جشنواره علامه حلی، برای برگزیدگان کارتی درست می‌کرد که کتابخانه‌های تخصصی کشور، با این محققان همکاری کنند.

اگر جشنواره دید که یک نفر به درد بخور هست، به هر نحوی که هست

باید روی او کار کند، تأمینش کند و در مسیر پژوهش قرارش دهد.

خواهش من این است با سی نفر برگزیده جشنواره بیشتر مشورت شود؛ مثلاً به ما یک میلیون دادند و گفتند: این جایزه شماست. ای کاش می‌گفتند: شما چه مشکلی دارید؟ آیا کتابی هست که نمی‌توانی پیدا کنی و ما برایت پیدا کنیم؟ اگر می‌خواهید ببینید چه خیانتی به محققان می‌شود از کتابدار کتابخانه آیت الله مرعشی فیلمی مستند بسازید. بارها کتابی خواستیم، که به دلیل چاپ سنگی بودن، هر چه التماس کردم، ندادند. حتی گفتم از صفحات آن عکس بگیرید، هرچه پولش بشود، می‌دهم که گفتند: نه! دوربین بگذارید و ببینید، چند درصد از افرادی که وارد کتابخانه می‌شوند، کتاب‌های تست و حل المسائل می‌گیرند و چند درصد محقق وارد کتابخانه می‌شود.

کمتر از پنج درصد افراد، محقق هستند. بعد ببینید چند درصد از این محققان راضی‌اند. ای کاش این جشنواره علامه حلی، برای برگزیدگان کارتی درست می‌کرد که کتابخانه‌های تخصصی کشور، با این محققان همکاری کنند. فکر می‌کنم این کار در روند پژوهش، خوب باشد.



**حجت الاسلام والمسلمین
جناب آقای مروجی طبسی**
(از نفرات برگزیده جشنواره اول)

مسئله شروع کار پژوهش، برمی‌گردد به اینکه طلبه‌ها از آن سالی که وارد حوزه می‌شوند، پس از سال ششم - که وقت مکاسب و رسائل خواندنشان است - به یک احتضار علمی و فکری و روحی می‌افتند و نمی‌دانند چه کار کنند و به نوعی به «بی‌هویتی» می‌رسند. وجود همایش‌هایی مانند «جشنواره علامه حلی»، پنجره‌امیدی است برای طلبه‌های جوان تا بتوانند خودشان را بهتر پیدا کنند و از آن بی‌هویتی و احتضار در

بیایند و روی پای خودشان بایستند و با قدرت بگویند: «من یک طلبه هستم و حرف‌های زیادی برای گفتن دارم».

طلبه جوان، دوست دارد که مورد توجه قرار بگیرد و کار پژوهش را بالأخره باید از جایی شروع کند که این جشنواره، جای خوبی است برای عرضه کارهای جدید پژوهشی. **اما عوامل موفقیت من، یکی «خانواده» است و دیگری، «محیط مدرسه»**

یعنی محیط خارج از منزل. من در خانواده‌ای بزرگ شدم که همه، اهل علم بودند: پدر بزرگم، پدرم، عموهایم و... من از همان دوران کودکی، در کتاب‌خانه پدرم، به نوعی کتابدار بودم. ایشان کتاب‌هایی را که می‌خواستند، من برایشان از قفسه‌ها بیرون می‌آوردم و به ایشان می‌دادم. به اندازه‌ای با کتاب‌ها و قفسه‌های کتاب‌خانه، آشنا بودم که اگر چشم‌هایم را هم می‌بستند، باز می‌توانستم بفهمم که چه کتابی را در دست دارم و جلد چندم کتاب است.

بزرگ‌تر که شدم، وارد مدرسه علمیه شهیدین شدم. این مدرسه، قابلیت‌هایم را قوت بخشید؛ چون تنها مدرسه‌ای بود که واحد تحقیقات داشت و توانستم،

اولین مقاله‌ام را به عنوان "خدیجه، مادر امت" بنویسم.

من همیشه سعی کردم فرزند هنر و تلاش خودم باشم. هیچ‌گاه دوست نداشته و ندارم که از پدر و پدر بزرگم مایه بگذارم. درست است که مدیون آنها هستم، ولی هر چه هست، تلاش خودم بوده و سعی کردم همیشه، با تلاش و کوشش خودم، به پیش بروم.

وجود همایش‌هایی مانند «جشنواره علامه حلی»، پنجره‌امیدی است برای طلبه‌های جوان تا بتوانند خودشان را بهتر پیدا کنند و از آن بی‌هویتی و احتضار در بیایند و روی پای خودشان بایستند و با قدرت بگویند: «من یک طلبه هستم و حرف‌های زیادی برای گفتن دارم».

مشکل اول، عدم وجود یک عامل نظام‌مند در حوزه است؛ یعنی عاملی که خود حوزه باید انجام بدهد و برنامه‌ریزی بکند که متأسفانه نیست! **در حوزه مدیریت، یک اتاق فکر نداریم که در آنجا این خلأها شناسایی شود و راه کارهای مناسب، ارائه گردند.** خیلی بیش از اندازه، بی‌برنامه عمل کرده‌ایم.

مشکل بعدی که در عرض مشکل قبلی است، خود ما طلبه‌ها هستیم. **ما طلبه‌ها در این قضیه، خیلی کوتاهی می‌کنیم و مشکل خود را گردن حوزه می‌اندازیم. می‌گوییم چون حوزه، نظام‌مند نیست، به جایش دو ساعت روزه می‌خوانیم!** به فرض که حوزه مدیریت ندارد و نظام‌مند نیست، اما ما طلبه‌ها چرا کار خودمان را بند آن قضیه می‌کنیم؟! این کار، موجب تسلسل می‌شود و این می‌شود که عملاً کارهایمان پیش نمی‌رود. اگر به ما طلبه‌ها یاد ندادند که این کارها را بکنیم، خودمان باید همت کنیم و یاد بگیریم. رمز موفقیت من در این زمینه، اول، همت خودم بوده است. بی‌کار ننشستم تا ببینم حالا حوزه، چه کار می‌کند و فلانی می‌خواهد چه کار کند. خودم سعی کردم تا مطالب را از پدرم یا سایر اساتیدم، یاد بگیرم و خودم گلیم خودم را از آب، بیرون کشیدم!

چرا با اینکه ورودی حوزه زیاد است، اما خروجی اش این طوری است و توقع هم داریم همه آنها محقق باشند؟ این برمی‌گردد به همان سیستم آموزش غلط ما؛ یعنی آموزش، با پژوهش، توأم نیست.

همین که کتاب سال حوزه، هر ساله برگزار می‌شود و آثار پژوهشی طلاب را جمع‌آوری می‌کند، نشان می‌دهد که کار پژوهش در حوزه وجود دارد و طلبه‌ها به صورت فردی، کارهای خوبی انجام می‌دهند. این به صورت عامش است؛ اما به صورت خاص، برنامه‌هایی که در مدارس علمیه اجرا می‌شوند، به نظر من، بویی از پژوهش ندارند! متأسفانه شاید این، به خاطر پیش زمینه‌ای است که ما آموزش را غیر از پژوهش تعریف کرده‌ایم. درحالی که این دو، عین هم‌دیگرند. اصلاً ما نمی‌توانیم بین این دو، تفکیک قائل شویم.

چرا با اینکه ورودی حوزه زیاد است، اما خروجی اش این طوری است و توقع هم داریم همه آنها محقق باشند؟ این برمی‌گردد به همان سیستم آموزش غلط ما؛ یعنی آموزش، با پژوهش، توأم نیست. راه‌کارش این است که طلبه در سال اول، در کنار صرف ساده، یک کتاب صرفی دیگر را هم معرفی کند و مباحث صرفی را با آن تطبیق بدهد و در زمینه صرف، روش پلکانی را پیش بگیرد. به این می‌گویند پژوهش خوب. سال اول که صرف را خواند، با پنج منبع و روش

آشنا می‌شود. این می‌شود پژوهش. این طلبه، وقتی سال ششمش تمام شد، ده تا کتاب صرفی شناخته و می‌تواند به راحتی، درباره یک موضوع صرفی، بحث کند و مطلب ارائه دهد.

اصلاً ما می‌دانیم که چند تا حاشیه بر لمعه داریم؟! گاهی طلبه‌ها نمی‌دانند که نویسنده لمعه چه کسی بوده و کجایی بوده و اصلاً روش کار لمعه چی بوده است؟ این به خاطر همین است که سیستم آموزش حوزه، با پژوهش، توأم نبوده و درست تعریف نشده است.

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم! ما دنبال چه هستیم؟ دنبال این هستیم که برویم و از غرب، الگو برداری و گرده برداری کنیم و سیستم آنها را برای خودمان پیاده کنیم؟! ما خودمان سرمایه‌ای عظیم داریم که فراموشش کرده‌ایم. آن هم سیره سلف صالح خودمان است. باید ببینیم که علمای خودمان، چه کار می‌کردند. **چرا باید بر سر سنت‌ها بنسیم؟ درحالی که سنت، آن قدر هم که می‌گویند، بد نیست! بیاییم همان کارهای سنتی علمای گذشته‌مان را با کمی تغییر در قالب، عوض کنیم و اجرا نماییم. در زمان‌های قدیم،**

استاد درس نمی‌داد؛ طلبه‌ها خودشان تحقیق می‌کردند، بعد، استاد اشتباهاتشان را می‌گرفت. خوب است مثالی بیاوریم: مثلاً درباره آیه‌ای، سه کتاب تفسیر شیعه و سه تفسیر اهل سنت را نگاه می‌کنید. مدرکش را نیز بررسی سندی می‌کنید. حاشیه‌هایی را که بر کافی نوشته‌اند نیز نظری می‌اندازید. بعد، اجتهاد خودت را بررسی می‌کنی. روشن است که این کار، با پژوهش همراه است.

پیشنهاد من، این است که بیاییم این سرمایه عظیم، یعنی حیات علمی مراجع و علمای گذشته را بررسی و آنالیز کنیم. ببینیم آنها در دوره یادگیری‌شان، چه طوری با اساتیدشان مباحثه می‌کردند.

ما چرا دور خودمان می‌چرخیم و می‌گوییم الگویی نداریم. پیشنهاد من، این است که بیاییم این سرمایه عظیم، یعنی حیات علمی مراجع و علمای گذشته را بررسی و آنالیز کنیم. ببینیم آنها در دوره یادگیری‌شان، چه طوری با اساتیدشان مباحثه می‌کردند. اینها را اگر بررسی کنیم، می‌توانیم الگوهای زیبایی

را به دست آوریم.

سفارش من، این است که خودشان را بند نظام مدیریت حوزه نکنند، چه تحولی ایجاد شود یا نشود. یک طلبه، خودش باید گلیمش را از آب، بیرون بکشد. باید زیر نظر استاد جلو برود و پژوهش‌های خودش را نظام‌مند کند. طلبه باید از استاد بخواهد که در موضوعات مختلف، منابع بیشتر و متنوع‌تری را به او معرفی کند. طلبه باید تیزهوش و کنجکاو باشد. مثل یک خبرنگار، باید سمج و جسور باشد تا مطلب را به سرانجام برساند و فکر این باشد که: «من باید خودم را آرام کنم؛ وجدان علمی خودم را!».

در مورد مسئولان، به اندازه کافی، دیگر دوستان صحبت کردند. درست است که آنها به فکر ما هستند و نمی‌توانم منکر زحماتشان بشوم؛ اما حقیقتاً ناراحت هستم که به اندازه کافی، به ما طلبه‌ها بهما نمی‌دهند. مقصود من، مسئول بخش پژوهش حوزه نیست؛ کلی می‌گوییم: «مسئولان ارشد!»

دوستان شاهد بودند که دبیر «جشنواره علامه حلی»، واقعاً از آبرو و جان و مال خودشان مایه گذاشتند و خیلی زحمت کشیدند تا توانستند به جشنواره،

سر و سامان بدهند. مشکل، این جاست که بزرگان ما، مسئله برایشان به خوبی جا نیفتاده و از نظر بودجه، آن‌گونه که شایسته و بایسته است، جشنواره را تأمین نکردند. امید است که در آینده نزدیک، این مشکلات نیز مرتفع گردد.



سرکار خانم طاہرہ اسماعیلی
(از نفرات برگزیده جشنواره اول)

به نظر من، مسئولان باید برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی کنند که طلبه‌ها با شروع خواندن صرف‌ساده، مبادی و منطق، از همان ابتدا راه و رسم پژوهش را یاد بگیرند. آموزش و پژوهش، مثل دو بال پرنده، کمک می‌کند که انسان در آسمان معرفت و دانش به پرواز درآید. اولاً: باید نوع نگاه برخی از مسئولان، نسبت به خانم‌ها و پژوهش حوزه خانم‌ها عوض شود و همان تسهیلاتی که به آقایان داده می‌شود به خانم‌ها هم بدهند. ثانیاً: نه خانم‌ها به خودباوری رسیده‌اند و نه آقایان، خانم‌ها را باور کرده‌اند. **هنگامی که فرم‌های جشنواره**

علامه حلی به دفتر من آمد تا به خانم‌ها بدهم، گفتند: چه کسی می‌آید پژوهش ما را بخواند؟! این حرف دو دلیل دارد: یکی اینکه خانم‌ها خودشان را باور ندارند و دوم اینکه از طرف آقایان، چندان حمایت و پذیرفته نشده‌اند.

نقش جشنواره علامه حلی (ره) در گسترش پژوهش خیلی خوب است؛ زیرا واقعاً در مدارس حوزه و علوم حوزوی، جای پژوهش خالی است.

اولاً: باید نوع نگاه برخی از مسئولان، نسبت به خانم‌ها و پژوهش حوزه خانم‌ها عوض شود و همان تسهیلاتی که به آقایان داده می‌شود به خانم‌ها هم بدهند.

یک نکته اینکه ما کتاب‌خانه تخصصی نداریم که بتوانیم راحت استفاده کنیم؛ کتاب‌خانه‌های تخصصی هم خیلی‌ها با خانم‌ها همکاری نمی‌کنند. با توجه به مشکلات زیاد خانم‌ها، از قبیل رسیدگی به امور خانه، لازم است در چارچوبی خاص و ضوابط و قواعد ویژه، تسهیلاتی را برای خانم‌ها قائل شوند. نکته دوم، همکاری نکردن اساتید با

خانم‌هاست. برخی اساتید، راهنمایی و مشاوره دادن به خانم‌های پژوهش‌گر را نمی‌پذیرند.

سومین نکته، درباره مشکل مدارج علمی خانم‌هاست. شورای عالی حوزه، تنها مدارک سطح دو و سطح سه فقه و اصول و تفسیر خواهران را به رسمیت شناخته است و مدارج دیگر، پذیرفته نیست.

نکته آخر اینکه خانم‌ها از حداقل شهریه هم محرومند، حتی به اندازه کرایه ماشین. در این وضعیت، چگونه می‌توان انتظار داشت که خانم‌ها وقتی که باید صرف خانه، همسر و بچه‌ها کنند، کنار بگذارند و در مراکز مختلف، پژوهش کنند.

ما، در پژوهشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) گرایش‌های مختلفی ایجاد کرده‌ایم، از قبیل: اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام، اندیشه سیاسی، مطالعات زن و خانواده و فلسفه و کلام. هم‌چنین قصد داریم که گروه‌های پژوهشی در مطالعات اجتماعی، مهدویت و گروه‌های دیگر تشکیل دهیم که خانم‌ها هم بتوانند وظیفه‌ای که بر عهده‌شان هست، به نحو احسن ایفا کنند.



جناب آقای سیاح گرگی

(از نفرات برگزیده جشنواره اول)

رمز موفقیت بنده تلاش حدوداً یک ساله، علاقه زیاد به موضوع پژوهش، کمک اساتید و... می باشد.

از دوره دانشجویی کم کم با روشهای پژوهش آشنا شدم و کوشیدم در این میدان فراخ گام بگذارم. در دانشگاه بیشتر اساتید از دانشجویان می خواهند که برای پایان ترم، نوشتاری تحقیقی بنگارند و این یکی از بهترین دواعی برای برانگیختن دانشجویان علوم دینی به پژوهیدن و کاویدن است. آدمی به نسبت راهی که نرفته هراسناک و بی انگیزه است و از این رو در بیشتر راهها گام نمی نهد. حال اگر

کسی که خود راه رفته است او را برای رحیل بیدار و وادار کند و فراز و نشیب راه را به او بیاموزد و او نیز بیندوزد و حق شاگردی را نیکو ادا کند، شاگرد پس از مدتی خود استادی توانا می شود و اگر نه، خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده را ز سیبل. حوزه باید برترین اساتید آشنا به کاوش و نگارش را بر آن دارد تا با همتی بلند به شاگردان خود روش گردآوری نوشتارهای علمی و پژوهشی را بیاموزند و ایشان را به این مهم وادار کنند و اگر نه، نادرند آنان که بی مدد استاد کار ره به جایی برند و

«النادر کالمعدوم» هیچ کس از پیش خود چیزی نشد هیچ آهن خنجر تیزی نشد هیچ حلوایی نشد استاد کار تا که شاگرد شکرریزی نشد.

مشکلات اساسی روند

پژوهش عبارتند از:

۱- تعریف ناشدگی پژوهش در سامانه آموزشی حوزه.

۲- فقه پایگی حوزه و به نادادن کافی به علوم دیگر؛ چه اگر آموزندگان دانش دینی تنها فقه و اصول بیاموزند، نباید انتظار داشت دانشهای دیگر را بکاوند و بنگارند.

۳- طولانی بودن دوره

آموزشی در حوزه.

۴- مشکلات مالی، ۵- کم بودن درآمد کار پژوهشی و...

مشکل اصلی آن است که برخی با تحول حوزه از پایه مخالفاند و از این رو نمی توان پژوهش را به معنای درست آن به حوزه وارد کرد؛ چه دروس حوزه آن قدر فشرده و گسترده است که نمی شود از طلبه انتظار کار پژوهشی داشت.

یک الگوی پژوهش آموزی و یا آموزش پژوهش معرفی کنید؟ حوزه باید متحول شود و پژوهش را در کنار آموزش، به گونه جدی اجرا کند. دانای زمان، آگاه و دوراندیش روزگار ماسیدنا القائد (سلمه الله) بارها بر این نکته دست نهاده و راهکار روشن کرده است، لیک چشم و گوش برخی را آن نور نیست.

برانگیختن پژوهشگران به تحویل دادن آثار پژوهشی خود. جشنوارهها، سمینارها، کنگرهها و مانند اینها نمایشگاههای دستاوردهای علمی اند و نقش پایه ای در گسترش پژوهش ندارند. باید شالوده و سامانه پژوهش را در حوزه استوار کنیم، نه اینکه تنها برای آثار فراهم آمده نمایشگاه درست کنیم. خانه از پایبست ویران است خواجه در فکر نقش دیوار است.



سرکار خانم الهه عابدینی
(از نفرات برگزیده جشنواره اول)

با توجه به اینکه آثار بسیاری با موضوعات مختلف به جشنواره‌ها ارسال می‌گردد. معمولاً برخی از آثار دارای نکات قابل توجهی است که توجه داوران جشنواره را به خود جلب می‌کند و البته ناگفته نماند که داوران براساس معیارهای خاصی، آثار مرسوله را مورد بررسی قرار می‌دهند. به نظر بنده موفقیت اثر بنده در جشنواره توجه به نکات زیر است.

۱- اهمیت داشتن موضوع مورد بررسی و به روز بودن آن.

۲- بررسی سیر تاریخی پوشش زنان از دوران‌های گذشته تا دوران معاصر و به ویژه بررسی تاریخی حجاب و تطور آن در ایران از دوران باستان تا دوران پهلوی.

۳- استفاده از منابع معتبر و متعدد (منابع قدیمی و منابع جدید).

۴- استفاده از تصاویر و نمودارها در قسمت ضمایم برای مطالعه دقیق‌تر خوانندگان.

۵- متن تحقیق به گونه‌ای ساده و روان نوشته شد تا تمام افراد در هر سطح که هستند بتوانند آن را مطالعه نمایند.

۶- با توجه به مطالعاتی که صورت گرفته شاید بتوان گفت این تحقیق نسبت به تحقیقات دیگر، تاریخ حجاب را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داده است.

یکی از موضوعاتی که در دوران تحصیلات حوزوی ذهن بنده را به خود مشغول نمود همین مسئله حجاب بود. که تصمیم گرفتم آن را موضوع پایان‌نامه خود قرار دهم. از آن‌جا که بررسی این موضوع نیاز به اطلاعات دقیق و بسیار داشت. با یکی از اساتید حوزه در شهر مقدس قم تماس گرفتم، و ایشان راهنمایی این تحقیق را برعهده گرفتند.

در ابتدا از کتابخانه‌های موجود در اصفهان استفاده کردم و سپس با اسکان در شهر مقدس قم اطلاعات بیشتری را بدست آوردم.

البته در روند پژوهش مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که به نظر بنده اساسی‌ترین آنها، عدم شناخت پژوهشگران (خصوصاً کسانی که در آغاز راه پژوهش قرار می‌گیرند) از روش‌های پژوهشی است.

در مدارس علمیه، طلاب در امر پژوهش، با مشکلات بسیاری روبرو هستند که بنده به برخی از این مشکلات اشاره می‌کنم:

۱- عدم شناخت طلاب از روش‌های تحقیق و چگونگی

جمع‌آوری اطلاعات.

۲- عدم برخورداری مسئولان پژوهشی از اطلاعات کافی جهت آموزش شیوه‌ها و روش‌های انجام تحقیقات به طلاب.

۳- معرفی برخی اشخاص به طلاب به عنوان استاد راهنما، که از بنیه‌ی علمی خوبی برخوردار نیستند.

۴- عدم دسترسی طلاب به کتاب‌های مورد نظرشان که اساساً این کتاب‌ها در محل زندگی آن‌ها وجود ندارد و با توجه به محدودیت‌هایی که برای آن‌ها جهت اسکان در شهر دیگر وجود دارد، نمی‌توانند به این کتاب‌ها دسترسی پیدا کنند.

۵- کتاب‌هایی که به عنوان درس روش تحقیق و شیوه‌ی انجام پایان‌نامه در مدارس علمیه تدریس می‌شود. دارای محدودیت‌ها و نواقصی است که باید به آن توجه بیشتری می‌شود.

معمولاً بیشتر جشنواره‌هایی که در سطح کشور برگزار می‌گردد بعد از ارسال آثار و بررسی آن توسط هیأت داوران، و اهداء جوایز به برگزیدگان جشنواره و در نهایت دعوت از برگزیدگان برای شرکت در جشنواره بعدی، هیچ اقدام دیگری انجام نمی‌دهند. به نظر بنده جشنواره علامه حلی نیز عاری از این نقص نمی‌باشد.

